

به نام اهورامزداى پاك
و به نام **ايران**

خديجه فارسى
نامى ماندگار

گردآورنده : عرفان آقايى
erfan_ghaei@pochta.ru

وبلاگ :

yazilarim.blogfa.com

تقديم به : رويان . ت

فهرست کتاب :

- پیشگفتار
- خلیج فارس ، موقعیت و ویژگیها
- خلیج فارس در دوران باستان
- خلیج فارس ، علت نامگذاری و دلایل آن
- پژوهشی در اسناد و منابع تاریخی
- خلیج فارس در اسناد و منابع بین المللی
- بررسی دو دوره تاریخی (حضور هلندیها در منطقه)
- بررسی دو دوره تاریخی (حضور انگلیسیها در منطقه)
- سابقه جعل نام خلیج فارس
- اهداف انگلستان از تغییر نام خلیج فارس
- کشورهای عربی و تغییر نام خلیج فارس
- توقعات عربی !
- پاسخ به ادعای واهی امارات
- جزایر سه گانه و حاکمیت سه هزار ساله
- خداحافظ خلیج فارس !
- وجدانهای بیدار و اعتراف به حقیقت
- علل تغییر نام خلیج فارس
- منابع



پیشگفتار:

به نام خدا

همه ما از ماجرای تغییر نام "خلیج فارس" توسط مؤسسه آمریکایی نشنال جئوگرافی آگاه هستیم و همبستگی و همصدایی خوبی را که در نتیجه آن در بین ایرانیان پدیدار و باعث شد این مؤسسه از حرکت غیر اخلاقی و ضد تاریخی خود در تغییر نام خلیج فارس عقب نشینی کند را از یاد نبرده ایم. جنگ تحمیلی و سالها سکوت و عدم تحرک دولت جمهوری اسلامی باعث شد که کشور امارات با صرف میلیونها دلار اقدام به پیشبرد ادعای واهی خود در مورد جزایر ایرانی کند. و کشورهای عربی منطقه با استفاده از این فرصت همچنان مبلغ نام جعلی "خلیج عربی" باشند و برای کم رنگ کردن نام "خلیج فارس" دست به اقدامات مختلف از جمله چاپ کتاب و دادن رشوه به رسانه ها و برخی سیاستمداران غربی زده و استفاده از نام خلیج عربی را رواج دهند. تنگناهای سیاسی که کشورمان در سالهای اخیر به خاطر دشمنی آمریکا و برخی از دولتهای اروپایی دچار آن شده از عوامل گستاخی کشورهای ریز و درشت حاشیه خلیج فارس به حساب می آید، کشورهایایی که به زور استعمار و بنا به خواست استعمارگران به وجود آمدند و تا یکصد سال اخیر نامی از آنها در منابع تاریخ دیده نمیشود!

کتابی که پیشرو دارید منبع علمی تازه ای نیست و حرف جدیدی برای گفتن ندارد، بیشتر مطالب این کتاب از طریق اینترنت قابل دسترسی است، تنها دلیل گردآوری آن ایجاد یک کتاب الکترونیکی به زبان فارسی بود تا کاربران بتوانند به شکل رایگان آن را از شبکه اینترنت دریافت کرده و مطالعه کنند. بی شک ارائه مطالب به شکل دسته بندی شده و منظم باعث صرفه جویی در وقت و هزینه ها شده و کاربران علاقمند میتوانند در کوتاهترین زمان ممکن به مطالب مورد نظر خود دسترسی داشته باشند.

همچنین اعتقاد دارم ایجاد یک کتاب الکترونیکی در شبکه اینترنت و قابل دسترس بودن آن کوچکترین کاری است که میتوانیم برای دفاع از نام خلیج فارس و حقوق کشورمان در منطقه انجام دهیم. من به شخصه تا کنون چنین منبعی را در شبکه اینترنت ندیده ام و یا از وجود آن آگاهی ندارم! در هر صورت امیدوارم این کتاب مورد توجه و استفاده علاقمندان قرار گرفته و به آگاهی و دانش آنها بیافزاید.

پاینده ایران و نام خلیج فارس
عرفان آقایی .. تهران ۱۳۸۵

خلیج فارس ، موقعیت و ویژگیها :

خلیج فارس از سمت شمال با ایران، از غرب با کویت و عراق و از جنوب با عربستان، بحرین و امارت متحده عربی همسایه است. وسعت آن ۲۴۰،۰۰۰ کیلومتر است و پس از خلیج مکزیکو و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان محسوب می‌شود. در زبان یونانی این خلیج، «خلیج پارس»، مورد استفاده قرار می‌گرفته که از نخستین شاهنشاهی مهم این منطقه، شاهنشاهی پارس برگرفته شده است. در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی و با اوج گرفتن پان عربیسم، برخی از کشورهای عربی خلیج فارس را با نام «خلیج عربی» یاد کردند. ایران، به نوبه‌ی خود با تصویب دو قطع‌نامه در سازمان ملل متحد، نام خلیج پارس را رسماً وارد اسناد این سازمان کرد. قطع‌نامه‌ی نخستین به شماره‌ی UNAD 311/Qen در ۵ مارس ۱۹۷۱، و مورد دوم به شماره‌ی UNLA 45.8.2 در ۱۰ اوت ۱۹۸۴ تصویب شدند.



خلیج فارس که امروزه به پیوستگاه و ته آب اروندر رود در خرمشهر و بصره تا راس مسندام در شمال عمان اطلاق می‌شود در اواسط دوره سوم زمین‌شناسی حدود ۳۰ میلیون سال قبل در اثر گسترش دهانه شکاف دریای عمان بوجود آمده و از پدیده‌های دوران سوم زمین‌شناسی است. ابتدا وسعت آن بیشتر از دو برابر مساحت فعلی بوده است. این پهنه آبی قدیمی‌ترین دریایی است که بشر آن را می‌شناخته است بر پایه نقشه‌های تکتونیک خلیج فارس جزء کانونهای زلزله خیز ایران است. این خلیج توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است و جزایر مهم آن عبارت‌اند از:

خارک، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، کیش، قشم، و لاوان که تمامی آنها به ایران تعلق دارد. پس از بسته شدن راه تجارت بین شرق و غرب در دوره عثمانی، پرتغالی‌ها متوجه اهمیت این خلیج شدند، به طوری که سراسر قرن شانزدهم میلادی خلیج فارس را در تصرف خود داشتند. اما پس از آن انگلستان توانست کشورهای رقیب را از آن خارج کند و در آغاز قرن نوزدهم بر آن تسلط یابد. با این حال، در سال‌های بعد نیز کشورهای حاشیه جنوبی آن به تدریج مستقل شدند و انگلستان پایگاه‌های خود را از دست داد.

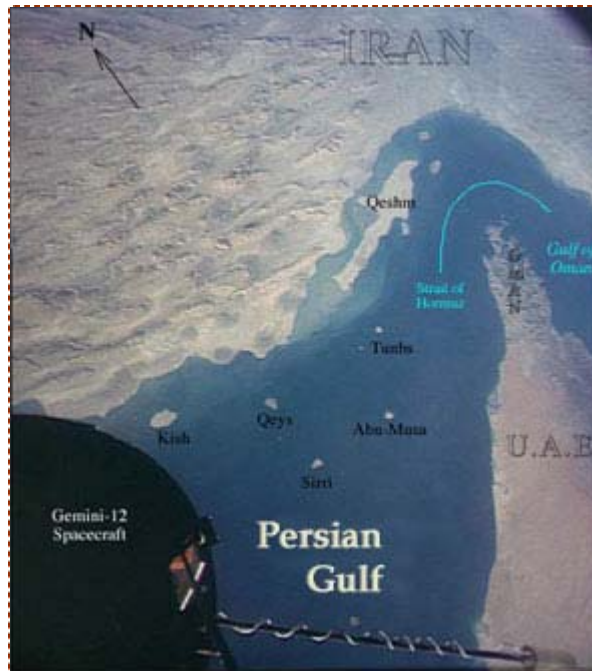
خلیج فارس و سواحل آن معادن سرشار نفت و گاز دارد و مسیر انتقال نفت کشورهای چون کویت، عربستان و امارات متحده عربی است. به همین دلیل، منطقه‌ای مهم و استراتژیک محسوب می‌شود. بندرهای مهمی در حاشیه خلیج فارس وجود دارد که از آنها می‌توان بندر شارجه، دوبی، ابوظبی و بندر عباس را نام برد.

دریانوردی در خلیج فارس سابقه بسیار طولانی دارد ولی اولین مدارک قطعی در این زمینه به قرن چهارم قبل از میلاد مربوط است. این پهنه آبی گاهواره تمدن جهان و از اولین زیستگاه‌های بشر محسوب می‌شود ساکنان این دریا کشتی را اختراع و خاور و باختر را به هم پیوند داده‌اند.

خلیج فارس با ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۶۸ میلیارد بشکه ذخیره نفت (۵۶٪) کل ذخایر نفت جهان یک آبراه بزرگ و مهم بین‌المللی است که از دوره هخامنشیان تا امروز همواره اهمیت استراتژیک داشته و بویژه در دوره جنگ جهانی دوم و در دوره جنگ سرد بر اهمیت و شهرت جهانی آن افزوده شد و با انقلاب اسلامی ایران و بر هم خوردن معادلات جهانی با بروز سه جنگ موسوم به جنگ‌های سه‌گانه خلیج فارس و با توجه به اهمیت اقتصادی و جهانگردی که کشورهای حاشیه عربی آن پیدا کرده اهمیت آن و توجه جهانیان به آن این منطقه را به مشهورترین نقطه جغرافیایی تبدیل کرده است علی‌رغم فراز و نشیب‌های مختلف تاریخی هنوز هم ایران مهم‌ترین کشور منطقه است که قسمت اعظم خلیج فارس را تحت حاکمیت دارد. خلیج فارس گرمترین پهنه آبی دنیاست، عریض‌ترین بخش آن ۱۸۰ مایل است و عمیق‌ترین نقطه آن ۹۳ متر در ۱۵ کیلومتری تنب بزرگ، و کم عمق‌ترین بخش آن در غرب بین ۱۰ تا ۳۰ متر است عمق کم خلیج فارس باعث شده است که خشکی مرتب بدرون دریا پیشروی نماید.

در عین شوری زیاد آب، ۲۰۰ چشمه آب شیرین در کف و ۲۵ چشمه کاملاً شیرین در سواحل این خلیج جریان دارد که همگی از کوه‌های زاگرس یا پارس سرچشمه می‌گیرند، اروندر، کارون، دیاله، زاب، جراحی، مند، دالکی و میناب بزرگترین و پر آب‌ترین رودهایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند. گرمای هوا گاهی

در تابستان ۵۰ درجه و برودت آن در زمستان تا ۳ درجه گزارش شده است. خلیج فارس از نظر منابع طبیعی از غنی ترین پهنه های آبی جهان است، نفت، مروارید، گاز، فسفات، گوگرد، مرجان، انواع ماهیها و میگو از جمله ثروت های خلیج فارس است. بنادر دبی، شارجه، ابوظبی، کویت، بحرین، دوحه، کیش، بندر عباس، خرمشهر و بصره خلیج فارس را به قطب اقتصادی و توریستی جهان تبدیل کرده است.



تصویر ماهواره ایی خلیج فارس

خلیج فارس در دوران باستان :

خلیج پارس نامی است به جای مانده از کهن ترین منابع، زیرا که از سده های قبل از میلاد سر بر آورده است، و با پارس و فارس _ نام سرزمین ملت ایران _ گره خورده است. خلیج فارس، دریای کم عمق و نیمه بسته ای است با مساحت حدود ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع که در جنوب غربی قاره آسیا و در جنوب ایران قرار دارد. زمین شناسان معتقدند که در حدود پانصد هزار سال پیش، صورت اولیه خلیج فارس در کنار دشت های جنوبی ایران تشکیل شد و به مرور زمان، بر اثر تغییر و تحول در ساختار درونی و بیرونی زمین، شکل ثابت کنونی خود را یافت. قدمت خلیج فارس با همین نام چندان دیرینه است که عده ای معتقدند: «خلیج فارس گهواره تمدن عالم با خاستگاه نوع بشر است.» ساکنان باستانی این منطقه، نخستین انسان هایی بودند که روش دریانوردی را آموخته و کشتی اختراع کرده و خاور و باختر را به یکدیگر پیوند داده اند. اما دریانوردی ایرانیان در خلیج فارس، قریب پانصد سال قبل از میلاد مسیح و در دوران سلطنت داریوش اول آغاز شد. داریوش بزرگ، نخستین ناوگان دریایی جهان را به وجود آورد.

کشتی های او طول رودخانه سند را تا سواحل اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس پیمودند، و سپس شبه جزیره عربستان را دور زده و تا انتهای دریای سرخ کنونی رسیدند. او برای نخستین بار در محل کنونی کانال سوئز فرمان کندن ترعه ای را داد و کشتی های از طریق همین ترعه به دریای مدیترانه راه یافتند. در کتیبه ای که در محل این کانال به دست آمده نوشته شده است: «من پارسی هستم. از پارس مصر را گشودم. من فرمان کندن این ترعه را داده ام از رودی که از مصر روان است به دریایی که از پارس آید پس این جوی کنده شد چنان که فرمان داده ام و ناوها آیند از مصر از این آبراه به پارس چنان که خواست من بود.» داریوش در این کتیبه از خلیج فارس به نام «دریایی که از پارس می آید» نام برده است و این نخستین مدرک تاریخی است که درباره خلیج فارس موجود است. اولین بار یونانی ها بودند که این خلیج را «پرسیکوس سینوس» یا «سینوس پرسیکوس» که همان خلیج فارس است، نامیده اند.

از آنجا که این نام برای اولین بار در منابع درست و معتبر تاریخی که غیر ایرانیان نوشته اند آمده است، هیچ گونه شائبه نژادی در وضع آن وجود ندارد. چنان که یونانیان بودند که نخستین بار، سرزمین ایران را نیز «پارسه» و «پرسپولیس» یعنی شهر یا کشور پارسیان نامیدند. استرابن جغرافیدان قرن اول میلادی نیز به کرات در کتاب خود از خلیج فارس نام برده است. وی محل سکونت اعراب را بین دریای سرخ و خلیج فارس

عنوان می‌کند. همچنین «فلاریوس آریانوس» مورخ دیگر یونانی در کتاب تاریخ سفرهای جنگی اسکندر از این خلیج به نام «پرسیکون کیت» که چیزی جز خلیج فارس، نیست نام می‌برد. البته جست و جو در سفرنامه‌ها یا کتاب‌های تاریخی بر حجم سندهای خدشه‌ناپذیری که خلیج فارس را «خلیج فارس» گفته‌اند، می‌افزاید. این منطقه آبی همواره برای ایرانیان که صاحب حکومت مقتدر بوده‌اند و امپراطوری آنها در قرن‌های متوالی بسیار گسترده بود هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی اهمیت خارق‌العاده‌ای داشت. آنها از این طریق می‌توانستند با کشتی‌های خود به دریای بزرگ دسترسی پیدا کنند و به هدف‌های اقتصادی و نظامی دست یابند. آثار عرب زبان نیز بهترین و غنی‌ترین منابعی هستند که برای شناسایی و توجیه کیفیت تسمیه این دریا می‌تواند در این بررسی مورد استفاده قرار گیرد.

در این منابع و آثار از دریای فارس و چگونگی آن بیش از آثار فرهنگی موجود در هر زبان دیگری گفت و گو شده است. تمام کسانی که نسبت به متون دوره اسلامی شناختی حداقل داشته باشند با نام مسعود ابن بطوطه، حمدالله مستوفی، یاقوت حموی، حمزه اصفهانی، ناصر خسرو قبادیانی، ابوریحان بیرونی، ابن بلخی و دیگرانی که اکثر آنان کتاب‌های خود را به زبان عربی نیز نوشته‌اند، آشنا هستند. گذشته از متقدمان نامبرده می‌توان از نویسندگان عرب متأخر نیز نام برد که در آثار خود از نام «خلیج فارس» بدون کم و کاست یاد کرده‌اند.

"خلیج فارس" علت نام‌گذاری و دلایل تاریخی آن :

آثار باستانی برجای مانده از شهرهای ساحلی خلیج فارس همانند بوشهر، خارك، سیراف و بند طاهری حکایت از وجود يك تمدن ۶۰۰۰ ساله در سواحل خلیج فارس می‌کند. آثار مکتوب و نوشتاری برجای مانده حدود کمتر از ۳۰۰۰ سال قدمت دارند و از بسیاری از مسایل و حوادث دوره تمدن ایلامیها، مادها، آشوریها، دراویدیان و پیشدادیان و تا قبل از حکومت پارسها اطلاع دقیق و روشنی وجود ندارد و این دوره از زندگی ساکنان منطقه هنوز در پرده‌ای از ابهام وجود دارد. تنها در دوره امپراتوری قدرتمند و پهناور پارس است که خلیج فارس شهرت بین‌المللی می‌یابد.

پژوهشگرانی که در خصوص نام خلیج فارس تحقیق نموده‌اند، متفق القول هستند که نام خلیج فارس در تمام قرون و بویژه در ۲۵۰۰ سال گذشته نامی یگانه، بین‌المللی و بدون معارض بوده است و در خاورمیانه بر روی کمتر نامی در ادوار مختلف تاریخی چنین اتفاق و یگانگی در میان همه نویسندگان و مورخان وجود داشته است. در این راستا کتب و مقالات ارزشمندی از سوی پژوهشگران ارایه شده است بسیاری از آنها سرگذشت خلیج فارس و توصیف‌هایی که در کتب و نوشته‌های قبل و بعد از میلاد مکتوب شده است و حتی بعضاً نقشه‌های تاریخی آن را از ابتدای تاریخ گرد آوری و ارایه نموده‌اند.

کتاب سر آرنولد ویلسن Sir Arnold Wilson که در سال ۱۹۲۸ به نام خلیج فارس (Persian Gulf) به چاپ رسیده یک نمونه از این کتب ارزشمند است. وی ضمن نقد سابقه تاریخی و جغرافیایی خلیج فارس و بیان توصیف‌های نویسندگان معرب زمین مشاهدات خود را نیز بیان نموده و نوشته است "هیچ آبراهی چه در گذشته و چه در حال حاضر برای زمین‌شناسان، باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان، جغرافیدانان، بازرگانان، سیاستمداران و سیاحان و دانش‌پژوهان اهمیتی بیشتر از خلیج فارس نداشته است این آبراه که فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌کند از هزاره قبل از میلادتا کنون از هویت پارسی و ایرانی برخوردار است." در میان نویسندگان غربی که در مورد نام خلیج فارس تحقیق کرده‌اند رساله پژوهشی سی ادmond Bosworth C. Edmund Bosworth نیز از اهمیت برخوردار است. وی مطالبی را از ۲۰ مورخ و سیاح یونانی و اروپایی، از سردار یونانی نیارکوس (۳۲۵-۲۴ ق.م) گرفته تا پریدیکس (۱۸۷۶)، در مورد توصیف خلیج فارس بیان نموده است.

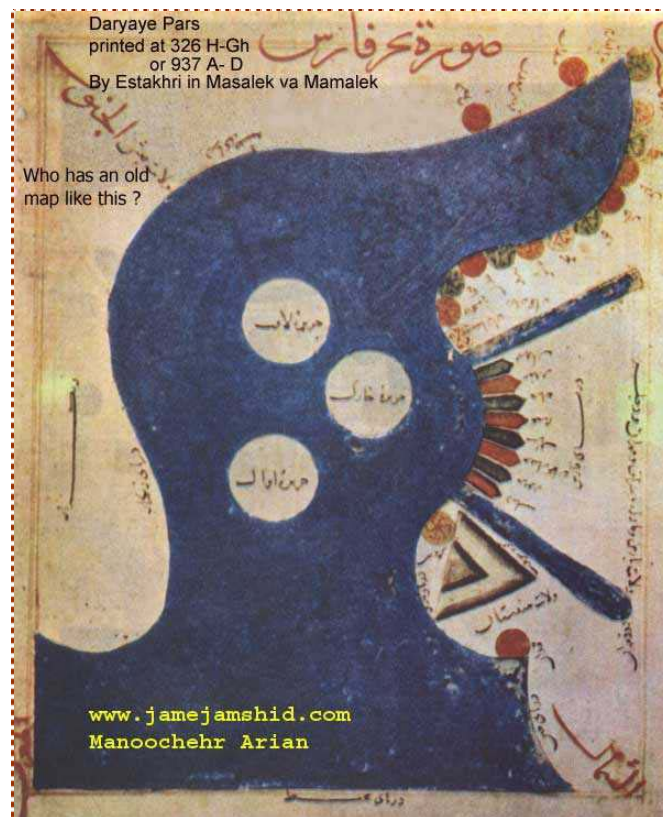
از آنجا که اسناد و تاریخ مکتوب ایران قبل از اسلام از میان رفته است مدارک مستند پارسی کمی وجود دارد ولی تاریخ شفاهی آن دوران که سینه به سینه نقل شده و فردوسی (۳۲۹-۴۱۱ قمری) آنها را تحت عنوان "شاهنامه یا نامه باستان" به شعر در آورده نشان می‌دهد که ایرانیان تمامی آبهای خلیج فارس و عمان و دریای عرب امروزی را دریای فارس و اقیانوس هند را "آریاتراس" می‌گفته‌اند. علاوه بر مورخان و سیاحان یونانی و رومی که وی از آنها نقل قول نموده است، می‌توان حداقل به ۲۰۰ نفر مورخان و سیاحان سرشناس کشورهای اسلامی و عربی قرون گذشته نیز که در توصیف خلیج فارس و نامگذاری آن بطور مستقیم و یا ضمنی توضیحاتی دارند اشاره نمود.

در کتاب مجموعه مقالات خلیج فارس ارایه شده در سمینارهای سالهای قبل از انقلاب اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی چاپ ۱۳۶۹. دکتر جواد مشکور در مبحث نام خلیج فارس، جملات و توصیف‌های ۴۷

نویسنده قرون گذشته را در باره وجه تسمیه خلیج فارس آورده است. نویسنده مصری بنام احمد میرزا نیز در کتاب عربی خود بنام "خلیج الفارسی عبر التاریخ" جملات و توصیف های ۲۰ نویسنده عرب قرون گذشته را در باره وجه تسمیه خلیج فارس آورده است. در کتاب "نام خلیج فارس برپایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی" تألیف ایرج افشار سیستانی نیز مطالب و توصیف های بیشتر از ۵۰ نویسنده اروپایی، عربی و اسلامی و ایرانی سده های گذشته در باره نام خلیج فارس آورده شده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از بیان جملات آنها خودداری و فهرستی از اسامی مورخان و نویسندگان و مشخصات کتب آنها برای اطلاع بیشتر خوانندگان در جدول ضمیمه در پایان تحقیق آورده شده است.

این مورخان همگی در کتب خود عبارتهای ذیل را در وجه تسمیه و علت نام گذاری خلیج فارس به این نام ارائه نموده اند:

"این دریا که از سند و کرمان تا فارس ادامه دارد و به جناوه، مهروبان، سیراف و عبادان (آبادان) ختم می شود، در میان همه سرزمینها با نام فارس خوانده می شود زیرا مملکت فارس از همه کشورها آبادتر، پیشرفته تر بوده و پادشاهان آن همه کرانه های دور و نزدیک این دریا را تحت کنترل خود دارند. به روزگار گذشته پادشاهان پارس بزرگتر و قویتر بوده اند و هم در این روزگار مردمان پارس بر همه کرانه های این دریا مستولی اند".



یکی از نقشه های قدیمی که نام خلیج فارس در آن مشهود است

این عبارتها در دهها کتاب تاریخی وجود دارد. برای نمونه می توان در صفحه ۳۰ البلدان ابن فقیه و صفحات ۵، ۳۵ و ۱۰۹ کتاب مسالك و ممالك استخري و ص ۹۴۱ صوره الارض ابن حوقل مشاهده نمود که با مختصر تغییر عینا نقل کردیم. در کتاب البلدان و تاریخ یعقوبی ص ۲۲۴ به دریای پارس اشاره و نوشته است: "برای سفر به چین از راه خوارزم و تبت روند و اگر از راه دریا روی باید از ۷ دریا بگذری اول دریای پارس است که باید از سیراف بر کشتی نشست و آخرش راس جمحه است".

همه تاریخ نویسان و جغرافی دانان از خلیج فارس تقریباً توصیفات کم و بیش مشابهی دارند. آنها عموماً حدود بحر پارس را شامل دریای عرب امروزی، عمان تا سند می دانند و مملکت پارس را نیز از ترکیه امروزی تا شام، مصر، بخشی از هندوستان، کابلستان، تخارستان، ماوراءالنهر و عدن ذکر کرده اند. بسیاری از آنها همچنین مردمان ظفار (ظفار و اومان)، بحرین و عدن را فارس نامیده اند. حتی ابن بطوطه (۱۳۰۴-۱۳۷۷م) در سفرهای خود در تمام مناطق مذکور با زبان فارسی با مردمان این مناطق صحبت می کرده است. همه مورخان مورد مطالعه ما بر این باورند که اولین حکومت مقتدر در سواحل این پهنه آبی را پارسها در سالهای ۵۵۹ تا ۳۳۰ قبل از میلاد بر پا نمودند و حاکمیت امپراتوری پارس بر تمام منطقه خاورمیانه و بویژه تمام

خلیج فارس و شبه جزیره عربی تا ظهور اسلام ادامه یافتند دریاوردان و تجار ایرانی در سراسر خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند حضور فعالی داشتند و از آنجا که پارسها قوم اصلی و اکثریت ساکنان سواحل سراسر خلیج فارس را تشکیل می دادند، بسیار طبیعی بوده است که از اولین سیاحانی که کتاب برجای مانده مانند فیثاغورس ۶۰۸ - ۵۰۹ قبل از میلاد تا جهانگردانی مانند استانی و اسپیک و جهانگردان معاصر که خلیج فارس را پیموده و یا از این پهنه آبی یاد کرده اند همگی آنرا با پسوند پارس توصیف کرده اند. بدیهی است که این نام گذاری در دوره های بعد نیز به اتفاق کلمه مقبول و محفوظ مانده است.

به همین دلیل بود که نام خلیج فارس بطور گسترده ای در متون مدون و نقشه های آن دوران رایج گردید. از سنگ نوشته ها، مکتوبات و نقشه های کهن دوران باستان مانند سنگ نوشته داریوش امپراتور پارسی که در باستان شناسی های تل المسخوتب مصر مربوط به سالهای قرن پنجم قبل از میلاد بدست آمده است، لوحه های آشوری، بابلی و نیارکوس (۳۲۵ قبل از میلاد) تا هرودوت (420-486 Herodotus ق م)، کیبقرس کوتوبیس رونوس، بطلموس، فلیوبوس آریانوس، بلوتحه جغرافی دان مصری (۹۰ قبل از میلاد)، ابن فقیه، ابن رسته، فردوسی و بزرگ ابن شهریار رامهرمزی تا دوران معاصر همه جا سفر نامه نویسان، سیاحان، جغرافی دانان و نقشه نگارانی که از سراسر جهان اعم از یونانی، رومی، چینی، هندی، ژاپنی و اروپاییان به منطقه سفر نموده اند، خلیج فارس را با نام اصلی و نامهای منصوب به سرزمین ایران توصیف نموده اند.

پژوهشی در اسناد و مبانی تاریخی نام خلیج فارس :

در حداقل ۳۰۰ کتاب مهم تاریخی، جغرافیائی، ادبی، مذهبی و علمی قرون گذشته و دو هزار نقشه متعلق به قبل و بعد از میلاد مسیح، از خلیج فارس با همین نام و یا نامهایی مترادف و معادل آن توصیف شده است که در این مختصر به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم.

از اولین نوشته ها و مکتوبات عهد باستان تاکنون شاهراه آبی جنوب ایران همواره با نام خلیج فارس و دریای پارس توصیف شده است. گواه این ادعا وجود بیش از ۳۰۰ کتاب تاریخی مربوط به سیاحان و مورخین، ادبا و دانشمندان اروپایی، عرب و مسلمان قرون گذشته و صدها سند و اثر باستانی و بیش از ۶۰۰۰ نقشه تاریخی است که بسیاری از آنها از سوی یونسکو به عنوان میراث بشریت شناخته شده است. اسناد و تاریخ شفاهی این نام را از ۳ هزار سال تاریخ مدون خاورمیانه تا کنون به نسل امروزی منتقل کرده اند. حقیقتی که دو متفکر بزرگ مصری در مجله الاهرام العربی شماره ۲۱۹ سال ۲۰۰۱ و کتاب تطویر العلاقات بدان اعتراف و اعلام نمودند که " هیچ سند تاریخی برای تغییر نام خلیج فارس وجود ندارد و سکونت فعلی اعراب و وجود دولتهای عربی در سواحل این خلیج دلیل منطقی برای تغییر نام کهن و تاریخی آن نیست. "

- ۱- اسناد تاریخی دوره پارسی (۵۶۰ قبل از میلاد) تا قرن پنجم قبل از میلاد اسناد مشخصی در ارتباط با نام دقیق این پهنه آبی وجود ندارد. در متن سومری پادشاه اور، لاگاش (۲۴۹۴ - ۲۴۶۵ ق م) از عبارت ساحل بالا و در متن پادشاه یوروک ۲۳۴۰-۲۳۱۶ ق م و در متن شاهان آکد، کلمه دریای بالا و دریای پایین استفاده شده است. آشوریها، اکدیها، بابلیها و ایلامیها هرکدام از این پهنه آبی با کلماتی از قبیل: تالاسا Talassa، مر Mare، کلپی Kolpos و دریا Derya که در واقع هیچکدام اسم خاص نیستند و معنی همه آنها دریا (Sea) به عبارت عام آن است، نام برده اند. در کتاب اوستا از خلیج فارس با نام پوئی دیگ و فراخ کرت (دریای وسیع) نام برده شده است در شماره ۱۸ فرگرد ۵ بخش وندیداد اوستا آمده است: من اهورامزدا آب ها را به دریای پوئی تیک (خلیج فارس) باز می گردانم.
- ۲- چون ایزد تیشتر بر زمین باران آورد دریای فراخکرد را در جنوب کوه البرز پدید آورد شش دریای دیگر نیز پدید آورد در جنوب دریای پوئی دیگ (خلیج فارس) میان این دریا و دریای فراخکرد (اقیانوس هند) دریای سدویس (دریای مکران پارس) قرار گرفت و دریای پوئی دیگ از این راه به دریای فراخکرد راه دارد دریای دیگر کمرو (خزر) است که در شمال قرار دارد دریای دیگر سیاه بن است (دریای سیاه) در سوی رم دو شاخه فراخکرد، خلیج بنگال در خاور و دریای سرخ در باختر آن است. و در یکی از کتیبه های آشوری نام ناره مرتو Nar Marratu یعنی تلخرو دریا برای خلیج فارس بکار رفته است. در قدیمی ترین نقشه که یک لوحه سنگی بابلی است و در موزه لندن نگهداری می شود آبهای خلیج فارس ترسیم شده است ولی با نام مشخصی توصیف نشده است، اگرچه از دوره ماقبل امپراتوری پارسی اسناد مکتوبی باقی نمانده ولی تاریخ و فرهنگ شفاهی نشان می دهد که ایرانیان قبل از امپراتوری پارسی نیز آبهای جنوب ایران را دریای جم دریای ایران و دریای پارس می گفته اند. از سالهای ۵۵۹ تا ۳۳۰ قبل از میلاد که دوره حاکمیت امپراتوری پارس بر تمام منطقه خاورمیانه، و بویژه تمام خلیج فارس و بخشی از شبه جزیره عربی است، نام دریای

پارس بطور گسترده ای در متون مدون ذکر شده است. قدیمی ترین سیاحتنامه متعلق است به فیثاغورس که فصل ۱۰۲ تا ۱۱۰ آن مربوط به شرح سفرهای وی به شوش و سپس در معیت داریوش به پرسپولیس رفته است و به شرح آن پرداخته و پرسپولیس را زیباترین بنای جهان برشمرده است در زمان دیدار وی از پرسپولیس این بنای عظیم در حال ساخت بوده و هنوز تکمیل نشده بوده است. نوشته دیگری از این دوره مربوط به کتیبه ها و سنگ نبشته های داریوش در مصر است که یکی از آنها مربوط به حفر کانال نیل است که متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد است و در سواحل رود نیل کشف شده که در آن داریوش این شاهراه را دریای پارسه نامیده است. در سنگ نوشته های تخت رستم و شهر پارسه نیز از این پهنه آبی تحت حاکمیت پارسها یاد شده است.

فلاسفه، سیاحان و جغرافی نویسان باستان مانند:

اناکسیماندر ملطی 610-546 Anaximandre ق.م در نقشه جهان که در کتاب *kleinere schriften* اثر ی. لول. لایبزیگ، ۱۸۳۶ باز نگری و چاپ شده است از خلیج فارس نام برده است. هکاتئوس ملطی (۴۷۳-۴۹ ق.م) در نقشه ای که از جهان آن روزگار ترسیم کرده است از خلیج فارس نام برده است، تالس ملیتی (546-640 Thales Melitus قبل از میلاد)، فیثاغورس (Pythagore) (زایش ۶۰۸ پیش از میلاد درگذشت ۵۰۹ ق.م)، کوسماس ایندیکوپلیوس (۵۰۰-۵۳۵ ق.م)، هکاتئوس (500 Hecataus ق.م)، نیارکوس دریاسالار یونانی (۲۴۲-۳۲۵ ق.م) که سواحل مکران و هرمز تا رود فرات را مورد بازدید قرار داده، البته هرودوت (420-486 Herodotus ق.م)، از خلیج فارس و دریای عمان بنام اریتراس نام برده که تاریخ نگارانی چون شوف و آگاتارشید بر این باورند که این نام گذاری بر گرفته شده از نام سردار ایرانی بنام اریتراس فرزند میوزایوس از توانمندان پارسی بوده که بر سواحل عمان و خلیج فارس حاکمیت داشته و نام وی بر یکی از شهرها و جزایر بزرگ شرق عمان اطلاق می شده است. Ptolemeus Quintus Claudius معروف به بطلمیوس (۲۷۰-۳۳۰ ق.م) ریاضی دان و ستاره شناس قرن دوم قبل از میلاد در کتاب جغرافیای جهان که اولین اطلس جهان با ۳۶ نقشه و یک نقشه جهان نما بوده است، کنزیاس (۳۸۰-۴۴۵ ق.م. گزنفن) (۳۵۲-۴۳۰ Eratosthenes) ایراتوستین سریانی (۲۷۶-۱۸۷ ق.م) که ریاست کتابخانه اسکندریه را بر عهده داشته است. استرابون پدر جغرافیا (قرن اول م)، هیپارکوس جغرافینگار سده دوم ق.م که در رودس در نوشته ها و نقشه جهان که ترسیم نموده، گوئینوس کورتوس روفوس (Curtius Rufus) و کوین توس کورسیوس تاریخ نویس رومی قرن اول میلادی در شرح حال زندگی اسکندر، (Flavius) Arrianus فلاویوس آریانوس تاریخ نگار یونانی سده دوم میلادی در کتاب آنابازیس یا تاریخ سفرهای جنگی اسکندر (Persikon Kaitas) خلیج فارس را بکار برده، نویسنده و مورخ رومی پومپونیوس ملا ۴۳م نویسنده رومی در تمام آثار و نقشه هایش، دیسنارکوس ۲۸۵-۳۲۵ ق.م، سیلاکس کاریانده سیاح یونانی و نماینده ویژه داریوش هخامنسی، هیپارکوس جغرافینگار سده دوم قبل میلاد، پوزیدونیوس جغرافینگار سوری ۱۵-۱۳۵ ق.م در کتاب اوسئانوس، کراتس مالوسی دانشمند سده دوم ق.م، پلیبیوس، آریان ۹۸-۱۷۱ م، عیسوب اوسیوس ۲۶۳-۳۴۰ م که به پدر تاریخ عیسوی معروف است با توجه به کوروش نامه گزنفون تاریخ کهن ایران را شرح و دریای پارس را توصیف نموده است،

آگاتانژ ۳۳۰-۲۲۶ م تاریخ نگار ارمنی، موسی خورن مورخ سده ۵ م در کتاب مارکوارت یا ایرانشهر، واسکودگاما، مارکوپلو، اچ. بی. وگان H.B.Vgan سی. ای. بیدولف C.E. Biddulph. پی تر دو لاوابه ایتالیایی ۱۶۲۱. فریاری اودریک قرن هشتم هجری، وارثمان، ابه رینال، دورات باربوسا سیاح پرتغالی ۱۵۱۸، رالف فیتیچ سیاح انگلیسی ۱۵۷۸، افنری نیکتیکین سیاح روس ۱۴۶۹، ژان بابتیست تاورنیه فرانسوی ۱۶۶۵، شوالیه شاردن ۱۶۷۳، ودن گارسیا دوسیلوا فیگوره اسپانیایی ۱۶۱۷، سرتوماس هربرت انگلیس ۱۶۲۷، وژ. آ. ماندلسلو که ۱۶۳۸ و تونت هلندی ۱۶۶۵، استرویس ۱۶۷۲، دکتر ژ. فریه ۱۶۷۶، لوبرن ۱۸۰۳ استودارت و دکتر گچ انگلیسی ۱۶۲۸، دویره و استاک در قرن نوزدهم سرهنگ ویلسون و سرپرسی ساکس و لردکرزن انگلیسی، دیولافوا فرانسوی، کارستن نیبور ۱۷۶۵. گامب فر ۱۶۹۸ هئیت اوزلی ۱۸۱۰. سر کرینز ۱۸۲۱. لیو الکساندر ۱۸۲۶، بی.توماس B.Thomas، سنت. ایپستن، لسترنج، گ، در جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، فیلیبی H.ST.Philby، آلفونس گابریل ۱۹۲۸ (عبور از صحاری ایران Duerch Persiens Wuesten) استاتلی، اسپیک که همگی در تمام یادداشتهای سفر خود به ایران، خلیج فارس و اقیانوس هند و سیاحان و مورخین زیاد دیگری همگی به اتفاق این گستره آبی را با عبارتهایی که معادل خلیج فارس است مانند :

Pars sea, Persian sea, Golfe Persique, Persian Gulf, Persicon kaitas, Persicus Sinus persicum Aquarum, Parsitsots korfezi, Persidski Zaliv, Persischer golf, Golfo Persico, Perzesch golf

آوارایوم پرسیکو (خلیج فارس و یا دریای پارس) توصیف نموده اند. همچنین در سده های اول میلادی برای نام فعلی اقیانوس هند نام دریای اریاتراس (شاهزاده پارسی فرزند میوز ایوس) و برای سواحل اومان (عمان) دریای پارس و برای دریای سرخ خلیج عرب و برای سواحل فعلی پاکستان دریای مکران نیز بکار رفته است. در این دوره دریانوردان ایرانی تا جنوب موزامبیک فعلی نیز پیش رفتند و سیلاکس سردار اعزامی از سوی داریوش تا دریای سرخ و شرق آفریقا، زنگبار، سفالا، نامپولا و حوالی جنوب موزامبیک دریانوردی کرده است. در تمام دوره پارسی و سپس دوره اشغال یونانی و بعد از آن دوره حاکمیت امپراتوری ساسانی (۲۳۸ قبل از میلاد تا ۶۴۱ بعد از میلاد) بر خلیج فارس همین نام گذاری وجود داشت از دوران حاکمیت تمدن هخامنشی و ساسانی آثار فرهنگی و باستانی زیادی در دو سوی خلیج فارس باقی مانده است شهر بئن اردشیر و شهر هگر یا هجر که امروزه الهفوف نامیده می شود و بنیاد اردشیر که امروزه قطیف نامیده می شود، جزیره میش ماهیگ (بحرین) منامه و شهر سیراف و مهروبان از جمله مراکز است که در دوره پارسی رونق گرفته است در این دوره خلیج فارس و مناطق شهرنشین شبه جزیره عربی بویژه یمن تحت حمایت ایران بود.

دوره سلطه خلفای مسلمان و در عصر مغولان و دوره های بعد نیز همین نامگذاری همچنان رایج بوده است. در کتابی تحت نام "پریپلوس اریاتریا" سیاح یونانی قرن اول میلادی ضمن شرح سفرهای دریایی خود، دریای سرخ را خلیج عرب، اقیانوس هند را دریای اریاتریا، آبهای سواحل اومان (عمان) را دریای پارس و منطقه بارباروس (بین سواحل یمن و عمان) را متعلق به پارسیها می داند و خلیج جنوب ایران را خلیج فارس نامیده و ضمن شرح جغرافیایی این پهنه آبی، آنرا خلیجی طولانی بدون خشکی نامیده که در دو سوی آن پارسیان زندگی می کنند و در انتهای آن شهری است که قانون حاکم است و آنرا آپالگوس می نامند (احتمالاً آبادان، آبادان امروز) یاد کرده است. وی بعد از نیارکوس جزء اولین کسانی است که خلیج فارس را بطور کامل پیموده و مسافت میان مکانهای جغرافیایی این دریا را شرح داده است. در اواخر دوره ایلامیان و مادها، در دوره پارسیهای هخامنشی هزاره اول پیش از میلاد، دوره سلوکیان یونانی، دوره اشکانیان پارتی و ساسانیان پارسی و حتی در دوران سلطه اعراب مسلمان، ناخدایان پارسی تجارت در تمام کرانه های خلیج فارس را در انحصار داشتند. و بدیهی است که نام دریای پارس را برای این منطقه بکار می بردند. به همین ترتیب در سایر دوره های تاریخی چه قبل و چه بعد از میلاد از این آبراه در زبانهای مختلف با نامهایی مترادف با خلیج فارس نام برده شده است. تمامی جغرافی دانان، ادبا، مفسرین، مورخان و شعرا عرب و مسلمان نیز که تعداد آنها بالغ بر ۳۰۰ نفر است همواره در طول تاریخ آنرا خلیج فارس و یا بحر فارس و بعضاً بحر العجم می دانستند.

دوره اسلامی سکونتگاه اعراب که در دوره قبل از میلاد، حجاز، یمن و سواحل دریای سرخ (خلیج عرب) بود با خلیج فارس آشنایی چندانی نداشتند. آشنایی اعراب با خلیج فارس بطور رسمی در دوره امپراتوری اردشیر بابکان ساسانی آغاز شد و لشکرکشی شاپور به بحرین و مناطق مجاور و عزیمت سپاه خسرو انوشیروان به یمن به درخواست سیف ابن ذی یزن حاکم یمن برای سرکوب حبشیان منجر به کثرت مراودات اعراب با سواحل خلیج فارس شد. از این دوره تا سقوط سلسله ساسانی حکام یمن تحت فرمان ایران بودند. در زمان شاهپور دوم عرب ها خوزستان، سواد و شهر ریوارد شیر را مورد چپاول قرار دادند. سپاه ایران اعراب را تار و مار و تا مدینه (یثرب) پیشروی و افراد زیادی از مهاجمان را به قتل رساندند. با ظهور دین اسلام و گسترش سریع آن به فلات ایران بر شدت مهاجرت اعراب به سواحل خلیج فارس افزوده شد و این منطقه تحت سیادت حکومت خلفای اسلامی قرار گرفت. در آیات قرآن مستقیماً از خلیج فارس با ذکر نام یاد نشده اما در چند آیه به این پهنه آبی اشاره شده است و مفسران قدیم و جدید به اتفاق این آیات را منسوب به خلیج فارس می دانند. در دوره پیامبر و جانشینان ایشان اعم از خلفای راشدین و جانشینان آنها بحر فارس با همین نام از شهرت بین المللی بیشتری بر خوردار شد. در منابع شیعه و سنی از قول پیامبر اسلام روایاتی نقل شده که حضرت در آنها از بحر فارس نام برده است. در این خصوص می توان به آیه ۱۹ و ۲۰ سوره الرحمن اشاره نمود این فقیه و شهاب الدین النویری و بسیاری دیگر از مفسران شیعه و سنی منظور از این آیه را دو دریای پارس و روم دانسته اند.

قبل از گسترش اسلام اعراب از خلیج فارس به نام دریای عجم نام می بردند سپس در دوره صدر اسلام علمای دینی عرب آبهای جنوب ایران را بحر فارس می نامیدند و بعضی از آنها این تصور را داشتند که این نام منسوب به قوم صحابی زاهد و دانشمند سلمان فارسی است و بعضاً تصور می کردند که پیامبر اسلام این نام گذاری را به پاس خدمات او انجام داده است به همین دلیل در حراست از این نام جدیت داشتند درحالیکه در این دوره در خود ایران مردم عوام بیشتر اوقات این دریا را در مقابل دریای شمال (خرز) دریای جنوب می نامیدند و نام دریای جم و پارس را که قبل از اسلام رایج بود کمتر به کار می بردند. برای اولین بار بجای بحر فارس کلمه خلیج فارس توسط مطهر بن طاهر مقدسی در کتاب البدء و التاریخ که در سال ۳۵۵ تألیف شده

است بکار رفته است از این زمان به بعد عبارت خلیج فارس و بحر فارس و بحر عجم بطور متناوب بکار رفته است.

بجز دوره بنی امیه در سایر دوره های خلافت اسلامی، ایرانیان نه تنها در راس مدیریت شهرهای ایران بودند بلکه دستگاه خلافت نیز (بویژه دوره عباسیان و فاطمیان) با مدیران ایرانی هدایت و اداره می شد. در سال ۷۵۰ م خلافت بنی امیه به مرکزیت دمشق که عنصر نژاد پرستی را سرلوحه خود قرار داده بودند توسط ایرانیان سرنگون و خلافت به عباسیان در بغداد واگذار شد. از سال ۹۴۵ تا ۱۰۵۵ م آل بویه بطور مستقل بر ایران و سراسر خلیج فارس حاکم گردید و از سال ۱۰۵۵ سلجوقیان از اقوام شرق ایران قلمرو آل بویه را در اختیار گرفتند. از صدر اسلام تا غلبه مغول در بیشتر از ۳۰ کتاب جغرافیایی، تاریخی، ادبی، تفسیر و اخلاق و فقهی علمای مسلمان توصیف خلیج فارس وجود دارد. از جمله آنها میتوان به مختصر کتاب البلدان و تاریخ احمد ابن واضح اصبهانی یعقوبی، محمد ابن عمر واقدی متوفی ۲۰۷ مولف کتابهای المغازی، فتوح الشام، فتح العجم و فتح مصر، واقدی متوفی ۲۳۰ در الطبقات الکبری، سعید تمیمی مقدسی در کتاب حبیب العروس و ریحان النفوس، ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری در اخبار الطوال متوفی ۲۹۰، طبری محمد جریر در تاریخ الرسل و الملوک متوفی ۳۱۰، بلعمی در تاریخ بلعمی تصحیح پروین گنابادی، ابوزید احمد ابن سهل بلخی متوفی ۳۲۲، حمزه اصفهانی، ابن اثیر در الکامل، ترجمه شهاب الدین نجفی مکتبه الاسلامیه ۱۳۳۷. ابن خردادبه خراسانی ۲۱۱-۳۰۰ ق، ابن فقیه همدانی ۲۷۹ ق، استخری ۳۴۰ ق، مسعودی در مروج الذهب، ابن مطهر مقدسی ۳۵۵ ق، بیرونی ۴۴۰ ق، ابن حوقل ۳۶۷ ق، مقدسی ۳۷۵ ق، ابوعبد الله محمود قرظینی، ۶۸۲ ق شرف الزمان طاهر مروزی ۵۱۴ ق، ناصر خسرو ۴۴۸ وفات، خیام، سعدی، فردوسی، حافظ، شمس الدین دمشقی ۷۲۷ ق، مستوفی قرظینی ۷۴۰ ق، قدامه بن جعفر ۲۶۶ ق، ابن یعقوب ۳۳۴-۳۳۲ ق، ابن فقیه ۲۹۰ ق، ابن رسته ۲۹۰ ق، سهراب سده سوم قمری، شهریار رامهرمزی ۳۴۲ ق، ابن بلخی ۵۰۰ ق، ابن ادریس ۵۴۸ ق، بکران خراسانی ۶۰۵، یاقوت حموی ۶۲۳ ق، قرظینی ۶۷۴ ق، ابوالفداء ۷۲۱ ق، النوبری ۷۳۳ ق و عظامک جوینی در عهد مغولان، حاجی خلیفه (چلبی) مورخ ترک ۱۰۶۷ ق، محمد ابراهیم کازرونی، عبد ارزاق سفیر میرزا شاهرخ، رضا قلی خان هدایت اعتماد السلطنه، شیخ علی حزین سیاح دوره زندیه، ابراهیم نادری سیاح دوره محمد شاه قاجار، لسان الملک و جرجی زیدان همگی در کتب و نوشته های خود نام خلیج فارس بکار برده اند. و دایره المعارف اسلامی نیز همین نام را برسمیت شناخته است و بسیاری دیگر که همگی در باره خلیج فارس توضیحات مفصلي دارند.....

حتی در دوره استیلاي مغولان نیز اداره امور در دست امیران ایرانی بود و آنها پرچم ایران را به عنوان سمبل خود پذیرفتند. در این دوره نیز اگرچه نام بسیاری از مکانهای جغرافیایی تغییر کرد ولی نام خلیج فارس همچنان بدون تغییر باقی ماند که محمد ابن قرظینی ۶۷۴ ق شمس الدین الانصاری دمشقی الصوفی ۷۲۷ ق النوبری حمدالله مستوفی زیدالدین عمر مظفر ابن الوردي ۷۴۹ ق عبد الله کاتب چلبی قسطنطنی ۱۰۶۷ ق از جمله نویسندگانی هستند که در این دوره در وصف خلیج فارس مطلب نوشته اند بطور نمونه از کتاب عربی

البدء والتاریخ مطهر بن ظاهر مقدسی الجزء الرابع (۳۲ من ۵۷) مطلب ذیل عیناً نقل می گردد:

البحار المعروفة العظام خمسة: احدها بحر الهند وفارس والصين والثاني بحر الروم وافريقية والثالث بحر اوقیانوس وهو بحر المغرب والرابع بحر بنطس والخامس بحر جرجان وفي رسالة ارسطاطاليس الى الاسكندر التي تسمى بيت الذهب ان بحر اوقیانوس بحر محيط بالارض كالكليل وينفجر منه خلجان وقد وصفوا طول هذه البحار وعرضها وجزائرها وسواحلها وما يخرج منها من الارجل والخلجان ويسمون بحر فارس الخلیج الفارسي وطوله مائة وخمسين فرسخا وعرضه مائة وخمسون فرسخا واما الانهار التي تنصب في بحر فارس فهي دجلة تخرج من جبال فوق ارمينية ۰۰۰۰ ومخرج الخابور من راس العين ويستمد من الهرماس وينصب في الفرات اسفل قرقيسيا وتجمع هذه الانهار كلها في دجلة ويمر دجلة بالابلة الى عبادان فينصب في الخلیج الفارسي ومخرج نهر الاهواز ونهر جندی سابور من جبال اصبهان ويجتمعان في دجيل الاهواز ثم يفيض في بحر فارس واما الانهار التي تفيض في بحر جرجان فنهر کر ينبعث من بلاد الان ونهر تفلیس وبرذعة وسبيذ رود يمر ببلاد اذربيجان ويدخل بلاد الديلم ثم يقع في بحر جرجان وكذلك شاه رود يخرج من طالقان الري فيفيض في بحر جرجان وهذه انهار صغار واما النيل ۰۰۰۰

خلاصه ترجمه: دریاهاي بزرگ معروف چها دسته اند دریاي هند و فارس و چین دوم دریاي روم و افریقا سوم دریاي اقیانوس که دریاي مغرب است چهارم دریاي بنطس و پنجم دریاي گرگان(خزر) ۰۰۰ بحر فارس را خلیج فارس می گویند طول آن ۱۵۰ فرسخ (يك فرسنگ ۶ کیلومتر است) و عرض آن نیز ۱۵۰ فرسنگ است. رود دجله که از ارمنستان سرچشمه می گیرد به خلیج فارس می ریزد رود جندی شاپور و رود اهواز از اصفهان می آید در دجيل اهواز به هم می پیوندند(اروند رود) و به خلیج فارس می ریزند. همچنین بطور نمونه مطلب ذیل عیناً از مقدمه کتاب ادریسی نقل می شود:

کتاب نزهة المشتاق (جغرافیا العالم) أحد الكتب المشهورة في الجغرافيا التي ألفها الإدریسی أحد العلماء العرب في القرن السادس الهجري / الثاني عشر الميلادي،

وقد ذكر المؤلف سبب تأليفه لهذا الكتاب في مقدمة كتابه حيث يقول: "فمن بعض معارف الملك روجار الرومي السنية ونزعاته الشريفة العلوية أنه لما اتسعت أعمال مملكته وتزايدت همم أهل دولته وأطاعته البلاد الرومية ودخل أهلها تحت طاعته وسلطانه أحب أن يعرف كيفيات بلاده حقيقة ويقلتها يقينا وخبرة ويعلم حدودها ومسالكها برا وبحرا وفي أي إقليم هي وما يخصها من البحار والخلجان الكائنة بها مع معرفة غيرها من البلاد والأقطار في الأقاليم السبعة التي اتفق عليها المتكلمون وأثبتها في الدفاتر الناقلون والمؤلفون وما في الكتب المؤلفة في هذا الفن من علم ذلك كله مثل كتاب العجائب للعالم المسعودي، وكتاب أبي نصر سعيد الجيهاني، وكتاب أبي القاسم عبيد الله بن خردادبه، وكتاب أحمد بن عمر العذري، وكتاب أبي القاسم محمد الحوли البغدادي، وكتاب خانخ بن خاقان الكيمائي، وكتاب موسى بن قاسم وكتاب أحمد بن يعقوب المعروف باليعقوبي، وكتاب إسحاق بن الحسن المنجم، وكتاب قدامة البصري، وكتاب بطليموس الأفلودي، وكتاب أرسطوس الأنطاكي. فلم يجد فيها مشروحا مستوعبا مفصلا بل وجده مغفلا فأحضر لديه العارفين بهذا الشأن فباحثهم عليه وأخذ معهم فيه فلم يجد عندهم علما أكثر مما في الكتب المذكورة فلما رأهم على مثل هذه الحال بعث إلى سائر بلاده فأحضر العارفين بها ٠٠٠٠٠

يبدأ الإدريسي كتابه بالحديث عن صورته الأرض ثم الأقاليم السبعة التي تتكون منها الكرة الأرضية فكان الكتاب كما يلي:

أولا: ذكر هيئة الأرض ويذكر فيه أن الأرض مدورة كتدوير الكرة والماء لاصق بها والأرض مقسومة بقسمين بينهما خط الاستواء والأرض في ذاتها مستديرة لكنها غير صادقة الاستدارة ثم تكلم بعد هذا عن البحار السبعة، وهو يشير إلى أن هذه البحار السبعة ستة منها متصلة وبحر واحد منفصل لا يتصل بشيء من البحور المذكورة ثم يبدأ في عد هذه البحار فذكر البحر الممتد من الصين والهند والسند واليمن بحر الصين والبحر الهندي ويتشعب من هذا البحر الخليج الأخضر وهو بحر فارس، كما ينتشعب منه خليج القلزم والبحر الشامي حيث مخرجه من البحر المظلم الذي في جهة المغرب ويسمى هناك بحر الزقاق لأن سعته هناك تكون (١٨) ميلا ويخرج من هذا البحر الشامي خليجان أحدهما خليج البنادقيين (جنوب إيطاليا) والثاني بحر نيطس، وأما بحر جرجان فهو بحر منقطع لا يتصل بشيء من البحار المذكورة.

ثانيا: الأقاليم السبعة ويقسم فيه الأرض سبعة أقاليم وكل إقليم يضم عشرة أجزاء كما يلي:

ترجمه: ادريسي بدستور پادشاه رومي راجر پس ار مطالعه در كتب جغرافيانويسان قبلي كه آنها را نام برده است بسبك بهتري از آنها كابتات و هستي كه هفت دريا و هفت سرزمين جهان و هفت آسمان پنداشنه مي شد را شرح داده است كه يكي از آن هفت درياي جهان بحر فارس و يكي از هفت اقليم سرزمين فارس است كه وي آنها را شرح داده و حدود جغرافيايي آنها را مشخص کرده است.

دوره استيلاي پرتغاليها بر خليج فارس ١٥٠٨-١٦٢٢ سال ١٤٩٨ كه واسكادوگاما از پرتغال و از طريق سواحل آفريقا به هند رسيد سال مهمي در تاريخ جهانگريدي، جغرافيا و كشف سرزمين براي استعمار گران است گزارش سفر او نه تنها پادشاه و كليسا را براي اهداف ديني هيچان زده كرد بلكه تجار و سوداگران را نيز روانه سواحل آفريقا و درياي پارس نمود. سال ١٥٠٧ ناوگان پرتغال به رهبري آفونسو بوكيرك هرمز را به تصرف در آورد و تا سال ١٦٢٠ كه قواي ايراني پرتغاليها را از خليج فارس بيرون كردند قدرت بلامنازع خليج بودند. آقاي دكتور ژوزه مانوئل گارسيا استاد و عضو جامعه جغرافيايي پرتغال در سمينار ١٣٨١/١١/٢٨ در دفتر مطالعات سياسي و بين المللي وزارت خارجه مقاله اي ارايه نموده است تحت عنوان " نام خليج فارس در منابع پرتغالي" وي در اين پژوهش خاطر نشان ساخته است كه ترسيم اولين نقشه ها به سبك جديد به سال ١٥٠١ بر ميگردد و از آن زمان تا كنون همواره نام خليج فارس در نقشه ها و اسناد رسمي و غير رسمي پرتغال با همين معني آمده است. در سال ١٤٨٩ پيرو دي كوويلها Pero de Covilha اولين پرتغالي بود كه پا به جزيره ايراني هرمز گذاشت. در سال ١٥٠١ در دوره امپراتوري صفويه اولين پرتغاليها وارد خليج فارس شدند و نقشه هايي از خليج فارس تهيه كردند. در سال ١٥٠٧ در دوره جوان دوم پادشاه پرتغال، شاه هرمز بنام سيف الدين قرارداد وفاداري نسبت به پادشاه پرتغال امضا كردند. در سال ١٥١٠ اولين سفير پرتغال بنام فري ژوان (جوان) به حضور شاه اسماعيل رسيد. در سال ١٥١٥ جنرال آلبوكرك نظر موافق شاه عباس را براي حاكميت بر هرمز جلب كرد و در قرارداد "ميناب ١٥٢٣" آنرا رسميت داد و در عوض مقرر گرديد پرتغال در بازپس گيري بحرين (بهرام) و قطيف (قطيف به معني چادر اسم قبلي آن)، ايران را ياري نمايد. از اين زمان به مدت يكصد سال در پرتغال براي پادشاه لقب " امپراتور پرتغال، آفريقا و پارس بكار مي بردند. در دوره پرتغاليها ارزشمند ترين و كامل ترين نقشه ها راجع به خليج فارس تهيه شده كه بسياري از آنها در موزه ها به عنوان ميراث بشريت نگهداري مي شود در ٥٠ نقشه و نامه از سال ١٥٠٠ تا ١٧٠٠ كه ميان حاكمان مقيم خليج فارس با پادشاه پرتغال و اسپانيا و يا در كتب جهانگردان صورت گرفته خليج فارس با نامهاي ذيل ثبت شده است:

Mare de Persia -Sinus Persici- Mare Persio-Sinus Persico- Mare Persio- Mar Persiano-Sinus Persico Mare Persio-Persiski Zaliv Persischer Golf-Sino Persico -Pars .sea- Bahre Fars- Perza Obol- Porucha Wan-Parsitsots- Persiste Habbugt

بدنبال کارشکنی ها و ستم پرتغالیها، ارتش ایران توانست با پشتیبانی بومیان و حمایت کشتی های انگلیسی، پرتغالیها را در سال ۱۶۲۲ از تمام منطقه خلیج فارس و عمان بیرون رانده و حاکمیت ایران مجدداً بر سواحل خلیج فارس برقرار گردید. در نبردی که میان سپاه ایرانی به رهبری امام قلی خان با پرتغالیها به مدت یکماه ادامه داشت هزار ایرانی کشته شدند و غنایم زیادی بدست ایرانیان افتاد و پس از ۱۱۷ سال پرچم پرتغال از سواحل خلیج فارس برچیده شد و با این شکست پادشاه پرتغال که خود را امپراتور آفریقا، پارس و عربیبا لقب داده بود راه سقوط و اضمحلال را شروع نمود ایران همچنین با کمک عمانیها و مکرانیها (بلوچها و سیستانیها) ، پرتغالیها را تا موزامبیک عقب راند و شهرهای ممباسا کیلوا، تنگه، مالیندی و زنگبار را که بومیان ایرانی و عرب داشتند آزاد ساختند. علت اصلی قیام ایرانیان علیه پرتغالیها تلاش و اجبار آنها برای تحمیل مذهب کاتولیک به مسلمانان بود.

خلیج فارس در اسناد تاریخی و بین المللی :

خلیج فارس در نقشه های تاریخی قدیمی ترین لوحه های و نقشه های ترسیمی کشف شده به مصریها و بابلها منصوب شده اند نقشه ای از بابلیون حک شده بر آجر پیدا شده که در موزه بریتانیا به شماره ۹۲۶۸۷/۱۵۳ نگهداری می شود و متعلق به ۴۰۰۰ سال قبل و به دوره سارگون پادشاه اکد ۲۳۰۰ ق.م است که در آن خلیج فارس بدون اسم ترسیم شده است. یونانیها و رومیها و فنیقیها این حرفه را توسعه داده اند و بویژه بطلمیوس ۱۶۸ م و استرابون ۶۴ ق.م در این حرفه کوشا بوده اند. در دوره عباسیان که دانشمندان و مدیران ایرانی بر امور خلافت تسلط داشتند و وجوب جهت یابی قبله برای مسلمانان بویژه کشورهای دور دست ضرورت اهمیت کارتوگرافی را ایجاب می کرد. بدستور مامون ۸۳۳-۸۱۴ م ترجمه آثار یونانی شروع شد و نقشه ای از جهان تهیه گردید خوارزمی ۸۲۱ ، استخری ۹۲۵ ، ابن حوقل ۹۷۷ ق، ادریسی حمودی ۱۱۶۵ ق (۸۲ نقشه در کتاب نزه المشتاق) نقشه هایی از دیار عرب ، بلاد فارس بحر فارس و روم و شام ترسیم کردند که پایه و اساس نقشه های قرون بعدی توسط اروپائیان گردید.

در تمام این نقشه ها خلیج فارس نام خود را تحت عنوان بحر فارس حفظ کرده است. هم اکنون صدها نقشه دستی با ارزش در موزه های جهان نگهداری می شود که نام خلیج فارس و بحر فارس را به همراه دارند که تعدادی از آنها نیز در موزه های کشورهای عربی است. به یقین می توان گفت هیچ نام جغرافیایی در جهان به اندازه نام خلیج فارس در کتب جغرافی و کارتوگرافی قدمت، اصالت ندارد و از نظر حضور در نقشه های کلاسیک و مدرن رکورد دار نامهای جغرافیایی بوده است. تا کنون در رابطه با نقشه های تاریخی خلیج فارس چند اطلس بسیار ارزشمند به چاپ رسیده است که آنها را می توان در دو گروه تقسیم کرد.

الف. اطلس نقشه های برگرفته از منابع لاتین که عبارتند از:

۱- اطلس " نقشه های جغرافیایی خلیج فارس از ماقبل تاریخ تا زمان معاصر " (موسسه صاحب ۱۹۷۱) در این اطلس مجموعه ای شامل ۳۷۳ نقشه، لوحه و سنگ نوشته از منابع و اطلسهای مختلف و متنوع موجود در موزه ها و کتابخانه های کشورهای عربی و کشورهای اروپائی به چاپ رسیده است که همگی به زبانهای مختلف کلمه های مترادف با دریای پارس و خلیج فارس بکار برده اند.

۲- در سال ۱۹۹۵ بانک العربی بحرین اطلسی را بصورت تقویم دیواری در ابعاد ۳۳+۵۰ تحت عنوان بحرین و خلیج در نقشه های تاریخی منتشر نموده که در آن ۱۲ نقشه از منابع اروپایی و همچنین نقشه معروف العالم ادریسی به چاپ رسیده است که همگی نام خلیج فارس را در بر دارند.

۳- اطلس " نقشه های تاریخی خلیج " این اطلس در دو جلد چاپ شده که مجموعاً حدود ۵۰۰ نقشه با نام خلیج فارس دارند .



یکی دیگر از نقشه های قدیمی که در آن نام خلیج فارس مشهود است

اطلس "نقشه های تاریخی خلیج" سالهای ۱۴۹۳-۱۹۳۱ که دارای ۲۷۶ نقشه از منابع اروپایی در مورد خلیج فارس است و توسط سلطان بن محمد القاسمی در سال ۱۹۹۶ در لندن منتشر شده است.

۴- جلد دوم اطلس "نقشه های تاریخی خلیج" ۱۴۷۸-۱۸۶۱ که دارای ۳۰۱ نقشه از منابع لاتین در مورد خلیج فارس است، این اطلس در واقع همان اطلس قبلی است با مقداری حذف و اضافات تقریباً ۸۰٪ نقشه های این دو اطلس مشترک هستند که در سال ۱۹۹۹ در لندن تجدیدچاپ و منتشر شده است.

سلطان بن محمد القاسمی از مقامات شارجه در تلاش برای اثبات ادعای هویت عربی برای خلیج فارس اقدام به تهیه و خرید نقشه های تاریخی متعلق به سالهای ۱۴۷۸ تا ۱۹۳۱ نموده که بنظر می رسد انگیزه اولیه گرد آورنده اثبات هویت عربی برای جزایر سه گانه خلیج فارس بوده است ولی در کلکسیون نقشه های گرد آوری شده ایشان که بیشتر از ۳۵۰ نقشه می باشد در همگی خلیج فارس با همین نام ثبت شده و در مورد جزایر نیز اسناد هویت ایرانی را تایید می کند (به استثنای سه نقشه که یکی از آنها رابه عنوان طرح روی جلد کتاب اطلس خود تحت نام "خلیج در نقشه های تاریخی" منتشر ساخته است. در چاپ جلد اول که در سال ۱۹۹۶ در لندن صورت گرفته نقشه روی جلد کتاب مربوط به سال ۱۶۷۹ منطقه کشور پارس نام دارد که توسط Giacoma de Rossi. Rome ترسیم شده است و جزایر تمب بطور واضح به رنگ ایران ترسیم شده است به همین دلیل تهیه کننده اماراتی این اطلس تاریخی در چاپ جلد دوم در سال ۱۹۹۹ نقشه مذکور را از جلد کتاب حذف نموده است.

اطلس نقشه های تاریخی خلیج جلد اول از ۱۴۷۸ تا ۱۸۶۱ و جلد دوم نسخه بازبینی شده جلد اول است که تعدادی نقشه به آن اضافه شده و از ۱۴۹۳ تا ۱۹۳۱ را در بر می گیرد که البته تعدادی از نقشه های این دو جلد تکراری است ولی تعدادی از آنها نیز منحصر به فرد بوده و در کتاب دیگری چاپ نشده است. در مورد جلد اول گفتنی است که اولین نقشه متعلق به ۱۴۷۸ توسط بوکینگ در رم بصورت نقشه رنگی و بر روی کوپر و بر اساس نقشه بطلموس ترسیم شده است در این نقشه خلیج فارس با نام سینوس پرسیکوس به شکل مستطیل و بزرگتر از اندازه طبیعی آن است ولی نامهای جغرافیایی زیادی را بر اساس متون یونان قدیم در بر دارد. در نقشه سال ۱۴۹۳ نیز بر اساس اطلاعات یونان قدیم ترسیم شده است خلیج با نام مر پرسیک و به شکل مربع ترسیم شده که اندازه آن کوچکتر از اندازه واقعی خلیج فارس است.

نقشه ۱۵۱۱ که در ونیز بر روی چوب و رنگی توسط برناردوس سیلوانوس ترسیم شده است مشابه نقشه ۱۴۷۸ بوکینگ است و بر اساس نقشه بطلموس ترسیم شده است در این نقشه نیز خلیج فارس با نام سینوس پرسیکوس به شکل مستطیل و بزرگتر از اندازه طبیعی آن است. نقشه ۱۵۱۳ این نقشه نیز مشابه نقشه ۱۴۷۸ بوکینگ است و بر اساس نقشه بطلموس ترسیم شده است در این نقشه نیز خلیج فارس با نام سینوس پرسیکوس به شکل مستطیل و بزرگتر از اندازه طبیعی آن است در هر سه نقشه جزایر جنوبی که متعلق به پارسیان بوده است به شکل دقیقی در جنوب شرقی یمن ترسیم شده است. از نقشه سال ۱۴۷۸ تا نقشه سال ۱۵۴۸ تحولی در دقت فاصله های جغرافیایی بوجود نیامده است در این سال جیاکومو گاستالدی ونیزی برای اولین بار نقشه پرشیا را به شکل دقیق تری ترسیم و از دریای شمال ایران، مر باکو (دریای خزر) و دریای جنوب ایران، با

نام مر پرسپو را به شکل واقعي تري ترسیم نموده است وي مجدداً در سال ۱۵۶۱ و ۱۵۷۰ خليج فارس را با نام گلفو پرسپيا و درياي عمان را با نام گلفو اورموز بطور دقيق تري نيز ترسیم کرده است در حالیکه تا سال ۱۶۷۹ ساير نقشه ها قبل و حتي بعد از اين تاريخ نيز همچنان بر پایه اطلاعات قديمي موقعيت و مساحت خليج فارس را با نام سينوس پرسپکوس و گلفو پرسپيا را همچنان غير دقيق ترسیم کرده اند.

در اين سال جياکومو دي رسي در رم نقشه رنگي دقيقي ترسیم و حتي جزاير سه گانه تمب و ابوموسي را به رنگ خاک ايران ترسیم کرده است اما همچنان اندازه ها در نقشه ها تا واقعي فاصله زيادي دارد مثلاً بحرين با نام بهرام در همه اين نقشه ها بصورتي غير واقعي و گاهي بجاي قطر ترسیم شده است. اطلاعات موجود در نقشه هاي جهان نما حتي در اين دوره نيز همچنان فراتر از ۷ دريا و ۷ کشور نرفته و به سبک قديم و سبک جغرافيانويسان مسلمان، چين در غرب، اروس در شمال فرانکه در اروپا و افريقه در جنوب لبه هاي پاياني دنيا تصور مي شود. حتي در نقشه جهان نماي سال ۱۷۴۰ و تريس اربيس استرابن جهان همچنان تنها به سه قاره محدود شده است. و در تمامي اين نقشه ها خليج فارس در مرکزيت جهان قرار دارد. در نقشه جهان نماي سال ۱۵۱۵ Johannes Stabius Durer جو هانز دویر تا حدودي نقشه ها به واقعييت هاي جغرافيايي نزديک شده ولي قاره آمريکا و اقيانوسيه همچنان حلقه مفقوده جهان است. در سال ۱۵۵۱ جرارد مرکاتور بر روي کره نقشه جهان را ترسیم نموده است که البته نقص قبلي را دارد.

در سال ۱۶۶۰ Philipp Eckebrecht فليپ ايکبرخت نقشه جهان نمايي ترسیم کرده است که قاره آسيا، اروپا، افريقا و آمريکا را در بر مي گيرد ولي فاقد سرزمين هاي استراليا و اقيانوسيه است، نقشه اي متعلق به حدود ۱۷۵۳ از نيکلاس دي فر (۱۶۹۴-۱۷۵۴) بصورت رنگي و به شکل کره اي باقي مانده است در اين نقشه جهان تقريباً به شکل امروزي ترسیم شده است. در سال ۱۷۴۸ Bertrand Rene Pallu در نقشه خود جغرافيايي خليج فارس را تا حدودي درست ترسیم کرده است. در سال ۱۷۵۸ توماس جفریز نقشه جهان نمايي ترسیم کرده است که به واقعيتهاي امروز جهان نزديک است. و بلاخره در سال ۱۷۷۴ سامويل دون کامل ترين نقشه کروي تا آن روز را از جهان ارايه نموده است.

در سال ۱۷۷۲ کارستن نيبور نقشه اي ترسیم کرده است که در آن براي اولين بار بجاي نام درياي هرمز از بحر عمان نام برده شده در حالي که قبل از اين تاريخ در نقشه هاي لاتين چيزي بنام درياي عمان وجود ندارد. در اين نقشه اندازه هاي جغرافيايي بنادر و جزاير به واقعييت نزديک تر شده اند و جزاير سه گانه نيز در موقعيت دقيق تر به رنگ ايران ترسیم شده اند علت دقيق بودن اين نقشه آن است که نيبور چند سال در خليج فارس به پژوهش مشغول بوده و نقشه وي مستقل از اطلاعات قبلي و متکي بر مشاهدات وي بوده است علي رغم دقيق بودن نقشه نيبور تا سال ۱۸۳۵ بسياري از نقشه هاي ترسیم شده از سوي آلمانها، انگليسي ها، فرانسوي ها و حتي هلندي ها از دقت برخوردار نيست تا اينکه در اين سال نقشه اي بر اساس اطلاعات نيبور ترسیم و توسط جوستوس پرتس منتشر مي شود. و بلاخره در سال ۱۸۶۰ دو نقشه با نام پرشن گلف وست و ايسن توسط موسسه هيدروگرافي (آبنگاري) در لندن منتشر شده است که با واقعيات و اندازه هاي جغرافيايي امروزي خليج فارس منطبق است اين دو نقشه در صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱ کتاب اطلس تاريخي خليج چاپ شده است.

علاوه بر اين ۴ اطلس که ويژه خليج فارس هستند اطلسهاي ديگري نيز هستند که تعدادي از نقشه هاي تاريخي خليج فارس را دارند و در آرشيو وزارت خارجه موجود هستند.

مانند ۱- اطلس کويت ۲- ريشه هاي کويت ۳- اطلس جغرافيا و جهان نما چاپ چين ۱۹۰۱ .

اطلس جغرافيايي، فيزيکي، سياسي و تاريخي- پاریس ۱۸۶۳

اطلس جغرافيايي، فيزيکي، سياسي و اقتصادي- پاریس ۱۸۷۴

اطلس دستي آلمان ۱۸۹۹ Andrees Allgemeiner Hand Atlas

اطلس دستي مربوط به کل جهان. آلمان ۱۸۷۳ A.Graf's Hand Atlas

اطلس دستي آلمان ۱۹۲۱ Andrees Allgemeiner Hand Atlas I

اطلس دستي آلمان ۱۹۲۱ Andrees Allgemeiner Hand Atlas II

اطلس دستي آلمان ۱۹۲۲ Andrees Allgemeiner Hand Atlas

اطلس آلمان ۱۹۰۰ Hand Atlas Neuer

اطلس جهان نما - لیسبون. 1934 Novo Atlas Escolar Portugues-

اطلس دستي پرتغال 1906 Stielers .

اطلس کارتوگرافي تاريخي پرتغال در ۶ جلد - لیسبون ۱۹۸۷

اطلس دستي رويال - لندن. ۱۸۷۳

اطلس جهان نماي روسي - مسکو ۱۹۶۷ world Atlas

بر اساس نقشه های این اطلس ها که در همگی خلیج فارس یا مترادفهای لاتین آن بکار رفته است می توان گفت که دقت در اندازه ها و مقیاسهای طبیعی در کارتوگرافی بویژه برای خلیج فارس از دوره بطلمیوس تا قرن ۱۷ م هیچ تغییر قابل توجهی نکرده است. نقشه گاستالدي ونیزی در سال ۱۵۴۸ چند نقشه پرتغالی در سالهای ۱۵۶۰ و ، نیکلاس سنسون فرانسوی در ۱۶۵۴ ، نقشه يك آلمانی در سال ۱۵۹۶ و چند نقشه انگلیسی در سال ۱۸۰۷ هر کدام در نقشه های ترسیمی خود اسامی را به نقشه های قبلی اضافه کرده اند ولی علی رغم اینکه بعضی اسامی جغرافیایی در منطقه خلیج به آنها اضافه شده است اما همچنان شیوه کلاسیک و بطلمیوسی و یا اطلاعات برگرفته از کتب مقدس و کتب کلاسیک بر همه آنها حاکم است می توان گفت سال ۱۷۷۲ عصر نوین در کارتوگرافی سینوس پرسیکوس است در این سال کارستون نیبور هلندی که چند سال در سواحل خلیج فارس به پژوهش علمی مشغول بود نقشه ۱۷۷۲ سینوس پرسیکوس را ترسیم کرده در این نقشه حتی جزایر کوچک تنب و ابوموسی در قلمرو ایران بدقت ترسیم شده است اگر چه تا سال ۱۸۶۲ که نقشه های دقیق و مستند انگلیسی ها منتشر شد نیز همچنان بسیاری از نقشه ها همان اطلاعات غیردقیق سنتی را داشتند اما می توان گفت این نقشه به دوره نقشه های کلاسیک و سنتی گلف پرس یا سینوس پرسیکوس پایان داده است. تنها در اطلس قاسمی تعداد ۲۰۱ نقشه کلاسیک از ۱۴۸۷ تا ۱۷۷۲ که آن را دوره نوین می نامیم بنام خلیج فارس وجود دارد تعداد کل نقشه های سنتی که خلیج فارس را ثبت کرده اند بالغ بر ۶۰۰ نقشه است. از سال ۱۷۷۲ تا ۱۹۵۷ نیز صدها نقشه علمی در سراسر جهان منتشر شده است که تمامی آنهايي که به منطقه خلیج فارس مربوط می شود نام اصیل و تاریخی خلیج فارس و یا معادلهاي آن را در بر دارند در سال ۱۹۷۵ و بعد از جنگ نفت ایران و بریتانیا توطیه تغییر نام خلیج فارس شروع شده است.

ب. اطلس های برگرفته از منابع اسلامی:

می دانیم که به دلیل واجب بودن جهت یابی دقیق قبله در مساجد و برای نماز علم جغرافیا از سده دوم هجری اهمیت زیادی برای مسلمانان پیدا کرد و از این زمان شخصیت های جغرافیایی مانند مقدسی ۸۸۵ م. بلخی ۹۳۴ م. مسعودی ۹۵۸ م، ادیسی متوفی ۱۱۶۵ م جبهانی، ابوزید و استخري ظهور کردند و نقشه های آنها برای سیاحان پرتغالی، فرانسوی، هلندی و روسی تا قرن ۱۷ منبع الهام بود.

این نگارنده شخصاً برای بررسی نقشه های تاریخی خلیج فارس به زبان عربی در کتابخانه و دارالوثائق قاهره حدود ۱۰ نقشه دیواری و چند اطلس را مورد مطالعه قرار دادم از جمله :

اطلس عراق در نقشه های قدیمی در این اطلس که تالیف احمد سوسه پدر کارتوگرافی در عراق است بر اساس منابع یونانی و اسلامی ۳۹ نقشه به زبان عربی ترسیم شده است .

در این نقشه ها از جمله در نقشه دوره آشوریان به شماره ۶ ، نقشه هیکتوس متوفی ۴۷۵ ق.م به شماره ۷ که در امپراتوری پارس و مصر سفر نموده است، نقشه ایراتوستین یونانی به شماره ۹ ، نقشه بطلمیوس به شماره ۱۰ ، در همگی خلیج فارس (ترجمه سینوس پرسیک) بکار رفته و اما در نقشه فتوحات قرن اول هجری به شماره ۱۱ ، نقشه بلخی ۹۳۴ م به شماره ۱۲ ، نقشه دیار عرب استخري ۹۵۱ م به شماره ۱۶ و نقشه عراق از استخري به شماره ۱۸ ، نقشه جهان نمایی ابن حوقل ۹۷۷ م به شماره ۱۹ ، نقشه عراق از ابن حوقل به شماره ۲۲ ، نقشه جهان از جبهانی ۹۷۷ م به شماره ۲۶ ، نقشه جهان نمایی ادیسی ۱۰۹۹-۱۱۶۴ م به شماره ۲۹ ، نقشه جهان نمایی قزوینی ۱۲۰۳-۱۲۸۳ به شماره ۳۱ ، نقشه ابن الوردی ۱۳۴۸ م به شماره ۳۶ نقشه شماره ۳۸ از جغرافیایان مجهول و نقشه شماره ۳۹ بنام مواضع التاریخیه در همگی کلمه بحر فارس (دریای پارس) بکار رفته است.

- اطلس ضمیمه کتاب الخلیج الفارسی (در طول تاریخ) چاپ دوم که در آن ۵۱ نقشه به زبان عربی که همگی از کتب عربی برگرفته شده و متعلق به دوره های مختلف تاریخی هستند مربوط به خلیج فارس است که در ۲۴ نقشه آن خلیج فارس و در ۲۵ نقشه بحر فارس و در دو نقشه آن بحر العجم بکار رفته است در این کتاب فصل اول به گزیده ای از توصیفهای مختصات جغرافیایی و طبیعی خلیج فارس از کتب جغرافیایی مسلمانان از قرن سوم تا قرن دهم اختصاص دارد و در آن متونی را از کتب ۲۶ نفر از سیاحان و مورخین مشهور مسلمان در خصوص توصیف بحر فارس را با ذکر منابع و ماخذ آورده است. فصل دوم به برگزیده ای از نویسندگان قرون اخیر اختصاص دارد که در آن متونی را از کتب ۱۸ نفر از سیاحان و مورخین مشهور عرب در خصوص توصیف بحر فارس را با ذکر منابع و ماخذ آورده است .

فصل سوم به برگزیده ای از نویسندگان و مستشرقین غربی قرون اخیر اختصاص دارد که در آن متونی را از کتب ۸ نفر از سیاحان و مورخین مشهور غرب در خصوص توصیف بحر فارس را با ذکر منابع و ماخذ آورده است. بخش دوم شامل نقشه های خلیج فارس است که فصل اول آن به خلیج فارس در نقشه جهان و آسیا اختصاص دارد و شامل ۱۷ نقشه است فصل دوم خلیج فارس در نقشه های کشورهای عربی است که ۲۳ نقشه دارد فصل سوم به نقشه خلیج در جغرافیای ایران نام دارد که در آن ۲۰ نقشه از کتب عربی ویژه جغرافیایی ایران برگرفته شده است.

در کتاب "قلائد الذهب في معرفة انساب قبائل العرب" به قلم مصطفی حمیدی بن احمد الکریدی دمشقی، از مولفین قرن دهم هـ.ق. شرح و مقدمه سلمان الجبوری مکتبه الهلال ۲۰۰۰ دارای ۱۰ نقشه با ذکر نام خلیج فارس است. hillal@libancom.com.lb

• در کتاب "اطلس التاريخي للعالم الاسلامي في العصور الوسطي" عبد المنعم ماجد. علي البنا. دار الفكر العربي ۱۹۸۶ مکتبه القايره الكبرى رمز ۲۵۴۰۰ حدود ۱۶ نقشه از جمله نقشه هاي شماره ۲-۳-۷-۸-۹-۱۰-۱۶ مربوط به خلیج فارس با همین نام است.

• در کتاب مصور الجغرافي لاقاليم الارض الطبيعيه و السياسيه ۹۰ نقشه از منابع عربي وجود دارد که در ۱۲ نقشه مربوط به منطقه خلیج فارس در همگی نام تاریخی بحر فارس و خلیج فارس وجود دارد این کتاب تالیف الشیخ محمد فخرالدین مدرس دارالعلوم است که انتشارات مکتبه الهلال بشارع الفجاله بمصر چاپ یازدهم آترا در سال ۱۹۲۵ انجام داده است.

در کتاب اطلسي بنام "انساب العرب للعالم الاسلامي" چاپ ۱۹۹۴ مکتبه القايره الكبرى رمز ۲۵۴۰۰ حدود ۱۰ نقشه با ذکر نام خلیج فارس وجود دارد

در کتاب "اعلام الجغرافيين العرب" الدكتور عبدالرحمن حمیده، دارالفکر المعاصر، دمشق، سوریه ۱۹۹۵ مختصری از مطالب ۱۵۰ سیاح عرب و مسلمان و پنج نقشه تاریخی بر اساس مورخین صدر اسلام با ذکر نام خلیج فارس دارد و کتابهای بی شمار دیگری که از ذکر آن برای جلوگیری از اطاله کلام خودداری می شود.

*اطلس تاريخي اسلام (محمد مختار قاهره ۱۹۲۲) و الخرائط التاريخيه احمد صالح قاهره ۱۹۱۴ و اطلس ضمیمه کتاب قلائد الذهب في معرفة انساب قبائل العرب که دارای ۹ نقشه به زبان عربي با نام خلیج فارس و بحر فارس است. يك اطلس باستانی دیگر عربي و فارسي متعلق به سالهای قبل از ۱۲۰۰ میلادی که دارای ۹۶ صفحه و ۱۵ نقشه منطقه ای و دو نقشه جهان نما است این اطلس را سال ۲۰۰۱ دانشگاه آکسفورد از یک حراجی خریداری کرده است. در این سند تاریخی نیز خلیج فارس در همه جا با نام تاریخی درست خود ثبت شده است.

در طول دو دهه گذشته کشورهای عربي در مورد اثبات ادعاهای ارضی خود نسبت به یکدیگر نقشه هائی تاریخی را در رسانه های گروهی خود منتشر و بعضاً به عنوان سند به دیوان بین المللی دادگستری تقدیم نموده اند که در آنها خلیج فارس با همین نام توصیف شده است. از جمله در دعاوی ارضی ۱- قطر و بحرین، ۲- در دعاوی عربستان و قطر ۳- در دعاوی یمن و عمان در نقشه ها و اسناد مورد استفاده آنها نام خلیج فارس بکار رفته است.

۴- دولت کویت در سال ۱۹۹۲ کتابی را مشتمل بر ۸۰ نقشه و سند تاریخی تحت عنوان "الکویت في الخرائط العالم" (کویت در نقشه های جهان) به چاپ رسانیده است که در همه این نقشه ها و اسناد تاریخی که از اطلسهای مختلف گرد آوری شده است، نام خلیج فارس وجود دارد.

۵- در سال ۱۹۹۴ اطلسی در کویت تحت نام "الکویت قراءه في الخرائط التاريخيه" به همت عبدالله یوسف الغنیم به چاپ رسیده که حاوی حدود ۲۰ نقشه با نام خلیج فارس است.

۶- در کتاب دیگری بنام "ریشه های کویت" (اصول الکویت المنتشر العام) که در سال ۱۹۹۱ در هلند به چاپ رسیده است، ۱۵ نقشه تاریخی وجود دارد که در همگی نام خلیج فارس ثبت شده است. جالب اینکه یکی از مهمترین استنادات کویت که در هر سه اطلس مذکور به چاپ رسیده است، نقشه ۱۷۶۲ کارستون نیپور دانمارکی است در نقشه مذکور تحت نام نقشه خلیج فارس جرایر سه گانه با نام ابرانی بومف و تنمب متعلق به ایران به ثبت رسیده است.

در يك کتاب به نام "اطلس تاريخ اسلام" که در آمریکا و کشورهای عربي بویژه مصر در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۵ چندین بار تجدید چاپ شده است، ۱۶ نقشه وجود دارد که در همه آنها نام خلیج فارس برای آبهای جنوب ایران بکار رفته است.

بانک عربي و بیت القرآن در بحرین در سال ۱۹۹۶ تقویم دیواری بزرگی رامنشر نموده اند که دارای ۱۲ نقشه تاریخی است مربوط به بحرین است که در همگی نام خلیج فارس در آنها موجود است
در وب سایت ذیل وابسته به دفتر مطالعات استراتژیک پادشاهی عربستان نیز چند نقشه کلاسیک با توضیحات عربي با نام الخلیج الفارسي وجود دارد:



نقشه ی قدیمی چاپ شده در عربستان و مشخص بودن نام خلیج فارس

در این میان اطلس عراق در نقشه های قدیمی ۱۹۵۹ (احمد سوسه) اهمیت بسزایی در تاریخ تحول نقشه های مسلمانان دارد بر اساس نقشه های این اطلس ها می فهمیم که مسلمانان، جهان را همچون سینی دایره ای شکلی تصور می کردند که دور تا دور آن را آب فرا گرفته و لبه انتهایی این دایره سلسله جبال قاف وجود دارد که مانع ریختن آب به بیرون از این سینی می شود و مرکز دنیا منطقه غرب خلیج فارس و مکه بوده است. در تمام نقشه های دوره اسلامی تکامل و تحول چندانی به چشم نمی خورد همگی جهان را همانند یک سینی تصور می کردند که لبه پایانی آن در شرق پایانه دریای پارس و چین در جنوب بلاد زنگ و افریقیه و در غرب بلاد تنجه (تنگه) و اندلس و انتهای دنیا در شمال نیز روم و یاجوج و ماجوج و کوه قاف و دریای محیط نیز لبه های پایانی دیگر دنیا تصور می شدند. دریا های جهان نیز در تصور مسلمانان عبارت بودند از :

دریای محیط ۲- دریای روم ۳- دریای پارس ۴- دریای هند ۵- دریای قلمزم ۶- دریای چین ۷- دریای زنگ (افریقیه) در این میان دریای محیط که همان اقیانوس است بزرگترین دریا ترسیم می شده است. که بنظر بعضی از جغرافیایان مسلمان این دریا سراسر دنیا را فرا گرفته و بعد از آن سلسله جبال قاف قرار دارد که به دور دنیا کشیده شده است. گفتنی است که اصطلاح هفت شهر عشق و هفت سرزمین و ۷ آسمان و ۷ خان که در ادبیات ایرانی از کتاب اوستا تا کتب معاصر از آن سخن به میان می آید از همین تصور جغرافیایی قدیمی ریشه می گیرد.

حداقل حدود ۳۰۰۰ نقشه و اطلس در کشورهای مختلف جهان تا کنون نام خلیج فارس را ثبت نموده اند بسیاری از این نقشه ها حتی جزایر کوچک تنمب و ابوموسی را نیز ترسیم و آنها را جزء قلمرو و حاکمیت ایران تصویر کرده اند تعداد اینگونه نقشه ها بالغ بر یکصد عدد است که در ۳ گروه قرار می گیرند الف- نقشه های رسمی دولتی - از جمله آنها می توان به نقشه های ذیل اشاره کرد:

- نقشه رنگی خلیج فارس Carte du Golphe Persique : در سال ۱۷۶۴ از سوی وزارت خارجه فرانسه تهیه شده و جزایر به رنگ سرزمینهای ایران است.

- نقشه خلیج فارس the Gulf of persia : در سال ۱۸۲۹ توسط کاپیتان بروکس C.B.Brucks به دستور کمپانی هند شرقی تهیه شده ، جزایر به رنگ سرزمینهای ایران است و در یادداشت همراه نقشه نیز نام جزایر جزو نواحی تحت تملک ایران آورده شده است.

- نقشه امپراتوری ایران the Persia Empire : در سال ۱۸۱۳ توسط جان مکدونالد کاینز مشاور سیاسی سرجان مالکوم در ماموریت به ایران تهیه شده ، سیاه و سفید است، در سال ۱۸۳۲ توسط اروسمیت به صورت رنگی چاپ شد و در آن، سرزمین ایران و جزایر از یک رنگ هستند.

- نقشه آسیای مرکزی شامل کابل، ایران، رود ایندوس و کشورهای واقع در شرق آن

Center Asia Comprising Cabool, Persia, the river Indus and Countries Eastward of it در سال ۱۸۳۴ توسط سرگرد الکساندر برنز بر اساس «نقشه های معتبر Authentic Maps اروسمیت تهیه شده ، رنگی و جزایر در آن به رنگ سرزمینهای تحت حاکمیت ایران است.

- نقشه حدود فعالیت قبیله‌های ساحل مروارید the activities of tribes of pearl Coast Limits : در سال ۱۸۳۵ توسط کاپیتان هتل تهیه شده ، جزایر را در بخش ایرانی خط تقسیم کننده خلیج فارس نشان می‌دهد.
- نقشه خلیج فارس the persian Gulf : در سال ۱۸۸۶ از سوی بخش اطلاعات وزارت جنگ بریتانیا تهیه شد. نسخه‌ای از این نقشه در سال ۱۸۸۸ به دستور لرد سالیسبوری وزیر خارجه بریتانیا، تقدیم ناصرالدین شاه قاجار شد. هنگامی که وزیر مختار بریتانیا در تهران ، سردروموندولف از تقدیم آن به حضور شاه ایران ابراز تاسف کرد، چون در آن متصرفات ایران در خلیج فارس نشان داده شده بود که شامل جزایر سه گانه بود، لرد سالیسبوری یادآور شد: دقت کنید که در آینده هیچ نقشه‌ای اهدا نگردد، با این وجود، نقشه مزبور یکبار دیگر در سال ۱۸۹۱ به چاپ رسید و باز هم جزایر در آن به رنگ سرزمین ایران نمایش داده شده بود.
نقشه رسمی ایران Official Map of Persia (در ۶ صفحه) : در سال ۱۹۹۷ در بخش نقشه‌برداری سیملا، اداره مکان نگاری وزارت خارجه حکومت هند، تهیه شده و جزایر تنب و ابوموسی در آن به رنگ سرزمین ایران نمایش داده شده‌اند.

نقشه ایران، افغانستان و پاکستان غربی Afganistan and west Pakistan در اطلس جهان Worid Atlas : ورقه‌های شماره ۱۴۴ - ۱۴۳ ، تهیه شده در سال ۱۹۶۷ تحت نظارت شورای وزیران اتحادیه جماهیر سوسیالیستی شوروی به مناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر، که در آن نام ایران زیر نام جزایر تنب و ابوموسی و سایر جزایر ایرانی خلیج فارس آورده شده است.

ب (نقشه‌های نیمه رسمی از جمله آنها می‌توان به نقشه‌های ذیل اشاره کرد:
- نقشه امپراتوری ایران A Map of the Empire of Persia : در سال ۱۷۷۰ توسط آقای دانویل برای دولت بریتانیا تهیه شده و جزایر در آن به رنگ ایران هستند.

- نقشه جدید امپراتوری ایران A New Map of the Empire of Persia : در سال ۱۷۹۴ توسط دانویل تهیه شده و در آن جزایر به رنگ بقیه سرزمین‌های ایران است.

- نقشه ایران و کابل Map of Persia and cabul در سال ۱۸۳۷ : توسط اروسمیت در لندن تهیه شده و سه جزیره به رنگ ایران است.

- نقشه ایران ، افغانستان و بلوچستان . Persia Afghanistan and Baluchistan : در سال ۱۸۹۱ توسط انجمن سلطنتی جغرافیای تحت نظارت لرد کرزن تهیه شده و به کتاب وی « ایران و قضیه ایران » چاپ سال ۱۸۹۲ نیز پیوست شده است که در آنها جزایر تحت حاکمیت ایران ترسیم شده است.

پ (نقشه‌های غیررسمی از جمله آنها می‌توان به نقشه‌های ذیل اشاره کرد:
- نقشه ایران the Map of Persia : در سال ۱۸۱۸ در انگلستان برای اطلس بزرگ جدید تامسون Thomson new Grand atlas تهیه شده است .

- نقشه ایران Map of Persia : در سال ۱۸۲۸ در لندن توسط سیدنی هال تهیه شده است.
- نقشه ایران و بخشی از امپراتوری عثمانی Persia and part of Ottoman Empire : در سال ۱۸۳۱ توسط جی لانگ تهیه شده و از سوی انجمن گسترش آموزش مفید Society of Expanding Useful Education در انگلستان چاپ شده است.

- نقشه ایران Map of persia : در سال ۱۸۴۰ برای اطلس بلاک Black Atlas در لندن چاپ شده است.
- در نقشه ایران و کابل Map of persia a Cabul : در سال ۱۸۴۴ توسط جانستون برای اطلس نشنال National Atlas در انگلستان چاپ شده است.

- نقشه ایران Map of persia : در سال ۱۸۵۱ توسط راپکین برای اطلس جان تالیس John Tallis Atlas تهیه شده است.

- نقشه ایران و افغانستان Persia and Afghanistan : در سال ۱۸۵۴ توسط بلاک برای دانشگاه ادینبورگ تهیه شده است.

- نقشه ایران و افغانستان Persia and of Afghanistan : در سال ۱۸۶۰ برای اطلس جنرال General Atlas کیت جانستون تهیه شده است. - نقشه ایران، افغانستان و بلوچستان Afghanistan Baluchistan Map of pers : در اطلس نوین جهان Modern Atlas of the World که در سال ۱۹۰۹ در موسسه هاموند چاپ شده است.

نقشه ایران The Map of Iran : در اطلس بین المللی جهان (Cosmopolitan World Atlas CentennialEd) 1856-1956 که در سال ۱۹۵۶ توسط موسسه مک نالی تهیه شده است.

در کتاب مغاص اللئالی و متار اللیالی سدید السلطنه کبابی که مربوط به یکصد سال قبا است سندی دال بر حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه وجود دارد در ۷۳/۱/۲۰ يك کارشناس حقوق بین الملل در فرانسه اظهار داشته است که ۵۰۰ سند از اسناد وزارت خارجه انگلیس گواهی تعلق جزایر سه گانه به ایران را دارد.

ولی در رابطه با خلیج عربی این نکته قابل ذکر است که در بعضی نقشه ها و کتب تاریخی به دریای میان شمال آفریقا و عربستان، خلیج عرب و دریای سرخ اطلاق و خلیج شهر اسکندریه نیز خلیج عرب نام دارد گاهی اوقات نیز به آبهای ساحلی عمان دریای عرب گفته شده است. همچنین در خلیج فارس خلیج های کوچکتری با نامهای محلی وجود دارد مانند خلیج قطیف خلیج بحرین، خلیج بصره، خلیج کویت و... که نام آنها کاربرد محلی دارد ولی بر کل خلیج همواره فقط کلمه فارس اطلاق شده است.

از میان حدود ۶ هزار نقشه تاریخی مربوط به قرون گذشته تا سالهای ۱۸۹۰ که در همه آنها خلیج فارس ثبت شده فقط سه نقشه با نامهای خلیج بصره، خلیج قطیف و خلیج کویت، خلیج بحرین، خلیج سیراف از این منطقه نام برده اند که البته اینها نام خلیج ها کوچک هستند که به آنها خور و Bay گفته می شود و هنوز هم کاربرد محلی خود را دارد ولی بر کل خلیج اطلاق نمی شوند..

بدیهی است که اصالت و صحت این سه نقشه که عربها از آن استفاده های تبلیغاتی زیادی برده و آنرا روی جلد بسیاری از کتبی که تاکنون در مورد خلیج چاپ شده ترسیم کرده اند تردید وجود دارد اگر چه حتی آنها اصیل هم که باشند در مقابل هزاران نقشه، کتاب و نوشته تاریخی و بیشتر از سیصد کتاب تاریخی، یک کتاب و یک نقشه فاقد ارزش علمی است و آنرا به عنوان خطا، به دور می اندازند، کمالینکه در مورد دریای خزر نیز بطور انگشت شماری مورخین قدیمی از جمله شهاب الدین محمد النوبری ۷۳۳ق در کتاب نهاییه الارب فی فنون العرب بحر فارس و دریای عجم بکار برده اند ولی، بدلیل اینکه اکثریت مورخین عرب، اروپائی و ترک آنرا دریای قزوین، کاسپین و خزر ثبت کرده اند در علم کارتوگرافی این سه نام را نامهای اصیل می دانند و اسامی دیگر را برسمیت نمی شناسند قطعاً اینکه اعراب برای یک نقشه این همه اهمیت علمی قائل هستند ولی چشم خود را بر روی بیشتر از ۶ هزار نقشه دیگر می بندند اقدامی غیر منصفانه و مغایر با اصول علمی است و این نشانگر آن است که نگاه آنها به مسائل از دید علمی و تاریخی نیست، بلکه از روی جهالت، تعصب و یا نگاهی سیاسی و مغرضانه دارند. این در حالی است که بعضی از اعراب برای یک نقشه این همه اهمیت علمی قائل هستند ولی چشم خود را بر روی بیشتر از هزاران نقشه و سند دیگر می بندند؟

این نشانگر آن است که نگاه آنها به مسائل از دید علمی و تاریخی نیست، بلکه نگاهی سیاسی و مغرضانه دارند نمونه ای از این نوع برخورد را وزیر آموزش و پرورش عربستان سعودی در اسفند ۱۳۸۲ با دستور جمع آوری یک میلیون نسخه از یک کتاب درسی از مدارس سراسر کشور به دلیل وجود نام خلیج فارس انجام داده است.

آیا افرادی که اینگونه تعصبات غیر منطقی دارند توانایی دارند تمامی نقشه ها و اطلسها و کتب مهم تاریخی چه در قرون قبل و چه بعد از میلاد و چه در دوره معاصر که شاهراه آبی جنوب ایران را با نام خلیج فارس ثبت نموده اند را جمع آوری نمایند؟! بعلاوه اینکه تمامی سازمانهای بین المللی معاصر نیز تنها نام خلیج فارس را برسمیت می شناسند و در تمامی کشورهای غیر عربی بندرت و آنهم در اثر اشتباه و یا تطمیع بعضاً نام مجعول بکار می رود ولی هنوز علی رغم هزینه سنگین بعضی کشورهای عربی، رسانه های گروهی معتبر جهان نام اصیل و تاریخی را حفظ نموده اند. در کشورهای عربی نیز در کتب درسی و نقشه های رسمی همواره تا دهه ۷۰ نام خلیج فارس بکار برده شده است. و هنوز هم بسیاری از نویسندگان بیطرف که تطمیع نمی شوند اصالت این نام را در نوشته های خود رعایت می کنند بنابر این اقداماتی شبیه آنچه وزیر مذکور انجام داده است عرض خود بردن و زحمت دیگران داشتن است.

در تمام کتب و منابع دولتی کشورهای عربی تا دهه ۶۰ میلادی همواره نام خلیج فارس یگانه نامی است که برای توصیف این پهنه آبی بکار رفته است. از جمله می توان به یکی از سرودهای ملی مصر که در آن جمله "حدودنا من خلیج الفارسیه حتی بحر الابيض" آمده است و کتابهای ۱- انور سادات رئیس جمهور سابق مصر تحت نام "طغیان رود نیل سال" (۱۹۵۷) ۲- الحسن بن طلال ولیعهد اردن هاشمی در کتاب خود به نام "السعی نحو السلام" ۳- کتاب "الاستعمار فی الخلیج الفارسی" و حتی فرهنگ لغتهای معتبر عربی مانند "المنجد" و دایره المعارفهای عربی مانند دایره المعارف اقتصادی لبنان ۱۹۷۲ و راهنمای دولتی عراق ۱۹۳۶ و دهها مورد دیگر اشاره کرد که همگی از آبراه جنوب ایران بنام خلیج فارس نام برده اند. اما رقابت های استعماری، انگیزه های سیاسی و طمع ورزی های ارضی و تعصبات افراطی قومی بعضی افراد و یا دولتهای مغرض باعث اقدام آنها به کاربرد نامهای جعلی شده است.

اینها نمونه ای از صدها نقشه تاریخی موجود در کتب مختلف عربی است که نام خلیج فارس بر آنها ثبت و در اعماق تاریخ ریشه های آنرا مستحکم گردانیده است. اما از صدها نمونه دیگر در آرشیو سایر کشورها به موارد ذیل بسنده می کنیم.

در کتابخانه کنگره آمریکا و کتابخانه آرگوسی نیویورک بیشتر از ۲۰۰ نقشه تاریخی وجود دارد که خلیج فارس با نام اصلی در آنها ثبت شده است.

در کتابخانه ملی بریتانیا (لندن)، کتابخانه و اسناد وزارت امور هند (لندن)، مرکز اسناد عمومی لندن و کتابخانه دانشکده مطالعات خاورشناسی لندن بیشتر از ۳۰۰ نقشه در بر دارنده نام خلیج فارس وجود دارد در

بسیاری از نقشه های اروپایی نه تنها خلیج فارس persian gulf بلکه نام دریای پارس persian sea نیز برای منطقه سواحل ایران و پاکستان و عمان ترسیم شده است از جمله در این مورد می توان به نقشه ذیل اشاره نمود.

Map drawn by Eman Bowen 1748. A new accurate map of Persia with the adjacent countries, drawn from the most approved modern maps and cartography the whole : being regulated by astron observations

.by Eman Bowen 1748

۳- اداره آرشیو ملی پرتغال دهها سند مهم تاریخی به زبانهای عربی، فارسی، ترکی و پرتغالی در خصوص جزایر ایرانی و خلیج فارس وجود دارد. در اداره آرشیو وزارت خارجه ایران، وزارت خارجه فرانسه، وزارت خارجه روسیه، وزارت خارجه پرتغال، وزارت خارجه هلند، هند، آلمان، اسپانیا و ژاپن و در بسیاری از موزه ها، کتابخانه ها و حتی هتلها و یا آرشیو های خصوصی چه در کشور های عربی مانند مصر و چه کشور های غیر عربی صدها نقشه تاریخی با نام خلیج فارس وجود دارد. (نقشه موجود در موزه کبیر قاهره که بر اساس یک لوحه سنگی عظیم قبل از میلاد ترسیم شده است و از سال ۱۹۰۳ در کنار این لوح نصب است و به نام خلیج فارس مزین می باشد) برای نمونه حداقل آدرس ۳۰۰ مورد از آنها در ضمایم این تحقیق برای آگاهی خوانندگان درج می گردد که بعضی از این نقشه ها از سوی یونسکو به عنوان میراث بشریت برسمیت شناخته شده و بطور نمونه می توان به کتابی تحت عنوان نواذر المخطوطات RARE MANUSCRIPTS)) که از سوی یونسکو در سال ۱۹۹۵ بر اساس اسناد کتابخانه اسکندریه چاپ شده است اشاره کرد.

موسسه دریای شرق با کمک دولت کره جنوبی نیز در سال ۲۰۰۲ کتابی بنام: East Sea in World Maps این کتاب ۴۰ نقشه تاریخی را از سال ۱۷۱۵ تا سال ۱۸۰۰ در جهت اثبات نام دریای شرق به چاپ رسانده است که در تمامی نقشه هایی که جنوب ایران را در بر گرفته اند (۳۱ نقشه) نام خلیج فارس ثبت گردیده است. در این کتاب همچنین فهرست مشخصات ۹۰ نقشه کتابخانه لندن از سال ۱۵۹۵ تا ۱۸۹۴ و فهرست ۶۱ نقشه موجود در دانشگاه کمبریج لندن متعلق به سالهای ۱۵۷۰ تا ۱۸۲۴ راجع به آسیا را به چاپ رسانده در این نقشه ها نیز همچنان خلیج فارس فارس با نام تاریخی و درست خود ثبت شده است. × در آلمان یک اطلس تاریخی حاوی تصاویر نقشه های موجود در موزه ها و آرشیو های خصوصی آلمان چاپ شده که ۹ مورد نقشه های جهان نام خلیج فارس را در بر دارد.

حدود ۳۰ اطلس تاریخی مربوط به قرن گذشته خلیج فارس را با همین نام ثبت کرده اند. از جمله: اطلس توماس هربرت ۱۶۲۸، اطلس پاریس دانشگاه لوساج ۱۸۶۳، اطلس آلمان ۱۸۶۱، اطلس پاریس انوبلی ۱۷۶۰، اطلس جغرافیای مدرن ۱۸۹۰ پاریس که توسط F. SCHRADER and F. PRUDENT طراحی شده دارای ۱۰ نقشه با ذکر نام خلیج فارس است. این اطلس در مرکز اسناد ملی مصر (دار الوثائق قومی) نگهداری می شود و در نقشه شماره ۴۰ جزایر سه گانه با رنگ و متعلق به ایران ترسیم شده است. اطلس لندن ۱۸۷۳، اطلس ارنست امبروسیوس ۱۹۲۲، اطلس بیلفیلد ۱۸۹۹ اطلس هارمسورث قرن ۱۹ لندن و ...

دایره المعارف های بزرگ جهان مانند RAISONNE DE SCIENCE KOSJDK NHDVI 1751 HGLUHVT چاپ ۱۷۵۱ فرانسه، دایره المعارف بریتانیکا، دایره المعارف لاروسکا، امریکانا و... و.. تمام دایره المعارف های مشهور از قدیم تا کنون خلیج فارس را با همین واژه ثبت نموده اند. در کتاب:

THE ISLAND OF TUNB AND ABUMUSA An Iranian Argument in Search of Peace فهرست و مشخصات ۲۷ نقشه تاریخی که علاوه تعلق جزایر تنب و ابوموسی به ایران، نام خلیج فارس را نیز ثبت کرده اند، ارائه گردیده است.

نقشه های خلیج فارس در شبکه جهانی اینترنت در بسیاری از سایتهای جغرافیایی نقشه های کهن خلیج فارس وجود دارد علاوه بر سایتهای اطلسهای معروف جهان در بعضی سایتهای عربی نیز می توان نقشه های تاریخی خلیج فارس را یافت از جمله در وب سایت دفتر پادشاهی عربستان سعودی به آدرس ذیل ۶۶ نقشه قرون گذشته از منابع اروپایی، عربی و ترکی وجود دارد که در همگی نام خلیج فارس و معادل های آن بکار رفته است. www.darah.org.sa/trip/images.htm

اسناد موجود در کتابخانه ها، موزه ها و آرشیوهای معتبر جهان از جمله کتابخانه اسکندریه و قاهره و نقاشی هایی مانند سقف گنبد کلیسای سن پیتر و اتیکان از جمله نقشه معروف ریچارد هالدینگان متعلق به سال ۱۲۸۵ که در موزه هر فورد بریتانیا نگهداری می شود و سی هزار لوح گلی تخت جمشید نشان می دهد که واژه خلیج فارس از آغاز تمدن مکتوب در همه منابع و مراجع جهان وجود داشته است، اینها نمونه ای از صدها نقشه تاریخی موجود در کتب و منابع مختلف غیر عربی است که نام خلیج فارس بر آنها ثبت و ریشه های آنرا در اعماق تاریخ مستحکم گردانیده است.

علی رغم همه این اسناد تعصب برخی افراد بگونه ای است که آنها را به انجام کارهای بی خردانه و بی داری. اخیراً وزارت آموزش و پرورش عربستان دستور داده است یک میلیون از یک نسخه کتاب درسی از مدارس عربستان جمع آوری شود علت این امر فقط نام خلیج فارس بوده است این تعصب کور است که یک نقشه این همه اهمیت علمی قائل می شود ولی چشم خود را بر روی بیشتر از یک هزار نقشه دیگر می بندند؟ این نشانگر آن است که نگاه آنها به مسائل از دید علمی و تاریخی نیست، بلکه نگاهی سیاسی و تعصب آمیز دارند. علاوه بر وجود اسناد و واقعیهایی تاریخی، حقوقی و حقایق جغرافیایی، انسانی، علمی و همچنین مصوبات سازمانهای بین المللی، اعتراف نویسندگان و پژوهشگران عرب نیز دلیل دیگری بر حقانیت و صحت نام خلیج فارس و غیر قانونی بودن کاربرد نام جعلی بجای آن است.

بررسی دو دوره تاریخی خلیج فارس : حضور هلندیها :

با رانده شدن سلطه گران پرتغالی و اسپانیایی از خلیج فارس نفوذ انگلیسیها در منطقه زیاد شد و هلندی ها نیز در سال ۱۰۳۳ ق ۱۶۲۵ م. با دایر نمودن نمایندگی بازرگانی در هرموز و سپس انتقال آن به بندر عباس در سال ۱۶۲۵ م. سهمی از بازرگانی خلیج فارس را بدست گرفتند، هلندی ها از سال ۱۶۲۳ با اعزام نماینده ای از کمپانی هلندی هند شرقی بنام هوبرت ویس نیخ به دربار شاه عباس و امضای یک قرارداد ۲۳ ماده ای تلاش نمودند که بر تنگه هرمز و خلیج فارس مسلط شوند با توجه به شدت گرفتن رقابتهای انگلیسیها، فرانسویها و هلندی ها در دربار شاه ایران ، هلندیها مجبور شدند صحنه را ترک نمایند آنها در سال ۱۷۵۳ از بوشهر و ۱۷۵۹ از بندر عباس خارج شدند و ۱۷۶۶ بکلی خلیج فارس را ترک کردند. در سال ۱۶۶۴ نیز شرکت فرانسوی هند خاوری تاسیس شد و نمایندگی خود را در ایران تاسیس و وارد عرصه اقتصادی و تجاری خلیج فارس شد. نادر شاه افشار با نبردهای دلیرانه خود وسعت ایران را به دوران ساسانی برگرداند و از جمله کرانه های جنوبی خلیج فارس مجدداً تماماً در اختیار ایران قرار گرفت.

نادر شاه افشار ۱۱۴۹ - ۱۱۶۱ ه.ق بر تمام خلیج فارس حاکمیت و سلطه ایران را مستقر ساخت ولی از بخت بد ایران با مرگ این قهرمان ملی در سال ۱۷۴۷ حاکمیت ایران بر خلیج فارس تضعیف شد. با مرگ نادرشاه از سال ۱۷۴۸ بحرین و راس الخیمه و بعضی قبایل قاسمی از اعطای مالیات و خراج سالانه به دولت ایران سرباز زدند. اما این شیوخ را هیچ کشوری در جهان به عنوان دولت و حاکم مستقل به رسمیت نمی شناخت و آنها را دزدان دریایی لقب دادند تا اینکه در سال ۱۸۲۰ دولت انگلستان آنها را تحت قیمومت خود در آورد. کارگزاران انگلیسی در این مدت توطئه های متعددی برای تصرف و یا تجزیه جنوب ایران بکار بستند اما همه آنها نقش بر آب شد. به هر حال نه هلندی ها و نه رقابتهای و منازعات استعماری انگلیس، فرانسه، المان و روسیه در خلیج فارس هیچکدام نتوانست تغییری در نام خلیج فارس ایجاد نماید.

در تمام این مدت سیاحان و نویسندگان اروپایی و عرب و حتی ایرانیانی که عموماً به زبان عربی می نوشتند خلیج فارس را با همین نام اصلی مکتوب نموده اند این روند تا دهه ۱۹۶۰ ادامه داشته است. با مراجعه به کتب ۳۰۰ دانشمند، جغرافیانویس ، مورخ، ادیب و سیاح مسلمان و عرب قرون گذشته در می یابیم که هیچکدام از این سیاحان در کتب خود نامی غیر از خلیج فارس برای این خلیج بکار نبرده اند. فرانسویها نیز از سال ۱۶۶۴ که به تاسیس شرکت هند شرقی فرانسه اقدام نمودند تجارت با منطقه خل بویژه با بندر عباس شروع کردند اما جنگهای ۷ ساله ۱۷۵۶ - ۱۷۶۳ موجبات تضعیف فرانسه را فراهم ساخت. سر هارفر جونز بریگز در بغداد با عثمانی ها و جان مالکوم در سال ۱۸۰۱ در ایران اتحادی علیه فرانسه را شکل دادند و شاه ایران فرمانی صادر کرد که بر اساس آن فرانسویها از ورود به خل منع شدند مدت کوتاهی در خلیج فارس حضور داشتند که در تمام مکاتبات خود مانند سایر اروپاییان نام واقعی خلیج فارس را بکار برده اند.

دوره حضور انگلیسی ها در خلیج فارس :

در این دوره نیز علی رغم اینکه انگلیس شیخ نشینهای منطقه را تحت انقیاد خود در آورد و چشم طمع به سرزمین ایران نیز داشت ولی نتوانست ایده استعماری تغییر نام خلیج فارس به دریای بریتانیا را عملی سازد. همه مورخین غربی ابتدا پرتغالیها و سپس انگلیسی که از سال ۱۵۳۳ وارد خلیج فارس شدند از جمله مانند توماس بانستر ، در کتاب خود در سال ۱۵۷۴ و پت هیلین عالم ربانی در کتاب کیهان گرافی سال ۱۶۵۰ ، جان اسپید ۱۶۲۸ ، ژان باتیست بارون تاورنیه فرانسوی در فاصله ۱۶۳۱ تا ۱۶۶۵ ۶ بار به ایران سفر نموده است. سفر نام تاورنیه محتوی یادداشتهای جالبی از راهها ، جغرافیا و فرهنگ ایرانیان است فرانسوی دیگر شاردن نیز مانند تاورنیه از خلیج فارس توصیفهای جالبی ارائه کرده است ،

لرد کرزننایب السلطنه هند در کتاب ایران و مسئله ایران ۱۸۹۲ ص ۴۶۴ و ۴۶۵ ، لرد لانس دان وزیر امور خارجه بریتانیا در پارلمان انگلیس در سال ۱۹۰۳ به سیاستهای آن کشور در خلیج فارس اشاره نموده است، سر آرتور هاردینگ، وزیر مختار بریتانیا در دربار مظفرالدین شاه ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵ م در کتاب خاطرات خود به توصیف خلیج فارس پرداخته است سر دنیس رایت . لوریمر در کتاب راهنمای خلیج فارس، سر آرنولد ویلسن Sir Arnold Wilson در کتاب خلیج فارس توصیفهای بسیاری از مستشرقان در خصوص خلیج فارس را بیان نموده و نوشته است " هیچ آبراهی چه در گذشته و چه در حال حاضر برای زمین شناسان، باستان شناسان ، تاریخ دانان ، جغرافیدانان، بازرگانان ، سیاستمداران و و سیاحان و دانش پژوهان اهمیتی بیشتر از خلیج فارس نداشته است این آبراه که فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می کند از هزاره های قبل از میلاد هویت ایرانی برخوردار است. تمامی اسناد و مدارک دولتهای روسیه شوروی و امریکا . مقامات این کشورها و از جمله وزرای خارجه آنها مانند گرومیکو وزیر خارجه شوروی و ویلیام راجرز وزیر خارجه آمریکا و روسای جمهور و مقامات تراز اول کشورهای مطرح جهان حد اقل يك یا چند بار در گزارشات خود از خلیج فارس یاد کرده اند.

این موضوع در خصوص مقامات کشورهای جهان سوم و سایر کشورها نیز مصداق دارد . دهها نفر سیاح و روزنامه نگار دیگر که به خلیج فارس سفر کرده بودند همگی در کتب خود از خلیج فارس توصیفهایی مشابه بکار برده اند همچنین کارتوگرافها در این دوره همین نام را ترسیم کرده اند و از اولین دایره المعارفها مانند RAISONNE DE SCIENCE 1751 و اولین اطلسها مانند J.B.D.ANVILLE 1760 چاپ فرانسه، خلیج فارس بکار برده شده است. همانطور که قبلاً آوردیم مورخین یونانی و اروپایی پیش از میلاد از قبیل اناکسیماندر ملطی (Anaximandre 546-610 ق.م در نقشه جهان که در کتاب kleineren schriften . اثر ی. لول. لاپیزیک ، ۱۸۳۶ باز نگری و چاپ شده است ، تالس ملیتی (Thales Melitus (546-640 پیش از میلاد)، فیثاغورس (Pythagore) زایش ۶۰۸ پیش از میلاد درگذشت ۵۰۹ ق.م) ، کوسماس ایندیکوپلیوس (۵۰۰-۵۳۵ ق.م) ، هکاتوس (Hecataus 500 ق.م) ، (هردوت Herodotu 420-486 ق.م) ، Ptolemeus Quintus Claudius معروف به بطلمیوس (۲۷۰-۳۳۰ ق.م) ریاضی دان و ستاره شناس سده دوم پیش از میلاد در کتاب جغرافیای جهان که دارای ۲۷ نقشه بوده است، کنزیاس ۳۸۰-۴۴۵ ق.م گزنفن ۳۵۲-۴۳۰ ، (Eratosthenes) ایراتوستین ۲۷۶-۱۸۷ ق.م و استرابون پدر جغرافیا (سده اول م) ، گوئینوس کورتوس روفوس (Curticus Rufus) تاریخ نویس رومی سده اول میلادی در شرح حال زندگی اسکندر ، (Flavius Arrianus) آریانوس تاریخ نگار یونانی سده دوم میلادی در کتاب آنازبیس، نویسنده و مورخ رومی پومپونیوس ملاقا ۴۳۳ م ، دیسنارکوس ۲۸۵-۳۲۵ ق.م ، " هیپارکوس" جغرافینگار سده دوم پیش میلاد ، "پوزیدونیوس" جغرافیانگار سوری ۱۵-۱۳۵ ق.م، آریان ۹۸-۱۷۱ م ، عیسوب اوسیوس ۲۶۳-۳۴۰ م که به پدر تاریخ عیسوی معروف است ، آگاتانژ ۲۲۶-۳۳۰ تاریخ نگار ارمنی، موسی خورن مورخ سده ۵ م در کتاب مارکوارت یا ایرانشهر و کراتس مالوسی دانشمند سده دوم ق.م، "پلیبیوس" (جغرافیانویس یونانی سده دوم ق.م) ، واسکودوگاما ، مارکوپلو ، اچ بی وگان H.B.Vgan سی.ای.بیدولف C.E.Biddulph . پی تر دو لاوابه ایتالیایی ۱۶۲۱ . سرتوماس هربرت انگلیس ۱۶۲۷ کارستن نیبور ۱۷۶۵ . گامب فر ۱۶۹۸ هنیث اوزلی ۱۸۱۰ . سر کربنز ۱۸۲۱ . لیو الکساندر ۱۸۲۶ ، بی.توماس B.Thomas . سنت. ایپستن. فیلیبی H.ST.Philby آلفونس گابریل ۱۹۲۸ (عبور از صحاری ایران Duerch Persiens Wuesten) در ۵ قرن اخیر بندرت می توان جهانگردی و یا شرق شناسی را یافت که به آسیا یا خاورمیانه سفر کرده باشد و از خلیج فارس نام نبرده باشد، بسیاری از سیاحان و فرستادگان دول اروپایی و آسیایی که از سده ۱۴ به بعد از سرزمین های شرقی و منطقه خلیج فارس دیدن نموده اند در آثار خود از دریای خزر و خلیج فارس توصیفهایی داشته اند از جمله :

اودوریک دوپوردنون ۱۳۲۰ م – ژوزافا باربارو ۱۴۷۴ – ژوفری دوکه انگلیسی ۱۵۷۰ – هنریش فون پوزر ۱۶۲۱ – پیتر و دلاوال ایتالیایی ۱۶۲۳ – دون گارسیا اسپانیایی ۱۶۲۴ – توماس هربرت ۱۶۲۸ – نیلسون ماتسون گیوپینگ سوئدی ۱۶۵۰ – نیلس ماتسون و گیوپینگ سوئدی ۱۶۵۰ – یوهان البرشت فون ماندلسلو

آلمانی ۱۶۳۸ - سفرنامه دوارته بابوزا که در سال ۱۸۶۵ منتشر شده بحث مفصلی در خصوص خلیج فارس و پادشاه هرموز و توصیف جزایر خلیج فارس و توصیف قنات ایران و دریای خزر دارد.
سفرنامه آدم اولیاریوس که در سال ۱۶۴۷ از طریق شرق آلمان و دریای خزر به اصفهان آمده و خاطراتی نیز از دوست آلمانیش جان آلیرخت ون ماندلسلو در توصیف خلیج فارس و مردمان بنادر جنوبی از جمله هرمز نام برده است.

جهانگردی مارکوپولو، ش. ویکتور چاپ تهران گوتنبرگ ۱۳۲۵
سفرنامه ژان بابتیست تاورنیه فرانسوی (۱۶۳۱-۱۶۶۸) ترجمه ابو تراب نوری چاپ اصفهان ۱۳۳۶
سفرنامه شوالیه شاردن فرانسوی ۱۶۶۵ چاپ امیر کبیر تهران ۱۳۳۶
فلیپ آنزل هلندی ۱۶۶۸ - ژان تونو ۱۶۶۷ - انگلبرت کمفر آلمانی ۱۶۸۵ - ژان کونوس و کرنلیس شیلیمان و ژان استرویس هلندی ۱۶۷۱ - کرنلیس دوبروین ۱۷۰۴ - کارستون نیبور ۱۷۶۵ - موریه ۱۸۱۱ و یلیام اوزلی ۱۸۱۲- کرپرتر ۱۸۱۳

سفرنامه فرایر Frayer بنام نه سال سفر فرایر در ایران از ۱۶۷۲ تا ۱۶۸۱ نقل کرده است این سفر نامه در سال ۱۹۰۰ توسط بنگاه هاگلویت در سال ۱۹۰۰ در لندن چاپ شده است.
سفرنامه فلاندرن، اوژن، ترجمه نور صادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶
سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه رجب زاده، آستانقدس رضوی ۱۳۷۳
سفرنامه بلوشر، کیکاووس جهاندار، تهران، خوارزمی ۱۳۶۳
سفرنامه فیکوئروا، غلامرضا سعیدی، تهران، نشر نو ۱۳۶۳
سفرنامه مادام دیولافوا، فره وشی، تهران، خیام ۱۳۶۱
سفرنامه سیاحتنامه مسیو چریکف، آبه کار مسیحی، تهران، جیبی ۱۳۵۸
ایران و قضیه ایران، جرج کرزن، وحید مازندرانی، انتشارات علمی ۱۳۶۷
مشاهدات سفر از بنگال به ایران فرانکلین و یلیام، محسن جاویدان، بنیاد فرهنگ و هنر ایران ۱۳۵۸
دلند آندره دولیه، زیبایی های ایران، محسن صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب ۱۳۵۵
جکسن و یلیامز، ایران در گذشته و حال، امیری و بدره ای، خوارزمی ۱۳۵۷
سفرنامه و خاطرات سه سفیر جمهوری ونیز در ایران بنام های کاترینو زینو (۱۴۷۱ م) جوزفا باربارو سال ۸۷۹ قمری، امبروجیو کونتارینی ۸۷۹ قمری، خاطرات این سه سفیر از زبان ایتالیایی به انگلیسی توسط بنگاه هلندی هاگلویت Hacklut در لندن چاپ گردیده است..

مجموعه قراردادها های ایران و انگلستان، سر ادوارد هرتزلت 1892 Sir Edward Hertslet لندن.

مجموعه اسناد و عهد ایران، سی.یو. اچیسن C.U.Aitchisson لندن ۱۹۳۳
سفرنامه ژنرال گاردان ترجمه از فرانسه توسط میرزا علی خان مترجه باشی ۱۲۹۸ قمری
سفرنامه پوتینگر سیاح انگلیسی ۱۸۱۰ در دربار لطفعلی خان

سفرنامه سر هارد جونز نخستین وزیر مختار انگلیس در دربار لطفعلی خان
همگی در کتب و یادداشت های سفر و در آثار و نوشته های خود از خلیج فارس و یا نعدلهای اروپایی آن نام برده و از دریای شمال ایران نیز با نام های هیرکان، کاسپین، ارکانی، ارقانیا و تپیر یاد کرده اند.
می دانیم که در ادبیات ایرانی، عربی، اسلامی و حتی در ادبیات غربی دریای پارس و بحر فارس و معادلهای اروپایی آن به تمام آبهای جنوب ایران تا سواحل حبشه اطلاق می شده است ولی قلمرو دریای پارس ابتدا در دوره سلطه پرتغالیها و سپس دوره انگلیسیها به خلیج فعلی کاهش پیدا کرد و انگلیسیها بخش جنوب سواحل عمان را دریای عرب نامیدند و شمال عمان را دریای اومان نام گذاری کردند درحالیک اومان بندری پارسی در شمال کشور فعلی عمان بوده است و بدین ترتیب دریای پارس که قدماء آنرا یکی از ۴ دریای بزرگ جهان توصیف می کردند به منطقه کوچکتر خلیج فارس فعلی عقب رانده شده است و ساحل جنوبی آن در قلمرو کشورهای عربی قرار گرفت و بهانه ای بدست اعراب داد تا به تغییر این نام کهن باستانی پردازند.

سابقه ی جعل عنوان خلیج :

درباره نام خلیج فارس تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی هیچ گونه بحث و جدلی در میان نبوده و در تمام منابع اروپایی و آسیایی و آمریکایی و دایرة المعارف ها و نقشه های جغرافیایی این کشورها نام خلیج فارس در تمام زبان ها به همین نام ذکر شده است. پس از انعقاد قراردادهای گلستان ۱۸۱۳ و ترکمنچای ۱۸۲۸ که با وساطت انگلیس منعقد شد و به تجزیه شمال ایران منجر گردید. مقامات ایرانی بیشتر متوجه عمق فریبکاری و توطئه های استعماری انگلیس برای تجزیه کشور شدند. بویژه در سال ۱۸۳۷ تهاجم انگلیس به جزیره خارک

و تهدید ایران به جنگ و توطئه های رنگارنگ آن کشور برای محروم کردن ایران از حاکمیت بر جنوب ایران، موجب شد صدر اعظم ایران میزرا آغاسی به انگلیس اخطار دهد تا از تجزیه طلبان و دشمنان ایران حمایت نکند و حاکمیت ایران را بر کل جزایر خلیج فارس محترم شمرده و از تجزیه بخش جنوبی ایران دست بردارد. این اخطار دولت ایران، انگلستان را به این نتیجه رساند که باید برای خلیج فارس زدائی به شیوه هائی آرام و بدون درگیری مبادرت ورزد. پس از این مشاجرات، تایمز لندن برای اولین بار خلیج فارس را دریاچه بریتانیا خواند، اما این اسم بی مسما جایگاهی در جامعه مطبوعات باز نکرد.

در فاصله سالهای ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۰ بریتانیایی ها به علت حملات بی رحمانه اعراب به کشتی های انگلیسی و غارت اموال آنها کلمه ساحل دزدان را برای خلیج فارس بکار برده اند در سال ۱۸۲۰ ارتش انگلستان ضمن حمله به شارجه و رأس الخیمه، روسای قبایل عرب منطقه را مجبور به تسلیم و انقیاد ساخته و طی قراردادی که میان انگلیس و روسای قبایل عربی خلیج فارس امضا شد آنها حاکمیت استعماری انگلستان را بر اراضی ساحل عربی پذیرفتند.

انگلستان که همواره به بخش ایرانی خلیج فارس نیز چشم طمع داشت به مرور اقدام به اشغال جزایر ایرانی نمود. دولت ایران ضمن اعتراض شدید به تعرضات بریتانیا در تلاش برای اعمال حاکمیت خود بر جزایر برآمد ولی بدلیل ضعف نظامی، سیاسی، اقتصادی، و به جهت اینکه روسیه و انگلیس همانند دو تمساح در حال بلعیدن ایران بودند. دولت بیمار ایران نتوانست اهداف خود را عملی سازد. در سال ۱۸۸۸ شاه ایران، استدلالهای حقوقی و تاریخی خود مبنی بر مالکیت و حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه را مطرح ساخت. در سال ۱۹۰۳ شیوخ عرب تحت الحمایه انگلیس به تحریک و با حمایت انگلستان، در جزایر ایرانی تنب پرچم برافراشتند. این اقدام منجر به مشاجره مستمر و طولانی ایران با انگلستان شد. ایران برای اثبات حاکمیت خود بر سه جزیره ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک، علاوه بر اسناد تاریخی و به نقشه های رسمی خود دولت انگلیس (نقشه های وزارت جنگ و وزارت دریانوردی که در سال ۱۸۸۸ به شاه ایران تقدیم شده بود و به نقشه های لرد کرزن در سال ۱۸۹۲ و نقشه وزارت هند بریتانیایی سال ۱۸۹۷ که در همگی جزایر به رنگ ایران و متعلق به ایران ترسیم شده بود با انگلیس به مجادله قانونی و حقوقی پرداخت.

مقامات ایران علاوه بر این اسناد و نقشه ها، به کاربرد بین المللی نام خلیج فارس استناد می نمودند و نام تاریخی، بدون معارض و پذیرفته شده بین المللی "خلیج فارس" را با استناد به قاعده فقهی و حقوقی "من یملك الكل یملك الجزء" و قاعده "من یملك الاصل یملك الفرع" یکی از نشانه های محکم حاکمیت ایران و تعلق جزایر خلیج فارس به ایران می دانستند. استدلال های ایران، انگلیسی ها را واداشت تا به تهیه نامه و استشهادیه بپردازند و بویژه آنها را بفکر انداخت تا کاربرد گسترده و پذیرفته شده نام بین المللی خلیج فارس را مخدوش سازند. نکته قابل توجه اینکه در دوره جنگهای ایران و عثمانی، ترکها نیز سعی کردند نام خلیج بصره که نام یکی از خورهای خلیج فارس است را به کل خلیج نسبت دهند که این موضوع نیز خود بخود هیچ ریشه ای در ادبیات و علم کار توگرافی نیافت.

اما جهت نمونه سه مکاتبه که در کتاب حمدی آورده شده است، ذیل قابل مطالعه است:

۱- د. دبیلو. لاسیلز D.W.Lasilz در گزارش مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۳۴ و زمانیکه رضا شاه به دلیل بر چیدن بساط عوامل انگلیس در خوزستان و ایجاد دوستی با آلمان، مورد خشم انگلیس واقع شده بود، طی گزارشی به نقد ادعاهای ایران در خصوص حقانیت ایران برای حاکمیت بر جزایر سه گانه اشاره خلیج فارس پرداخته و دقیقاً روی نکات فوق (تغییر نام خلیج فارس) انگشت گذاشته است.

۲- در دوم آوریل ۱۹۳۵ وزیر خارجه ایران با سفیر بریتانیا در تهران ملاقات و دلایل حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه را برشمرد. در یادداشت ۳۰ آوریل ۱۹۳۵ وزیر خارجه ایران به سفارت انگلستان در تهران با اشاره به سوابق حاکمیت ایران بر جزایر ابوموسی و تنب به حق تاریخی جغرافیائی و منطبق با اصول و رویه بین المللی اشاره و به این حقیقت که نام بین المللی، جهانی و تاریخی خلیج که خلیج فارس است یکی از دلایل دیگر حقانیت ایران است را یادآوری نموده است.

۳- در هشتم دسامبر سال ۱۹۴۸ آر.سی. کلنتون توماس کارگزار سیاسی بریتانیا در خلیج فارس مقیم بحرین طی گزارشی به وزارت خارجه بریتانیا اعلام کرد که در ادامه مطالبات ایران در خصوص جزایر ابوموسی و تنب سفیر ایران با آقای رایت ملاقات و ادعاهای ایران منبئی بر اینکه استعمال و شهرت تاریخی و جهانی نام خلیج به خلیج فارس دلیلی بر تعلق جزایر مذکور به ایران است را تکرار نمود.

پس از ملی شدن نفت ایران و خلع ید از شرکتهاى انگلیسی و قطع روابط ایران و انگلیس ابتدا نماینده سیاسی انگلیسی مقیم بحرین از سال ۱۹۵۰ عبارت ساحل عربی را برای منطقه جغرافیایی بخش جنوبی خلیج فارس که متعلق به اعراب تحت الحمایه انگلیس بود مرسوم ساخت و سپس به تدریج کلمه خلیج عربی را جایگزین آن ساخت و سپس این نام را به کل خلیج فارس تعمیم داد.

علی رغم اینکه در تمام دوره حاکمیت استعماری پرتغال (۱۵۰۷-۱۶۲۲) و در تمامی مکاتبات و اسناد دولت بریتانیا همواره آبهای جنوب ایران خلیج فارس نامیده شده است. پس از مصادره اموال شرکت نفت انگلیس و خلع ید از شرکتهای انگلیسی و قطع روابط ایران و انگلیس برای اولین بار وزارت مستعمرات انگلیس نیز در مکاتبات خود این نام جدید را متداول ساخت. در واقع ترور این نام تاریخی از اینجا شروع شد و با انتشار کتابی در لندن در سال ۱۹۵۷ توسط آقای رودریک اووین کارگزار سازمان جاسوسی انگلیس که بلافاصله به زبان عربی تحت عنوان "الفقاهه الذهبیه - وثائق الخلیج العربی" ترجمه و انتشار یافت، سناریو ابعاد تازه ای یافت و در سال ۱۹۶۶ نیز سرچارلز. م. بلگریو، که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷ نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس بود و هنوز امارات عربی مستعمره انگلیس بودند در پایان مأموریت خود کتابی تحت عنوان خلیج عربی منتشر ساخت و عنوان نمود که اعراب دوست دارند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند. او همچنین در مجله صوت البحرین خلیج فارس را خلیج عربی نامیده بود.

که اعتراضاتی را برانگیخت. بلگریو در دومین کتاب خود بنام به بحرین خوش آمدید اشتباه قبلی خود را جبران و خلیج فارس را با همین نام یاد نمود. در این رابطه گزارشهای [www.pro.gov.uk/ Public](http://www.pro.gov.uk/Public) Record Office the National Archives Eglad (اداره اسناد بریتانیا) بخوبی عمق این توطئه استعماری و نفاق استعمار را روشن می سازد. در این آرشیو فایلی تحت نام " نام خلیج فارس" وجود دارد و در چندین مکاتبه کارگزاران انگلیسی ضمن اعتراف به تاریخی بودن نام خلیج فارس، خطرات این نام را بر علیه منافع انگلیس و ضرورت تغییر نام آنرا به خلیج عربی متذکر میشوند در پوشه های FO371/91284- FO371/148963- FO371/140124 اسناد وزارت خارجه انگلیس این موضوع را روشن می سازد در یکی از این مکاتبات در پاسخ به اعتراض وزارت خارجه در سال ۱۹۷۵ به بنگاه بی بی سی آمده است که " ما ضمن اینکه نام واقعی این آبراه را خلیج فارس می دانیم ولی ناچار هستیم در برنامه عربی آنرا خلیج عربی و در برنامه جهانی خلیج بنامیم" ، برسی این اسناد خود مقاله ای جداگانه می طلبد.

اصطلاح «خلیج عربی» برای نخستین بار از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس در خلیج فارس به نام «سر چارلز بلگریو» عنوان شده و در واقع او بوده است که به قصد تفرقه بین ایران و کشورهای عرب این تخم لُق را در دهان اعراب شکسته است.

سر چارلز بلگریو که بیش از ۳۰ سال نماینده سیاسی و کارگزار دولت انگلیس در خلیج فارس بوده است، بعد از مراجعت به انگلستان در سال ۱۹۶۶ کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای اولین بار نوشت که «عرب ها ترجیح می دهند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند». این نماینده قطعا قبل از انتشار کتاب و مراجعت به انگلستان در تماس با مقامات امارات جنوبی خلیج فارس این فکر را در آنها القا کرده است و تصادفی نیست که بلافاصله پس از انتشار کتاب سرچارلز بلگریو که نام قبلی سواحل جنوبی خلیج فارس یعنی «ساحل دزدان» را بر روی کتاب خود نهاده اصطلاح «الخلیج العربی» در مطبوعات کشورهای عربی رواج پیدا کند و در مکاتبات رسمی به زبان انگلیسی نیز اصطلاح «آرابیان گولف» جایگزین اصطلاح معمول و رایج قدیمی «پرشین گولف» می شود.

دولت ایران در همان زمان در برابر این نام مجعول عکس العمل نشان داد و گمرک و پست ایران از قبول محموله هایی که به جای خلیج فارس نام خلیج عربی بر روی آن نوشته شده بود، خودداری کرد. ایران همچنین در مجامع و کنفرانس های بین المللی نیز در صورت به کار بردن این اصطلاح ساختگی از سوی نمایندگان کشورهای عربی عکس العمل نشان می داد. در این زمان بعضی از کشورهای عربی حتی اعتبار هنگفتی از محل درآمدهای کلان نفتی خود در اختیار بعضی از ماموران سیاسی در خارج می گذاردند تا با تطمیع مطبوعات خارجی نام مجعول خلیج عربی را به جای خلیج فارس رواج بدهند. در نیمه نخست بهمن ماه سال ۱۳۷۰ شمسی سر ویراستار سازمان ملل متحد با اشاره به اعتراض های پیاپی نمایندگان ایران در آن سازمان به استفاده از نام ساختگی خلیج عربی در اسناد این سازمان از کارکنان سازمان ملل خواسته تا اعتراض دولت ایران را همیشه در نظر داشته باشند.

کار به جایی رسید که در یازدهم شهریور ماه سال ۱۳۷۱ هنگامی که حیدر ابوبکر العطاس نخست وزیر جمهوری یمن در اجلاس سران جنبش عدم تعهد که در جاکارتا پایتخت اندونزی برگزار می شد، از نام ساختگی خلیج عربی استفاده کرد، با اعتراض شدید نمایندگان ایرانی رو به رو شد. او سرانجام از نمایندگان ایران عذرخواهی کرد. و این عمل را غیر عمد خواند. همچنین در سال ۱۳۳۷ شمسی در روز ۱۳ مرداد دولت ایران به رژیم عراق «عبدالقاسم» مبنی بر تغییر دادن نام خلیج فارس به خلیج عربی اعتراض کرد.

هدف انگلیس از نام گذاری ساختگی خلیج فارس :

انگلیسی ها نخستین عاملان کاشته شدن این تخم نفاق بودند زیرا از قدیم در صدد بودند که خلیج فارس را تبدیل به يك دریای انگلیسی کنند. بعدها در دهه ۱۹۸۰ آمریکایی ها هم به پیروی از آنها از تبدیل خلیج فارس به خلیج آمریکایی سخن گفتند. از نظر آمریکایی ها و اروپایی ها این منطقه «شریان حیاتی غرب» در منطقه «استراتژیک غربی» و «حوزه منافع ویژه» است، لذا اگر قادر باشند خلیج فارس را به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تسلط خود در می آورند. اما واقعیت مطلب این است که خلیج فارس يك نام کهن تاریخی است که از بدو تاریخ بر روی این خلیج گذاشته شده است و انگیزه تلاش حساب شده ای که برای تغییر این نام به عمل می آید جز ایجاد فتنه و اختلاف بین کشورهای این منطقه نیست. همچنان که «ژان ژاک پرینی» نویسنده کتاب خلیج فارس اعتراف می کند. «ملل و طوایف بسیاری بر کرانه های خلیج فارس استیلا یافته و فرمانروایی کرده اند ولی روزگاران سپری شده و منقرض شده اند. تنها قوم پارس است که با هوش و درایت خود همچنان پا برجا زیسته و میراث حاکمیت خود را تاکنون نگهداری کرده است.»

کشورهای عربی و تغییر نام خلیج فارس :

بدنبال انتشار ترجمه کتاب ردريك اوون مطبوعات کویت و ماهنامه العربي در سال ۱۹۵۷ خلیج عربي را در تبلیغات خود بکار برد. بدنبال وقوع کودتای سال ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم در عراق و ادعاهای ارضی آن کشور علیه ایران، رهبران کودتای عراق با انگیزه های سیاسی از بکار بردن نام خلیج فارس خودداری نمودند. با کودتای عبدالکریم قاسم، در عراق تبلیغات ضد ایرانی و ضد فارسی شتاب گرفت و با کودتای بعثی ها نژادپرستی برضد ایرانیان شدت یافت، در سال ۱۹۶۰ بدنبال قطع روابط ایران و مصر و پس از جنگهای اعراب و اسرائیل، در کنگره حزب بعث که در دمشق با حضور رهبران سوریه، عراق و مصر صورت پذیرفته است، میشل علق، حسن البکر، حافظ اسد و جمال عبد الناصر برای مخالفت با شاه ایران رسماً خواستار تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربي شدند و تقاضا کردند که در مکاتبات رسمی از بکار بردن نام خلیج فارس خودداری گردد. در این راستا نام خیابان خلیج فارس در مرکز قاهره که از بیشتر از ۱۰۰ سال قدمت داشت را به نام یکی از شخصیت‌های مصري تغییر دادند البته هنوز بر تابلو این خیابان کلمه خلیج فارس سابقاً وجود دارد و مردم در حال حاضر آن را خیابان خلیج می نامند.

بدنبال اختلافات و درگیری های سال ۱۹۷۰ بین ایران و عراق و سوء تفاهات سال ۱۹۷۱ با امارات متحده عربي، بسیاری از رهبران متعصب کشورهای عربي و اژه خلیج عربي را بطور گسترده ای در رسانه های گروهی خود بکار بردند و از استعمال واژه خلیج فارس خودداری کردند. آنها برای رسیدن به اغراض نژاد پرستانه نه تنها به تحریف نام تاریخی پرداختند بلکه در این راه در کتب درسی کشورهای عربي، دوران امپراتوری پارسی مورد تحریف و تجاهل قرار گرفته و حتی فارسی ستیزی و تحقیر ایرانیان بگونه ای مزورانه و کینه توزانه در کتب رسمی و غیر رسمی تبلیغ می شد.

بسیاری از این رهبران عربي بانی چاپ و نشر کتاب در خصوص اثبات عربي بودن جزایر سه گانه و خلیج فارس و بد نام کردن سابقه تمدنی ایرانی بوده اند که در دهه ۷۰ تا ۹۰ میلادی رهبری اینگونه اقدامات تحریک آمیز و ایران ستیزی را عراق برعهده داشت. و در ۲ دهه اخیر بعضی شیوخ امارات هزینه تحریف تاریخ را می پردازند. از جمله موسسه مطالعات و پژوهشهای امارات که يك موسسه دولتی و درباری است تاکنون دهها کتاب تکراری و بی محتوا در این موضوع به چاپ رسانیده و طی مراسم رسمی نویسندگان آنان اکثراً جوایز نفیسی دریافت کرده اند. از جمله کتابی تحت عنوان "الجزر العربیه الثلاث الوقایع و التاریخ یوکدان عربیه الجزر و الخلیج تقدیم و اشراف الشیخ خالد بن صقر ولیعهد و نایب الحاکم راس الخیمه". جمله مذکور بصورت تبلیغی بر روی جلد کتاب نوشته شده است ولی هیچ مدرک و منبعی برای اثبات آن در کتاب نیامده است. در جنگ دوم خلیج فارس که رسانه های گروهی غرب واژه "جنگ خلیج فارس" را بکار میبردند به یکباره در اخبار مربوطه فقط نام "خلیج" را جانشین آن ساختند و گفته می شود این اقدام به درخواست رهبران شورای همکاری خلیج فارس صورت گرفته است.

رسانه های عربي

رسانه های گروهی کشورهای عربي آگهی های تبلیغاتی کشورهای عربي را با دریافت پولهای کلان منتشر می کنند در این آگهی ها در بسیاری از موارد نام خلیج عربي تبلیغ می شود بطور نمونه رادیو و تلویزیون بی بی سی، موسسه کویت فاند را با نام خلیج عربي تبلیغ می کند و یا در وب سایت یونسکو موسسه خلیج عربي

که تامین کننده بخشی از بودجه این سازمان است وجود دارد. در آگهی های شرکت های تجاری و حمل و نقل نیز نام خلیج عربی در روزنامه های انگلیسی زبان بسیاری از کشورها تبلیغ می شود.

رسانه های عربی

امروزه رسانه های گروهی کشورهای عربی که متجاوز از ۱۵۰ روزنامه و مجله و ۵۰ کانال تلویزیونی ۲۴ ساعته ماهواره ای، ۶۰ شبکه محلی و ۱۰۰ رادیوی محلی از جمله آنهاست هیچگاه کلمه خلیج فارس را بکار نمی برند و بجای آن از عبارت ساختگی و جعلی استفاده می کنند. تلویزیون الجزیره تنها شبکه عربی است که فقط از عبارت الخلیج استفاده می کند و هیچگونه صفتی را به آن نمی دهد. علاوه بر این رسانه های گروهی کشورهای غربی از جمله رادیو و تلویزیونهای بی بی سی، آمریکا، اسرائیل، آلمان، فرانسه و... در بخش زبانهای اروپایی و ژده خلیج فارس و یا فقط خلیج بکار می برند ولی در بخش عربی خود از کلمه خلیج عربی بجای خلیج فارس استفاده می کنند در حالیکه همین رسانه ها در بخش فارسی از عبارت خلیج فارس استفاده می کنند و از نظر آگاهان سیاسی این امر نفاق آنها را در ارتباط با این موضوع ثابت می کند. رسانه های گروهی بعضی از کشورهای عربی در طول ۲۰ سال گذشته طی صدها مقاله، تفسیر، مصاحبه و کتاب سعی در مخدوش کردن اذهان نسبت به نام خلیج فارس نموده اند و ادعا های بی پایه و اساسی را در رابطه با تمامیت ارضی ایران مطرح کرده اند، بطور نمونه مطبوعات عراق و کویت در سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۵ بارها مهاجرت ایرانیان به دول خلیج را به مهاجرت یهودیان به بیت المقدس تشبیه کرده بودند و مجله "العربی" ارگان وزارت تبلیغات کویت از اولین نشریات عربی است که در سال ۱۹۵۸ به اینگونه تبلیغات دامن زده است. ابراهیم راشد الدعیح در روزنامه السیاسه کویت مورخ ۸۱/۳/۲۵ مجدداً این عبارت تکراری را نوشت: "مرزهای میهن بزرگ عربی از خلیج عربی تا اقیانوس آرام ادامه دارد، خصومت ما با صهیونیستها به این دلیل نیست که آنها یهودی هستند بلکه دشمنی ما به این دلیل است که بخش مهمی از سرزمین بزرگ عربی را غصب کرده اند، بنابراین، دیدگاه ما نسبت به کسانی که حتی یک وجب از خاک میهن عربی را غصب کنند، یکسان است. چه زمانی ایران جزایر امارات را به صاحبان قانونی آن باز می گرداند؟ و..."

اگر چه دولت ایران برای پرهیز از تحریک مسایل قومی و نژادی از بدو انقلاب هیچگاه در صدد پاسخ گوئی به مطالب تفرقه آمیز و قوم گرایی رسانه های گروهی عربی نبوده است. اما بدون تردید تبلیغات ضد ایرانی و قوم گرایی بعضی مطبوعات و رسانه های گروهی عربی اثرات منفی در مسیر همبستگی ایرانی و عربی گذاشته و افکار عمومی مردم ایران را و افکار اعراب را نسبت به حسن نیت و نقش سازنده و تاریخی ایران دچار تردیدهایی نموده است که اینک در میان بسیاری از اقشار مردم ایران آن شور و شغف سالهای اول انقلاب نسبت به منافع کشورهای عربی و حتی مشکل فلسطین (که آرمانهای انقلاب بر پایه رهایی آن قرار داشت) مشاهده نمی شود و این اثرات زیانبار قوم گرایی افراطی عربی است.

د. نویسندگان استخدامی

در سال ۱۹۵۷ آقای رودریک اووین کارگزار بریتانیا در خلیج فارس، کتابی منتشر ساخت که تحت عنوان "الفقاهه الذهبیه- وثائق الخلیج العربی" در کشورهای عربی ترجمه و تکثیر گردید. در این کتاب استعماری که به سندی برای اعراب تبدیل شده است چنین آورده است:

"من از همه خلیج فارس بازدید نمودم و معتقد بودم که آنجا خلیجی فارسی است زیرا هیچ نقشه و سندی را ندیدم مگر آنکه از این مکان بنام خلیج فارس نام برده بود ولی هنگامیکه از نزدیک سواحل آنرا دیدم دریافتم که مردم سواحل همه عرب هستند بنابراین ادب حکم می کند که آنرا خلیج عربی بنامم".

در پاسخ به این دروغ استعماری و تاریخی چند مطلب وجود دارد ۱- ایرانیانی که در سواحل خلیج زندگی می کردند اعم از عرب زبانها و یا کسانی که به بندری معروف هستند و شامل طوایف مختلفی اعم از مکرانی (بلوچ، سیستانی) بندری، لر و خوزستانی هستند از نظر فرهنگ، پوشش و آداب و رسوم و حتی زبان بسختی از عربها متمایز می شدند حتی اکثر کتب نویسندگان ایرانی، کتیبه ها و نوشته های بناهای تاریخی ایران در طول یک دوره تاریخی ۶۰۰ ساله به زبان عربی است و به همین دلیل ایرانیان بندری که در طول ۱۵۰۰ سال گذشته به سواحل آفریقا مسافرت نموده اند و تمدن افرو شیرازیهای کیلوا، تنگه، زنگبار و سفالا را بوجود آورده اند نیز نزد غربیها به "عربهایی که از پارس آمده اند! موسوم گشته اند. دوم اینکه مطابق آماري که خود کارگزاران انگلیسی از مستعمره های خود در سواحل عربی منتشر ساخته اند، جمعیت ایرانی تبار کویت، بحرین دبی و سواحل عمان را ۲۷٪ عنوان نموده اند. در همین سالهای اخیر جمعیت غیر عرب سواحل امارات ۵۷٪ عنوان شده است. بعلاوه اینکه در طول ۱۰۰۰ کیلومتر سواحل ایران عرب زبانها بسختی ۵٪ جمعیت را تشکیل می دهند بنابر این، استناد نویسندگان عرب به مغلطه های مزورانه و غیر منطقی این

کارگزار استعماری چه جایگاهی دارد. نویسندگان ذیل در نوشته های خود ادعاهایی مشابه رودریک اوون را تکرار کرده اند.

الخلیج العربی، قدری قلجی، شرکه المطبوعات للتوزیع و النشر، طبع الثانی بیروت، ۱۹۹۲. صص ۱۴-۱۱ یکی از نکات تحریف آمیز و کذب تاریخی این کتاب آن است که نویسنده مصری مدعی شده است که در دوره حاکمیت پارسها بر خلیج فارس آنها اصولاً فاقد دریانوردی و حضور در دریا بوده اند اگرچه این تحریف بزرگ تاریخی را خود این نویسنده در صفحه ۷۱ در همان کتاب و در مبحث "عهد الفارسی" فی الخلیج" به روشنی پاسخ داده است و از نویسندگان یونانی نقل کرده است که چگونه در ۲۰۰۰ سال قبل ناخدایان ایران کالاهای تجاری را از چین و سیلان تا شرق آفریقا و مصر حمل و نقل می کردند،

در راستای عربی جلوه دادن و با هدف معشوش ساختن اذهان در مورد نام خلیج فارس همچنین کتابی تحت عنوان "الوسیط فی تاریخ الخلیج فی العصر الاسلامی الوسیط" در عمان به چاپ رسیده و نویسنده بطور کینه آمیزی و با عقده گشایی های غیر منطقی بدون آنکه ادعاهای خود را مستند به شواهد تاریخی سازد، بر اساس اینکه نام دریای ادنا و اسفل در یک متن آشوری آمده است خواستار عربی نامیدن خلیج شده است ولی روشن ساخته است که چه ارتباطی میان توصیف ادنا و اسفل و یا شوری با عربیت خلیج وجود دارد ولی به استناد به نامهای فوق مدعی عربیت برای این گستره آبی شده است و به عیث با نقل قولی مخدوش و دروغین از نیبور جهانگرد ۱۷۶۳ کوشیده است سندی بنفع ادعاهای خود ارایه نماید. گفتنی است نیبور در سراسر کتاب خود نیز خلیج فارس را با همین نام و ابوموسی را بنام بوموف نام برده و در نقشه ترسیمی آنرا برنگ ایران ترسیم کرده است. همانطور که گفته شد کلمات بالا و پایین و یا شور نام جغرافیایی نیست بنا بر این اولین نام جغرافیایی خلیج، در واقع همان خلیج فارس و معادلهای آن در زبانهای مختلف بوده است.

الصراع علی خلیج العربی، عبدالرحمن النعمی، دار الکنوز الادبیة- الطبعة الثانیة بیروت- ۱۹۹۴ .
الجزر العربی الثلاث و موقف القانون الدولي من احتلالها بالقوة، جابر ابراهیم الراوی، وزارة الثقافة و الاعلام العراقیة، السلسله الاعلامیة رقم ۴۲ العام ۱۹۸۱ ص ۳ .

الخلیج العربی فی الاستراتیجیات الاستعماریة و البریطانیة خاصه، هادی طعمه، مطابع الجمهوریة- السلسله الصحیفیة، بغداد- ۱۹۷۱- صص ۱۰-۱۱

مساله الجزر فی الخلیج العربی و قانون الدولي، محمد عزیز شکری- دمشق ۱۹۷۲. صص ۲۶-۲۷
الجزر العربیة الثلاث دراسه تحلیلیة، قانونیة، عمار قاسم عوض، دانشگاه دمشق، دانشکده حقوق، مطبوعه الیازجی. ۱۹۹۷ صص ۲۶-۲۷،

الجزر العربیة الثلاث تقدیم و اشراف خالد بن صقر ولیعهد و نایب الحاکم راس الخیمه، الوقایع و التاریخ یوکدان عربیة الجزر و الخلیج. احمد تدمری، راس الخیمه. ۱۹۹۵

- الخلیج العربی دراسه فی تاریخ العلاقات الدولیة و الاقلیمیة، فتحیه نبرای و محمد نصر مهنا، ناشر منشآت المعارف، اسکندریه بی تا .

الخلیج العربی و المحرمات البریطانیة الثلاث (۱۷۷۸- ۱۹۱۴) عبد الوهاب احمد عبد الرحمن، مرکز زاید للتراث و التاریخ الامارات العربیة المتحدہ، العین ص پ ۲۳۸۸۸، عام ۲۰۰۰

د. جمال زکریا قاسم - الخلیج العربی - دار الفکر العربی - قاهره، اینها نمونه ای از کتب عربی است که با بودجه سازمانهای دولتی و خصوصی عربی منتشر و بدون اینکه حرمت تاریخ و حق همسایگی و هم کیشی را بجای آورند پیشنهاد کارگزار استعمار پیر انگلیس را مورد تقلید و تکرار قرار داده اند.

تحریف اسناد تاریخی

بعضی از نویسندگان افراطی عرب در سالهای اخیر تنها به تغییر نام های تاریخی اکتفا ننموده بلکه به تحریف اسناد معتبر تاریخی نیز پرداخته و در ترجمه اسناد و کتب تاریخی نام خلیج فارس را به خلیج عربی و یا به خلیج ترجمه کرده اند. دولت امارات عربی که در طرح ادعاهای واهی خود در مورد جزایر سه گانه فقط به اسناد و مکاتبات کارگزاران انگلیسی متکی می باشد در ترجمه مکاتبات اداره آرشیو بریتانیا در همه موارد "خلیج فارس" را به خلیج عربی و یا به خلیج ترجمه کرده و بعضاً در ترجمه متن نیز دستکاری و تغییراتی انجام داده اند. یک نمونه از این موارد کتاب - الجزر العربیة الثلاث تقدیم و اشراف صاحب السموالشیخ خالد بن صقر ولیعهد و نایب الحاکم راس الخیمه، الوقایع و التاریخ یوکدان عربیة الجزر و الخلیج. راس الخیمه ۱۹۹۴ و کتاب "النزاع بین دوله الامارات العربیة و ایران حول جزر ابوموسی و تنب الکبری و الصغری فی الوثایق البریطانیة". ولید حمیدی اعظمی. دار الحکمه ۱۹۹۳. لندن. و همچنین نقشه های کتاب اطلس مقدس کارل راسموسن ترجمه عبد المسیح چاپ دار الثقافة القاهره در ۶۰ نقشه که در کتاب اصلی با نام خلیج فارس ترسیم شده در ترجمه عربی بر خلاف قانون مالکیت معنوی و اصل رعایت امانت همه این نقشه ها به خلیج عربی تحریف شده اند

در ترجمه کتاب راهنمای خلیج فارس لوریمر به زبان عربی تحت عنوان الدلیل الخلیج که زیر نظر شیخ خلیفه آل ثانی امیر قطر ترجمه شده است در تمام ۵ جلد کتاب Persian Gulf به خلیج عربی ترجمه شده است در کتاب دیگری که تحت عنوان الجغرافیا التاریخیه للعالم الاسلامی تألیف موریس لومبارد، استاد در دانشگاه پاریس توسط دارالفکر دمشق چاپ و در تمام کتاب Persian Gulf به خلیج عربی ترجمه شده است موارد دیگری از این قبیل بسیار زیاد است و مجال پرداختن به همه آنها نیست.



توقعات عربی

انتظارات جامعه ایرانی . آیا دوستی پایدار ممکن است؟

پاسخ به ۳ مقاله عربی. جمعه ۲۳ جولای ۲۰۰۲ - ۸۱/۵/۴ الاهرام تحت عنوان "جزر العربیه المحتله" و مقاله شنبه مورخ ۲۰ جولای تحت عنوان "ثوره مصر ساعدت علی تسمیه بالخلیج العربی بدلا من الفارسی" و مقاله الاهرام اقتصادی ik/ahram.Org.eg شماره ۱۵-۱۷۳۶-۱ آوریل ۲۰۰۲ :

۳۰ سال است که این تحریف در رسانه های عربی شامل ۵۰ شبکه تلویزیونی ۲۰۰ رادیو و ۳۰۰ روزنامه و مجله ادامه دارد و این اولین بار است که دانشگاه سکوت خود را شکسته است؟! از جمله این رسانه های مغرض رسانه های دولتی امارات است.

در طول ۱۰ سال گذشته رسانه های گروهی امارات طی بیشتر از ۱۵۰ مقاله، گزارش و یا تحلیل خبری به خود اجازه داده اند که در امور داخلی ایران و مسائل مرزی آن دخالت کنند و این در حالی است که مطبوعات و محافل علمی ایران با این توجیه که نباید به مسائل تفرقه آمیز در جهان اسلام دامن زد در مقابل دخالت های ناروای ابوظبی، سکوت کرده اند سکوتی که بهای سنگینی برای منافع ملی ما داشته و بهای آن را نسل آینده باید بپردازد.

با پایان یافتن جنگ عراق با ایران موانع توسعه روابط دوستانه با کشورهای عربی بسادگی قابل حل و فصل بوده و هست اما یکی از کدورت های جامعه ایرانی با اعراب در طول سال های گذشته اقدامات خود سرانه جمع اندکی از کارگزاران اماراتی است که در تمام اجلاس های اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس توانستند آراء خود را بر مصوبات این تشکیلات تحمیل نمایند و به تحقیر و تجاهل ارزش های تاریخی، ملی و دینی ایرانیان پرداخته و باعث خشم جامعه ایرانی شوند بطوری که بعضی از محافل با بهانه قرار دادن تلاش این گروه از اعراب برای تغییر نام خلیج فارس و ادعاهای واهی عربی بودن جزایر سه گانه از سوی آنها را بهانه ای قرار داده اند تا به نفرت ایرانی عربی دامن بزنند. و این اقدامات، اثرات منفی زیادی در جامعه به همراه داشته است. متأسفانه رسانه های عربی همواره به طرح ادعاهای یکسویه پرداخته اند و کمتر به قضایای عادلانه نشسته اند. اما در این رابطه نویسندگان آگاهی در کشورهای عربی نیز هستند که هر چند گاهی اشاراتی به اینگونه موانع در جهت همبستگی ایرانی عربی با نظر به هردو سوی مسئله می نمایند. مجله الاهرام www.ahram.org.eg/arabi در شماره ۲۱۹ اگوست ۲۰۰۱ متن کامل مصاحبه آقای مجدی عمر معاون اول سابق شورای دفاع ملی مصر را چاپ نموده است.

وی در بخشی از سخنان خود چنین گفته است: "همبستگی ایرانی و عربی همواره یک آرزو بوده است ولی بعضی خطاهای تاریخی و اشتباهات فعلی مانع تحقق این ایده می شود. مثلاً نسل من در ایام مدرسه در کتب و نقشه ها با لفظ خلیج فارس سر و کار داشتیم ولی بعد از مدتی به آن خلیج عربی اطلاق کردیم. این غیر

منطقی، رزالت و پستی است. این که چند کشور عربی در اطراف آن باشد دلیل نمی شود که نامی تاریخی را تغییر دهیم، حال برای اینکه خود را از این مخصه نجات دهیم فقط آنرا خلیج می نامیم، کدام خلیج؟! مگر خلیج بدون نام هم می شود.

در کتاب "مصر و ایران صراع الامن و السياسه" صالح وردانی، قاهره، مکتبه نخرش ۱۹۹۵. ص ۶۱-۸۰ و ص ۸۱-۹۶ نیز بخوبی به اهمیت همبستگی ایرانی و عربی پرداخته و اتهامات وارده به ایران را در زمینه صدور ناامنی و یا زیاده خواهی رد نموده است.

- در کتاب "تطوير العلاقات المصریه الایرانیه" مجموعه نویسندگان، چاپ موسسه مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام ۲۰۰۲. قاهره در ص ۱۹۰ به نقل از آقای دکتر عبد المنعم سعید رئیس مرکز تحقیقات سیاسی و استراتژیک الاهرام چنین آمده است: "مسائلی که باعث کدورت ایرانیان می شود را باید برطرف ساخت، مثلاً در مورد نام خلیج به صراحت تمام بگویم هیچ مدرک و سند تاریخی ندیدم که نام خلیج فارس را بتوان مستند بر آن تغییر داد. تمام نقشه ها و کتب تاریخی و حتی بعضی از سخنرانیهای ناصر و رهبران انقلاب از خلیج فارس صحبت شده است.

اگر تغییر نام خلیج باعث کدورت مردم ایران است چرا به حقیقت اعتراف نمی کنیم. باید شجاعت داشت و این در حدود موازین علمی است.

از سوی دیگر از جمله مهمترین توقعات عربی از دولت ایران، عدم حمایت و عدم ترغیب اقلیتهای شیعه به مبارزه علیه دولتهای عربی، بوده است که امروزه بر همگان ثابت شده است که ایران هیچگاه در صدد بی ثباتی همسایگان خود نبوده است مورد دوم توقعات نابجای دولت امارات عربی است. در طول ۲۰ سال گذشته که انقلاب ایران هم و غم خود را به مسائل جهان اسلامی و منافع مسلمانان و دفاع از مسلمانان مظلوم فلسطین معطوف داشته است و بویژه در طول ۱۰ سال گذشته در مطبوعات امارات بیشتر از یکصد مقاله و تحلیل و خبر و حدود ۲۰ کتاب که همگی تکرار مکررات هستند در مورد جزایر سه گانه ادعاهای واهی و تکراری را مطرح کرده اند ولی باید دانست اینگونه اقدامات ضد ایرانی هیچ جایگاهی در افکار عمومی عربی ندارد و مقامات سایر کشورها نیز بیشتر بصورت تشریفاتی با ادعاهای اماراتی ها همراهی می کنند و به حقیقت واهی بودن آن ادعاها واقف هستند به همین دلیل و نظر به اینکه مطالب و نوشته های آنها فاقد ارزش حقوقی، تاریخی و علمی بوده و بدلیل اینکه اینگونه مطالب مطبوعات مذکور فاقد اصالت و چهارچوب مطبوعاتی، تحقیقاتی و فاقد وجهه علمی هستند، مطبوعات ایرانی اهمیتی برای آن قائل نبودند و برای جلوگیری از تفرقه در جهان اسلام از پاسخ گویی به آن خودداری می کردند اگر چه این سکوت، بعضی افراد در حاکمیت ابوظبی و شارجه که بخاطر مقاصد و اغراض شخصی خود و بر خلاف منافع عربی اسلامی در راستای سیاستهای ایرانی ستیزی صدامی قدم بر می دارند را گستاخ تر نموده است. اما به هر حال ایران سیاست تنش زدایی را همچنان دنبال می کند البته این به معنی آن نیست که هرگونه تحقیر و سیاست مداخله جویانه را تحمل نماید. اتفاقاً مطبوعات ما باید گفتگوی انتقادی را با کشورهای معاند دنبال کنند و حداقل پاسخ مقالات مطبوعات کشورهای را که ناخواسته در گرداب مغلطه ها، ادعاهای و توقعات واهی امارات می افتند پاسخ گویند تا حقایق بر امتهای عربی روشن گردد.

پاسخ به ادعای واهی امارات :

در این جهت لازم است که به توقع نابجای اماراتیها در مورد جزایر سه گانه ایرانی که آخرین مورد آن در خبر منتشر شده در مورد سخنرانی وزیر خارجه امارات در مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۸۱/۶/۲۹ و همچنین اجلاس و رزای خارجه عرب ۸۱/۶/۱۷ در قاهره که در روزنامه های عربی از جمله الاهرام بازتاب داشت و به مقاله جمعه ۲۳ جولای ۲۰۰۲ - ۸۱/۵/۴ الاهرام تحت عنوان "جزر العربیه المحتله" و مقاله شنبه مورخ ۲۰ جولای تحت عنوان "ثوره مصر ساعدت علی تسمیه بالخلیج العربی بدلا من الفارسی" و مقاله الاهرام اقتصادی ahram.org.eg/ik شماره ۱۷۳۶-۱۵ آوریل ۲۰۰۲ در حد وسع دانشجویی خود پاسخ گویم و حداقل بعضی از اسناد تاریخی که ثابت می کنند نه خلیج عربی است و نه جزایر عربی و اشغال شده را ارائه نمایم.

تمامی کتب و صدها مقاله نوشته شده در رسانه های گروهی امارات متحده در خصوص عربی بودن خلیج فارس و جزایر سه گانه تنها از سوی سه نویسنده استخدامی نگارش شده که اتفاقاً هیچکدام تابعیت اماراتی ندارند و بدلیل ضعف اطلاعات تاریخی، حقوقی و کمبود تجارب روابط بین المللی نویسندگان آنها، فاقد استدلال های منطقی و علمی بوده و مطالب از روی تعصب نژادی و قومی نوشته شده است، اما از آنجا که نویسندگان موسسه مطالعات الاهرام اهل منطق و استدلال هستند و روزنامه اهرام با ۱۳۰ سال قدمت قدیمی ترین و مهمترین روزنامه عربی است و بارها مطالب ارزشمندی هم در دفاع از ایران نوشته است و از جمله

در اهرام ۲۱۹ و در کتاب تطویر العلاقات الايرانية و المصر، صراحتاً از اصیل، تاریخی و یگانه بودن نام خلیج فارس و نقش تاریخی مثبت ایرانیان دفاع شده است، مطبوعات مصر در طول ۱۳ سال جنگ با اسرائیل و دوره های بعد از آن همواره با گفتگوی انتقادی، ضمن پاسخ به ادعاهای آنها تبلیغاتی صهیونیستی را علیه مصر خنثی نموده اند و این نشانگر توانایی مطبوعات مصر بوده است.

عبارت “الجزء العربيه المحتله في الخليج العربي” (جزایر سه گانه عربی اشغال شده در خلیج عربی) که شماره تیرماه و در مقالات متعدد ریی در الاهرام تکرار شده است و بطور مکرر در رسانه های عربی بویژه ابوظبی نیز بکار می رود و حداقل ۱۲۰ مقاله از این نوع توهومات در وب سایت www.alkaleej.org.ae موجود است را مورد بررسی قرار می دهیم و پاسخهای مختصری ارائه می کنیم.

ابتدا به ادعای عربی بودن خلیج و سپس به ادعای عربی بودن جزایر سه گانه بطور موجز می پردازیم روزنامه الاهرام ahram.org.eg در شماره روز شنبه ۲۰ مه ۲۰۰۲ در مقاله ای تحت عنوان “انقلاب ناصر به تغییر نام خلیج فارس کمک کرد.” یکبار دیگر در مقاله خود ناچار شد به این حقیقت اعتراف کند که: “از نظر تاریخی بدلیل قدرت برتر امپراتوری پارسی این ابراه در طول تاریخ خلیج فارس نامیده می شد و لی به یمن اثرات قومی و ملی انقلاب ناصر به خلیج عربی تبدیل گردید.” به عبارت دیر

با جمله فوق ما هم موافقیم اما اینکه نویسنده مدعی شده است که در حال حاضر نام خلیج به خلیج عربی تبدیل شده است این يك توهم و ادعای واهی است، چون ممکن است در بعضی رسانه های عربی از جمله تلویزیون های MBC که از سوی ابوظبی تامین مالی می شود برخلاف منطق و اصول علمی و عرف بین المللی چنین تحریفی صورت بگیرد و با تطمیع دلارهای نفتی بعضی نویسندگان غربی نیز در این راه همسو گردند و لی تاریخ را نمی توان فروخت، ۶۰۰۰ نقشه تاریخی موجود در موزه ها، آرشیوها، کتابخانه ها و بایگانی مراکز کارتوگرافی و مراکز جغرافیائی و ۲۵۰ کتاب تاریخی مربوط به دانشمندان سه هزار سال گذشته که نام خلیج فارس را به همراه دارند را نمی توان تحریف کرد، بعلاوه اینکه خود مطبوعات عربی تاکنون دهها بار در جراید عربی بطور نمونه در مجله الاهرام عربی شماره ۲۱۹ روزنامه اهرام و در کتاب هایی همانند الخلیج الفارسی عبر القرون چاپ قاهره و همچنین در کتاب “تطویر العلاقات المصریه الايرانية” به مزورانه بودن و جعلی بودن نامی غیر از خلیج فارس اعتراف کرده اند.

تمامی نقشه ها و اطلسها و کتب مهم تاریخی در همه جای دنیا چه در قرون قبل و بعد از میلاد مسیح و چه در دوره اسلامی و دوره معاصر، همواره شاهراه آبی جنوب ایران را با نام خلیج فارس و نامهایی مترادف با آن ثبت نموده اند. در کشورهای غیر عربی هم اکنون بندرت و آنهم در اثر اشتباه و یا تطمیع بعضاً نام مجعول بکار می رود. هنوز علی رغم هزینه سنگین بعضی کشورهای عربی رسانه های گروهی معتبر جهان نام اصیل و تاریخی را حفظ نموده اند. در کشورهای عربی نیز در همه کتب درسی و نقشه های رسمی همواره تا دهه ۷۰ نام خلیج فارس بکار برده شده است، مانند: اطلس “العراق في الخوارط القديمه” دکتر احمد سوسه، المجمع العلمي العراقي، مطبه المعارف بغداد، ۱۹۵۹. این اطلس مشتمل بر ۴۰ نقشه از منابع عربی قرون وسطی با ذکر نام خلیج فارس است. و هنوز هم بسیاری از نویسندگان بیطرف عربی که تطمیع نمی شوند اصالت این نام را در نوشته های خود رعایت می کنند.

حتی در سالهای اخیر مقامات حکومتی و دواير دولتي عربی برای اثبات ادعاهای ارضی خود علیه یکدیگر تاکنون چندین اطلس نقشه های تاریخی را که در آنها نام خلیج فارس ثبت شده است منتشر کرده اند در طول يك دهه گذشته کشورهای عربی در مورد اثبات ادعاهای ارضی خود نسبت به یکدیگر نقشه هایی تاریخی را در رسانه های گروهی خود منتشر و بعضاً به عنوان سند به دیوان بین المللی لاهه تقدیم نموده اند که در آنها خلیج فارس با همین نام توصیف شده است. از جمله:

۱- در دعاوی ارضی قطر و بحرین، ۲- در دعاوی عربستان و قطر ۳- دعاوی یمن و عمان در نقشه ها، اسناد و قراردادهای مورد استفاده آنها نام خلیج فارس بکار رفته است. همانطور که در فصول قبل توضیح داده شد. در کویت و امارات چند اطلس تاریخی که در همگی نقشه های موجود در آن نام خلیج فارس ثبت شده است به چاپ رسیده است. در کتاب دیگری بنام “ریشه های کویت” (اصول کویت المنشور العام) که در سال ۱۹۹۱ در هلند به چاپ رسیده است ۱۵ نقشه تاریخی وجود دارد و جالب اینکه نقشه روی جلد کتاب که از منابع هلند مربوط به سال ۱۶۶۰ میلادی است نام خلیج فارس را در بردارد

نقشه دیگری که یکی از مهمترین استنادات کویت که در هر سه اطلس مذکور به چاپ رسیده است، نقشه ۱۷۶۲ کارستون نیبور دانمارکی است در نقشه مذکور تحت نام نقشه خلیج فارس، جزایر سه گانه با نام ایرانی بومف و تنمب متعلق به ایران به ثبت رسیده است. در حالیکه نویسندگان زیادی در کشورهای عربی از یک جمله وی در مورد عرب بودن ساکنان جزایر سوء استفاده های زیادی کرده اند.

نمونه ای از صدها نقشه تاریخی موجود در کتب و منابع مختلف غیر عربی که نام خلیج فارس بر آنها ثبت و در اعماق تاریخ ریشه های آنرا مسنحکم گردانیده است را ارائه نمودیم. و مشخص ردید که نام خلیج فارس حدود سه هزار سال در تمام کتب سفرنامه نویسان، سیاحان مورخین و نقشه نگارهای جهان که از این منطقه

جغرافیایی بازدید کرده اند مزین بوده است و آثار و کتب بیشتر از ۲۰۰ دانشمند، مورخ، سیاح، جغرافیانویس و دریانورد اسلامی و عربی از صدر اسلام تا قرون اخیر در کتابخانه های جهان به زبانهای مختلف وجود دارد که هیچکدام پهنه آبی جنوب ایران را خلیج عربی ننمیده اند بلکه برعکس تمامی آنها این پهنه آبی را دریای پارس، بحر فارس و یا خلیج فارس نامیده اند. بیشتر از شش هزار نقشه تاریخی از عصر هردوت و اسکندر مقدونی تا قرن اخیر در کتابخانه ها، موزه ها اطلس های در سراسر جهان وجود دارد که با زبانهای مختلف این پهنه آبی را مترادف با خلیج فارس نامیده اند.

بنابراین خلیج فارس يك حقیقت تاریخی و یادآور دوره ای از تاریخ تمدن منطقه خلیج فارس است و همانطور که ملل متمدن از تغییر نامهای تاریخی پرهیز می کنند مصریها در حفظ نامهایی مانند اسکندریه، سالوم- سینا- اسیوط- سویز کوشیده اند و جمهوریهای شوروی سابق در حفظ مجسمه ها و آثار تاریخی دوره شوروی به عنوان بخشی از تاریخ ملی خود کوشیده اند هر فرد خلیجی متمدن نیز برخورد واجب می داند که این نام را به عنوان بخشی از تاریخ تمدن خود حفظ کند.

توطئه انگلیس یا ناصر!؟

برخلاف ادعای مقاله اهرام و برخلاف تصور افکار عمومی مردم ایران، و روشنفران عرب پژوهش ها نشان می دهد که جمال عبد الناصر اصلاً بانی تغییر نام خلیج فارس نبوده بلکه این امر يك توطئه همدردان و ظریف استعماری بوده است. در ابتدا استعمار که تصور می کرد تا ابد خلیج فارس را در سلطه خود خواهد داشت، این خلیج را دریاچه بریتانیا نامید و چون این نام بی مسما مقبولیت نیافت در سال ۱۹۵۱ زمانیکه از شرکت های استعمار گر نفت انگلیس در ایران خلع ید و اموال آنها مصادره گردید. ماموران استعمار که در ترور رهبران ملی کردن نفت ایران ناکام ماندند به ترور نام خلیج فارس اقدام نمودند.

کارگزاران انگلیس در منطقه و بویژه کارگزار سیاسی انگلیس در بحرین نام ساحل عربی و خلیج عربی را در مکاتبات خود مطرح کردند و سپس این توطئه با انتشار کتاب "خلیج عربی" کارگزار انگلیس رودریک اوین در سال ۱۹۵۷ تکمیل گردید. انتشار این کتاب بلافاصله در رسانه های گروهی عربی که به تازگی از سیطره حقاترهای استعمار رهایی یافته بودند، بازتاب گسترده یافت، و این همسایگان عرب بدون توجه به ظرافت توطئه استعمار، سلاح قلم را بدست گرفتند و به ترور و تخریب نام سه هزار ساله خلیج فارس پرداختند و بویژه ماهنامه العربی ارگان وزارت تبلیغات کویت از سال ۱۹۵۸ تبلیغات گسترده ای را در این زمینه شروع کرد که اگر سیاست صبورانه و خویشننداری ایران نبود این توطئه می توانست به بحرانهایی خطیر میان ایران و اعراب منجر شود. اما جنگ روانی در واقع از سوی آندسته از کشورهای که فاقد يك هویت و اصالت تاریخی بودند ادامه یافت این در حالی است که در مصر حتی در کتاب انورسادات بنام طغیان رود مصر ۱۹۵۷ نام خلیج فارس بکار رفته و ناصر نیز حدود جهان عرب را از خلیج فارس تا اقیانوس آرام نامیده است. و هنوز هم بعضاً در کتب چاپ مصر خلیج فارس بکار می رود.

در اینکه نام اصلی و تاریخی خلیج فارس همواره همین نام بوده است، نویسنده اهرام درست می گوید اما در اینکه انقلاب ۱۹۵۲ مصر به تغییر آن منجر شده باشد، حرف بی ربطی است بلکه در ابتدا این يك توطئه انگلیسی بود و بعد در میان ناسونالیستهای افراطی مانند صدام حسین طرفدارانی پیدا کرد. در ایران نیز تقریباً همه بر این پندارند که تغییر نام خلیج فارس به دعوت ناصر انجام گرفته است و به همین دلیل حتی در محافل دانشگاهی برای این اقدام، وی را نفرین می کنند. واقعیت این است که این تصور غلطی است ناصر يك انقلابی ناسیونالیست عرب بود ولی در عین حال وی دارای همسر ایرانی بوده است و هیچگاه مشوق تفکرات ستیزه جویانه با ایرانیان نبوده است.

۵۰ سال سردی روابط ایران و مصر به این تفکر غلط دامن زده است برخلاف آنچه در ایران تصور می شود در قاهره که با جمعیت ۱۵ میلیونی خود صدها مجله و روزنامه مرکز فرهنگی و ادبیات عرب است و بسیار مورد توجه جهانیان قرار دارد، هنوز هم متفکرانی هستند که با شجاعت از اصالت تاریخی نام خلیج فارس دفاع می کنند، در کتب و مجله های و یادر کتابهایی که از زبانهای اروپائی ترجمه می شود Persiangulf را با حفظ امانت خلیج فارسی ترجمه می کنند، این در حالی است که در سایر کشورهای عربی، بویژه در ابوظبی برخلاف اصول مالکیت معنوی و برخلاف عرف بین المللی کتابهایی که ترجمه می شود واژه P.g به خلیج عربی ترجمه می شود تفرقه می عربی، فارسی همواره از سوی افراتیون عرب دامن زده شده است و هم اکنون از سوی اطرافیان حکام شارجه و ابوظبی به آن دامن زده می شود.

توطئه استعماری فارسی ستیزی نیم قرن قبل توسط کارگزاران استعمار در خلیج فارس شروع شد و بعضی از مطبوعات عربی هنوز به آن دامن می زنند که انتظار می رود که دیگر این روند متوقف گردد. وارونه کردن چنین حقیقت مسلمی، خطرات مادی و معنوی زیادی در آینده برای اعراب و جهان اسلام دارد. قلب کردن این حقیقت می تواند رهبران و سیاستمداران عرب را نزد جهانیان دروغگو و متقلب معرفی نماید و آنگاه مشروعیت ادعاهای اعراب در موضوعات اساسی همانند حقانیت سرزمینهای اعراب و اسرائیل نیز زیر سؤال خواهد رفت.

اینجانب به عنوان يك روزنامه نگار و مدرس دانشگاه قصد ندارم دادخواستی علیه سوء استفاده و سرقت ادبی، ستیزه جوئی قومی، فارسی ستیزی، تبعیض نژادی، برتری طلبی و توسعه طلبی، نقض مقررات مالکیت معنوی و ... که در طول ۳۰ سال گذشته از سوی عده ای معدودی از افراد مغرض و ناآگاه و عمده استعمار صورت گرفته را ارائه نمایم. چون این کار وظیفه تشکیلات دولتی است ولی آنها تا کنون این قضایا را به سکوت گذرانده اند و همواره پاسخ گوئی به اتهامات را به وقت مناسب موکول نموده اند. دلیل آنها این است که پرداختن به اینگونه اتهامات ناروا و نژادگرایانه علیه ملت ما منجر به معطوف شدن اذهان به مسائل قومی می شود امری که شدیداً از سوی رهبران ایران مذموم شمرده می شود.

ایران کشور کثیرالملت است و حداقل ۳۰ قوم و ملیت را در بر می گیرد لذا قوم گرائی جایگاهی در وحدت ملی ایرانیان ندارد به همین دلیل در میان رهبران آن کرد، ترک، عرب و ۰۰۰ می بینیم. اما نژادگرایان و قوم پرستی در کشورهای عربی در ۴ دهه گذشته يك ارزش محسوب می شد و اساس وحدت ملی آنها بشمار می رفت. به همین دلیل با سرقت آثار دانشمندان مسلمان ایرانی و سایرین تمام ارزشهای اسلامی و میراث فرهنگی و ادبی همه کشورهای اسلامی را نیز به عنوان میراث عربی به جهانیان عرضه می کنند. و ایرانیان نیز نسبت به این موضوع همواره بی توجه بوده اند. و نسبت به نام خلیج فارس نیز حساسیت و تعصب نداشته اند، اما آنها در مورد نامگذاری يك خیابان بسیار حساس بودند، يك نمونه کوچک آن نام خیابان خالد اسلامبولی است بطور نمونه ماهنامه شرق در شماره ۱ سال ۲۰۰۱ با چاپ عکسی از تابلو خیابان خالد اسلامبولی، نوشته است

“نامی که به بن بست در روابط دو کشور منجر شده است”

آیا ما هرگز نسبت به تغییر نام خلیج فارس که در واقع اهمال و تخطئه هویت ملی و تاریخی ما است تأسف خورده ایم و یا متأثر شده ایم؟

همانطور که گذاشتن نام يك خیابان در تهران خشم و ناراحتی مسئولین و مقامات و یا مردم مصر را برانگیخته است، باید گفت که تغییر نام خلیج فارس نیز به همان اندازه عواطف و احساسات ملی نسل جوان ایران را خدشه دار و بر ضد اعراب برمی انگیزد، در حالی که مقایسه نام خیابان خالد اسلامبولی با نام خلیج فارس که يك نام تاریخی و اصیل و مقبول جهانی است و اصالت آن برای همه جهانیان مهم است، مقایسه درستی نیست. ولی باید دانست که جنگ نام و کاربرد نامهای سیاسی از سوی هر قوم و کشوری که باشد امری ناپسند است. و نباید با عواطف و احساسات قومی و یا ملی کشورهای بازي کرد.

ایرانیان و اعراب بدلیل سه هزار سال سابقه همزیستی دارای نقاط مشترک زیاد زبانی فرهنگی و دینی هستند. وجود حداقل یکصد و پنجاه کلمه قرآنی و صدها کلمه دیگر در زبان عربی از ریشه فارسی و وجود صدها کلمه عربی در زبان فارسی دلیلی بر قدمت روابط فرهنگی است بطوری که حتی شاهان پارسی قبل از اسلام مانند بهرام گور به زبان عربی شعر می سروده اند و به طواف کعبه می رفته اند. چند قرن ایران و کشورهای عربی دارای دولت واحدی بوده اند چه در دوره امپراتوری پارسی و چه در دوره امپراتوری اسلامی، زبان عربی و فارسی از قبل از اسلام واژه های زیادی از هم قرض گرفته اند و صدها دانشمند ایرانی کتب خود را به زبان عربی نوشته اند و هنوز هم مردم ایران زبان عربی را زبان مقدس و زبان خودی محسوب می کنند این وجوه مشترک ما و اعراب را به زندگی برادرانه و مسالمت آمیز فرا می خواند.

البته باید اذعان نمود که روزنامه اهرام تا حدودی درست میگوید، به یمن قطع روابط ما و مصر و ۳۰ سال سردی روابط با کشوری که مرکز تمدن باستانی خاورمیانه و مهمترین کشور عربی است افرادی متعصب در جامعه اعراب موفق شدند نام خلیج فارس را مخدوش سازند” مصر کشوری است که روزانه ۵ هزار نفر توریست از موزه ملی و اهرام بازدید می کنند و نقش رهبران آن در مسائل خاورمیانه و آفریقا بسیار حساس است. تمام موضوعاتی را که ما بخاطر آنها با مصر روابط خود را قطع کرده ایم امروز با گذشت بیش از ۲۰ سال سالبه به انتفاء موضوع هستند و برخلاف معاهده کمپ دیوید امروزه مصر نقش بسیار حساسی در انزوای اسرائیل و حمایت از منافع فلسطینی ها دارد. و مصر در جهت منافع ملت فلسطین قدمهای بزرگی را بر می دارد.

آیا ما هرگز از خود پرسیده ایم که این سردی و قطع روابط چه منفعی برای ما و جهان اسلام در برداشته است؟! آیا گذاشتن نام قاتل يك رئیس جمهور بر روی نام يك خیابان آنهم بنفع يك گروه افراطی سلفی که حتی ما را دشمن خود می پندارند و هم مسلکان سلفی آنها در افغانستان دیپلماتهای ما را شهید کردند و دو ملت را در آستانه يك جنگ و فاجعه تاریخی قرار دادند؟ برای ما و جهان اسلام منفعی دارد؟ آیا اصلاً گروه قاتلان سادات، کوچکترین علاقه ای به جمهوری اسلامی داشته و ۰۰۰ دارند؟ آیا هم فکران این گروههای افراطی در الجزایر و مصر قتل مردم بی گناه را در جهت منافع فردی خود را جایز نشمردند؟ هنگامیکه دولت جناب خاتمی کار خود را شروع کرد، انتظار جامعه جهانی از برقراری و گسترش روابط با مصر بود در مصر چندین کتاب و مقاله در ضرورت رابطه با ایران چاپ شد و جامعه ایران از برقراری روابط استقبال نمود ولی متأسفانه پس از گذشت ۸ سال از آن زمان، هنوز توقعات مردم ایران و مصر برای روابطی دوستانه

تحقق نیافته است و شاید بتوان گفت این به ضعف وزارت خارجه دو کشور مربوط می شود و گروه های فشار دو کشور در این رابطه نمی توانند نقشی داشته باشند.

خلیج فارس يك دريای نیمه بسته و پهنه آبی بین المللی است و آبهای بین المللی آن میراث مشترك بشریت محسوب می شود، نه ایرانیها قادرند که نام آن را به خلیج ایران تغییر دهند و نه اعراب باید برای تغییر نامی تاریخی تلاش کنند. اگر افرادی متعصب و نژاد پرست می توانند ۱۴۰۰ سال حاکمیت امپراتوری پارس را بر بخشهای عظیمی از خاورمیانه و خلیج فارس، نادیده بگیرند، تاریخ نمی تواند، این بخش از زنجیره خود را فراموش کند. تاریخ زنجیره ای به هم پیوسته است و قطع و نادیده انگاشتن هر بخش از زنجیره تاریخ اهمال و کوتاهی بر کل تاریخ بشریت است.

حاکمیت امپراتوری پارس چه خوب و چه بد بخشی از تاریخ مشترك میان ایرانیان و اعراب است و آثار آن را باید حفظ نمود. خلیج فارس يك ابراه بین المللی است و به همه مردم جهان تعلق دارد و يك یا چند دولت کودتا و یا انقلابی نمی توانند برای تغییر نام این پهنه آبی اقدام کنند، تغییر نام يك جانبه توهین به همه ملت های جهان محسوب می شود.

نام خلیج فارس یادگار ۱۵۰۰ دوره امپراتوری فدرال پارس است که بناها و اسامی و آثار باستانی این دوره میراث بشریت، میراث عربی و اسلامی و جزء افتخارات همه ملت ها و اقوام منطقه خاورمیانه است. عرب ها به خوبی واقف هستند که خلیج فارس جزء معدود نامهایی است که در جهان در طول تاریخ نزد همه اقوام و ملل و همه مورخان، نویسندگان، شعرا و سیاحان به زبانهای مختلف اعم از عربی، لاتین، فارسی و... آن را با همین معنی نگاشته اند این نام حداقل ۲۵۰۰ سال سابقه مکتوب دارد که ۲۰۰ کتاب تاریخی و يك هزار نقشه منحصر به فرد تاریخی در موزه ها، کتابخانه ها و آرشیوها، تاکنون این نام را به ما منتقل کرده اند و خودبخود جزء میراث فرهنگی بشریت محسوب می شود و تخریب آن، همانند تخریب مجسمه های تاریخی بودا در افغانستان، عملی ضد انسانی و مغایر با اصول و اهداف یونسکو و سازمان ملل متحد و مغایر با قطعنامه های کنفرانس یکسان سازی اسامی جغرافیایی می باشد.

از سوي دیگر نظر به اینکه تخریب این نام و فارسی زدائی نوعی قوم ستیزی است و ناشی از برتری طلبی، تبعیض نژادی و فارسی ستیزی است، عملی خصمانه و مغایر با اصول و مفاد کنوانسیونهای سازمان ملل در مورد تبعیض نژادی می باشد.

در حالیکه هیچ قومی در جهان به اندازه فارسها و ایرانیان در تکمیل و تکامل خط عربی، ادبیات عرب و گسترش اسلام و توسعه و نفوذ زبان عربی به ماوراء النهر، چین، هند، شرق آفریقا و... نقش نداشته اند، و همواره زبان عربی را زبان مقدس و خودی دانسته اند و به گواهی تاریخ اکثر امرا، شعرا و کتاب در دوره خلفای اسلامی و بعد از آنها در سراسر جهان اسلام ایرانیها بوده اند. امروزه کسانی هستند که اولاً ۱۵۰۰ سال تاریخ امپراتوری پارس را که بخشی از تاریخ و هویت ملی همه کشورهای خاورمیانه و حتی اروپا است را یا نادیده می انگارند یا در ترجمه این بخش از تاریخ اقدام به تحریف و تجاهل می نمایند، حال اینکه همین افراد، حضور غاصبانه اسکندر را در مصر و بلاد شام به انواع و اقسام شیوه گرامی می دارند و آنرا جزئی از تاریخ ملی خود و با افتخار یاد می کنند. در مصر نه تنها اسامی مانند اسکندریه را که یادگار دوره اشغالگری یونانی ها است حفظ کرده بلکه تعدادی از اسامی خیابانها نیز به نام شاهان و فرمانروایان یونانی. رومی و یا ترکان عثمانی است که یادآور بخشی از تاریخ حضور آنها در مصر است. چطور است که حضور امپراتوری پارس که به مدت بیش از يك هزار سال در خلیج فارس حضور قدرتمندانه ای داشته و حتی بحرین (بهرام) یکی از پایگاههای نظامی آن به شمار می رفته باید از نامی که یادآور آن بخش از تاریخ مشترك ما و اعراب است حذف شود؟

بسیاری از علما و دانشمندان عرب چه در دهه ۵۰ و چه در سالهای اخیر بر اصیل بودن و تاریخی بودن نام خلیج فارس تأکید کرده اند و نام خلیج عربی را غیر علمی و غیرتاریخی خوانده اند.



جزایر سه گانه و حاکمیت سه هزار ساله :

آن هنگام که هنوز مضامینی چون مناطق ژئوپلیتیک در اذهان آدمی مفهومی را تداعی نمی‌کرد، آن وقت که محل برخورد و تماس دو هویت سیاسی - فرهنگی متفاوت به عنوان پایان قلمرو قدرت یک قوم به شمار می‌رفت و خطوط مرزی نه از طریق قوانین بین‌المللی، که از قانون قدرت و سلطه متابعت می‌کرد، اولین حکومت‌ها در کناره‌های شمالی و شمال غربی دریای پارس، اولین تمدن‌های بشری را به وجود آوردند و پایه امپراتوری‌های بزرگ را بنا نهادند. این‌که واقعا شکل‌گیری اولین تمدن‌های بشری مانند ایلام، سومر، آکد و آشور تا چه حد به نزدیکی با سواحل خلیج فارس مرتبط بوده‌اند، هنوز به درستی روشن نیست. اما به نظر می‌رسد، به علت محدودیت تولید و مبادله، هنوز استفاده از دریا به عنوان راه دریایی، نقش خاصی در روابط اقوام و ملل به عهده نداشته است.

دریای پارس و جزایر آن، از جمله بوموسی در روزگار ایلامیان (عیلامیان)، به ویژه در زمان سلطنت «سلیک» ابن شوشیناک (۱۱۵۱-۱۱۶۵ ق.م) تحت تسلط این سلسله بود.

دولت ماد در روزگار هُوخِشتر، به اوج عظمت و قدرت رسید و حدود آن از جنوب به کرانه‌های جنوبی دریای پارس امتداد پیدا کرد. جزیره بوموسی با دیگر جزایر خلیج فارس در این دوره، ابتدا جزو یکی از ایالت‌های جنوب غربی و سپس جزو ساتراپ (استان) چهاردهم دولت ماد به نام «درنگیانه» و بخشی از کرمان بود.

اما به دلایلی مبهم، شاید دوری مرکز حکومت از آب‌های جنوب یا جنگ و نزاع‌های دایمی، فرصت بهره‌مندی از دریای جنوب را پیدا نکردند. پارس‌ها ابتدا در بخش‌های جنوبی ایران سکونت برگزیدند و اولین امپراتوری ایرانی را پایه‌ریزی کردند و نخستین حکومتی که به طور مشخص به آب‌های جنوب ایران توجه خاص مبذول داشت، آن را «دریای پارس» نامیدند.

قلمرو حکومت سلسله هخامنشیان در زمان پادشاهی کوروش، رو به گسترش بود و بعدها در زمان پادشاهی داریوش، تمام آب‌های جنوب (دریای پارس) را در بر گرفت. در این روزگار، جزایر دریای پارس، از جمله جزیره بوموسی به موجب بندهای ستون اول کتیبه بیستون، جزو استان پارس بوده است.

در آن هنگام که سودای تسخیر سرزمین هند و کناره‌های رود نیل در شمال آفریقا، داریوش را روانه یک سفر بزرگ دریایی کرد و حفر ترعه سوئز نتیجه آن بود، «هرودوت»، مورخ مشهور می‌نویسد: «هیئت فرستادگان داریوش از رود سند سرازیر شده و سواحل مکران و ساحل امروزی در دریای عمان را پیموده، به خلیج فارس آمدند و از آنجا از سواحل عربستان گذشته و از «باب‌المنذب» وارد دریای سرخ شدند و سپس با حفر ترعه‌ای به دریای مدیترانه راه یافتند. هنوز پس از گذشت چند هزار سال، همچنان کتیبه داریوش در کانال سوئز به عنوان یادگار دوران اقتدار دریایی امپراتوری ایرانی خودنمایی می‌کند.

در آن دوره، ارتباطات دریایی با اقتدار امپراتوری ایرانی گسترش یافت و جزایر «هرمز» و «خارک» و دیگر جزایر خلیج فارس، دوران رونق و رشد خود را آغاز کردند و به عنوان منزلگاه‌های مهم دریایی شناخته شدند. مقارن همین ایام در سواحل جنوبی دریای پارس، اقوام بیابانگردی از نژاد سامی در سراسر شبه‌جزیره خشک و سوزان عربستان پراکنده بودند که از پرورش دام، امرار معاش می‌کردند. اغلب این اقوام به علت سختی زندگی در صحرائی سوزان داخلی به سمت کناره‌های دریا و امرار معاش از طریق تجارت دریایی کشیده شدند و مراکز تجاری و بندرگاه‌های مهمی چون بحرین، یمن، عدن و مسقط در همین ایام رونق گرفت. در تمام دوران حکومت هخامنشیان و حکومت‌های بعدی سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان اغلب بنادر شمالی و جنوبی دریای پارس و جزایر آن تحت اقتدار و فرمانروایی ایرانیان بود.

در زمان اشکانیان، به ویژه در روزگار سلطنت مهرداد اول (۱۳۸ - ۱۷۱ ق م)، بنادر و جزایر دریای پارس، تحت حکومت این سلسله قرار داشت. عرب‌ها همگی در حجاز و بادیه و مکه و یمن زندگی می‌کردند و کسانی که در حجاز و بادیه‌ها بودند، دچار تنگدستی و قحطی شدند و از بیم اشکانیان نتوانستند به عراق بیایند؛ بنابراین، از حجاز به بحرین رفتند که جزو قلمرو ایران بوده است.

در دوره سلطنت سلسله ساسانیان جزایر و بنادر پارس، جزو قلمرو ایران و کوره (شهر) اردشیر، حوزه استان پارس، جزو پادکسیان نيمروز بوده است.

در این دوره کرانه‌های خلیج فارس توسط ایرانیان تحکیم شد. مقارن با سلطنت اردشیر بابکان (پاپکان)، حاکم بحرین (نسترق) از حکومت مرکزی ایران سرپیچی کرد، اما پس از یک سال محاصره، بحرین به تصرف ایران درآمد و شاه ایران، پسر خود، شاهپور را به فرمانروایی آنجا گمارد.

مقدسی در تاریخ «احس التقاسیم فی معرفة الاقالیم» چنین می‌نویسد: «دو بندر عمده جهان عدن و سحار است، بیشتر مردم عدن و جده پارسیان‌اند... در سحار یکدیگر را به فارسی صدا می‌کنند و به فارسی سخن می‌گویند. سحار، پایتخت عمان است و آن دهلیز چین و خزانه شرق و عراق است و بیشتر مردم آن پارسیان‌اند. همچنین

جده شهري است بر دريا و مردم آن بازرگانانند، چون جده خزانه مکه است و بارانداز يمن و مصر است، بيشتر مردم آن پارسياناند و آنها در کاخهاي شگرف زندگي ميکنند».

احمد اقتداري در کتاب «خليج فارس» مي نويسد: «اردشير ساساني، نخستين شهرياري بود که عربها را پس از آوارگي و پراکندگي و تحمل فشار سپاهان شبه جزيره عربستان (که از آفريقا آمده بودند)، اجازه داد تا در کنار خليج فارس و درياي عمان به خط ساحلي نزديک شوند و پيش از اين، قرينه اي بر اين که در ناحيه وسيع بحرين و عمان و مسقط از يك سو و سواحل دجله و فرات و سرزمين بين النهرين از سوي ديگر، قومي عرب نژاد زندگي کرده باشند درست نيست».

بنابراين آنچه از تاريخ اين دوره خليج فارس برمي آيد، اين است که پس از پيدايش امپراتوريهاي بزرگ ايراني تا پيش از ظهور اسلام، درياي فارس و برخي از شهرهاي ساحلي از مراکز مهم سکونت و تجارت به شمار مي رفتند و درياي فارس در سامان دهی سکونت در اين شهرها، نقش تعيين کننده اي داشت و بالاخره اين که تمام اين نقاط و مراکز مهم تجاري، تحت سلطه و اقتدار ايرانيان بوده يا به ديگر سخن، دامنه قلمرو امپراتوري ايراني، آبهاي خليج فارس را نيز در بر مي گرفته است.

ظهور اسلام:

با ظهور اسلام شرايط تغيير کرد. عربهاي ساکن مرکز به تدريج بر تمام شبه جزيره فايق آمدند. نيمه جنوبي خليج فارس در سده هاي اوليه دوران اسلامي به سمت خاور، عمان و به سمت باختر، بحرين خوانده مي شد. نخستين پيروزي عربهاي ساکن در خليج فارس در زمان خليفه دوم، عمر بن خطاب (۲۳ هـ.ق) صورت گرفت. ابوحريزه، از سوي خليفه براي تصرف سراسر خليج فارس روانه شد. وي ابتدا بحرين را فتح کرد و از آنجا اقتدار خویش را در خليج فارس گستراند. در زمان حضرت علي (ع)، امام اول شيعيان، يکي از سران عرب عمان به نام شيخ عضد به عنوان حاکم عمان منصوب شد، اما حکومت وي نيز اندکي بعد از سوي خوارج - که در برابر حضرت علي (ع) و نيز دشمن او معاويه، باني خلافت بني اميه در دمشق سر به شورش برداشته بودند - سرنگون شد.

شورش خوارج از سوي خازم بن خزيمه، چهارمين امير دودمان خزيمه در خراسان - که اصل آنها مرورودي بود - سرکوب شد. وي که از سوي منصور، خليفه عباسي براي فرو نشاندن شورش اعزام شده بود، نخستين ايراني بود که پس از چيرگي اسلام بر منطقه خليج فارس، به آن سامان بازگشت. در پي خوارج، شورش ديگري از سوي پيروان صاحب الزنگ (زنگيان) برپا شد که مدتي دوام داشت و سپس جاي به قرمطيان داد که اين گروه، قدرت خویش را در سراسر خليج فارس تا حجاز و مکه توسعه دادند.

حرکت قرمطيان از سوي امير معز الدوله ديلمي فرو نشانده شد. امير عضد الدوله ديلمي و معز الدوله، قدرتمندترين حکمرانان اوليه سلسله ايراني دوره اسلامي، نه تنها بين النهرين را به قلمرو خود افزودند، بلکه کنترل ايران و بخشهاي جنوبي خليج فارس را نيز بازگرداندند.

سلطه بي مدعاي امراي عرب بر سواحل خليج فارس، مدت زمان درازي نپاييد. يك قرن پس از ظهور اسلام، ناتواني امراي عرب در اداره و کنترل سرزمينهاي وسيع و متمدن فتح شده، نمودار شد و به تدريج در جاي جاي سرزمينهاي اشغالي، شورشها و قيامهاي ملي و طبقاتي و نژادي صورت گرفت. همان طور که ذکر شد، از جمله شورشهاي بزرگ تاريخ که از بنادر خليج فارس عليه امراي عرب صورت گرفت، قيام زنگيان و قرمطيان بود. اين قيامها از بندر لنگه، بوشهر و بحرين با گرايش ضد بر دگي آغاز شد و در ادامه، اغلب اقشار تهيدست را که از فشار مالياتها به ستوه آمده بودند، به خود جلب کرد و دامنه آن بسيار گسترش يافت. اگرچه قيام زنگيان سرکوب شد، ولي پس از آن نيز مناطق جنوبي و حوزه خليج فارس، کمتر تحت تسلط کامل اعراب قرار گرفت. ظهور دولتهاي مستقل ايراني، اقتدار حکومتهاي عرب در خليج فارس را در هم شکست. ديلمييان نواحي خليج فارس، عمان و عراق را تحت حاکميت خود درآوردند.

در زمان عضد الدوله ديلمي، بنادر هرمز، قيس (کيش)، سيراف، بحرين و بصره تحت حاکميت ايران قرار گرفت و از شکوه و رونق بسياري برخوردار شد.

در سال ۴۵۶ هجري (۱۰۶۳ ميلادي)، عماد الدوله از حاکمان سلجوقي در کرمان، سرزمين عمان را فتح کرد. در اواخر قرن دوازدهم، ابوبکر سعد بن زنگي از اتابکان فارس، عمان و بحرين و بخشهاي ديگري از کرانههاي جنوبي خليج فارس را زير فرمان گرفت. جزاير خليج فارس از جمله بوموسي و تنب به آن بخشها وابسته بود.



در سال ۱۲۲۶ میلادی، حکمرانان سلغری فارس، این جزایر را جزو ناحیه خویش قرار دادند. در سال ۱۳۳۰ میلادی، جزایر تنگه هرمز، جزو نواحی تحت اقتدار حاکمان هرمز قرار گرفت. سلطه ایران بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تا آمدن پرتغالی‌ها به منطقه در سال ۱۵۰۷ میلادی ادامه یافت. با این‌که مناطق کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، جناح جنوبی امپراتوری‌های پیش از اسلام ایران را شکل می‌داد، در دوران پس از اسلام بیشتر به منطقه تماس میان ایران و عرب‌های شبه‌جزیره عربستان تبدیل شد. در آن دوران مرزها نامعین و به صورت مناطق تماس هویت‌های سیاسی متفاوت بود. آغاز دوره صفویان و ورود پرتغالی‌ها:

شاهان صفوی از ۱۵۰۱ میلادی (۹۰۹ هجری قمری)، استقلال فرهنگی و کامل هویت ملی ایران را برقرار ساختند. آنان قلمروهای سنتی سرزمین ایران در جنوب خلیج فارس را بازیابی و تحکیم بخشیدند. صفویان، سنن سیاسی و سازمان اداری دوره ساسانیان را احیا و کشور را به ۲۹ ایالت (استان‌های خودمختار) و بیگلربیگی (حکمرانی‌های نیمه‌مختار) تقسیم کردند. یکی از این واحدها، ایالت فارس در جنوب ایران بود که شامل کلیه بنادر و جزایر خلیج فارس می‌شد. شیراز، مرکز فارس، امور نواحی و جزایر خلیج فارس را اداره و مالیات‌ها را اخذ می‌کرد.

پرتغالی‌ها، بیش از یک قرن به فعالیت‌های سوداگری در منطقه پرداختند و ماندگاری آنها در سواحل و جزایر خلیج فارس از ۱۵۰۷ میلادی (۹۱۳ هجری قمری) آغاز شد و حدود ۱۱۷ سال طول کشید. «آلفونس دو البوکِرک» با اندیشه فرمانروایی بر خلیج فارس و بحر عمان، پس از یک سلسله درگیری‌ها وارد هرمز شد، درگیری‌های شاه اسماعیل صفوی با ازبک‌ها و عثمانی‌ها و شورش‌های خارجی در مرزهای شمالی، وی را از پرداختن مسائل جنوب ایران باز داشت.

در این زمان، پرتغالی‌ها تمام شهرها، جزایر و بنادر پررونق و مهم خلیج فارس را که تحت فرمانروایی ایرانیان بود، به اطاعت و اداشت. در این دوره، جزیره هرمز جزیره‌ای باشکوه بود. با قدرتمند شدن ایران در زمان حکومت شاه‌عباس صفوی، شرایط برای بازپس‌گیری نواحی جنوبی ایران از دست پرتغالی‌ها فراهم شد.

شاه‌عباس یکی از سرداران خود به نام امام‌قلی‌خان را مأمور بیرون راندن پرتغالی‌ها کرد و بالاخره پس از درگیری‌های بسیار، توانستند به اقتدار ۱۱۷ ساله پرتغالی‌ها در سواحل و جزایر خلیج فارس پایان دهند. پس از پرتغالی‌ها:

هلند جای خالی پرتغالی‌ها را در جنوب کمپانی هند شرقی اشغال کرد، با این حال آنچه در اینجا قابل توجه است و باید به آن تکیه کرد، این است که حکام اغلب جزایر و بنادر مهم خلیج فارس، از طرف حکومت مرکزی ایران تعیین می‌شدند و اغلب به رغم فاصله مکانی نسبتاً زیاد با حکومت‌های مرکزی، از هماهنگی و تجانس با حکومت‌های مرکزی برخوردار بودند. حکومت‌های ایرانی اغلب از جانب شمال، شرق و غرب از سوی قبایل ترک، افغان و مغول‌ها و... تحت خطر بودند و حوزه‌های جنوبی تا آمدن پرتغالی‌ها تحت اقتدار کامل ایرانی‌ها بود.

پس از آشوب در پی زوال صفویان، نادرشاه افشار بر سراسر ایران تسلط یافت. وی در خلیج فارس، ثبات را برقرار ساخت و دوباره در سال ۱۷۳۰ میلادی، مدعی کنترل ایران بر بخش‌های شمالی ماهون کهن یا همان عمان شد. با وقوع جنگ بین حاکم مسقط (سعیدبن‌احمد) و امام عمان در سال‌های ۱۷۴۰ میلادی و تقاضای امام عمان برای پشتیبانی ایران، نادرشاه نیروهایی برای کمک به آنها در ناحیه مسندم مستقر کرد.

در سال ۱۷۵۳ میلادی (۱۱۴۷ ه.ق) از سوی نادرشاه افشار، لطیف‌خان دشتستانی به سمت حاکم ایالت دشتستان، شولستان و کاپیتانی کل سواحل، بنادر و جزایر خلیج فارس منصوب شد.

در سال ۱۷۶۳ میلادی، لطیف‌خان از طرف نادرشاه، جزیره کیش و سایر جزایر ایران از جمله بوموسی را از دست یاغیان خارج کرد و به بحرین لشکرکشی کرد و شیخ جبار هوله را شکست داد و کلید دژ بحرین را برای نادرشاه فرستاد.

در سال ۱۷۲۷ میلادی، نادرشاه بساط کمپانی هند شرقی را برچید و مجدداً سواحل ایران از بصره تا مکران در پاکستان کنونی را تحت استیلاي حکومت ایران قرار داد. وی پس از تسخیر بحرین و تصرف بخشی از عمان، بوشهر را به عنوان مقر نیروی دریایی برگزید. در این هنگام، سه مرکز مهم دریایی وجود داشت که تسلط بر آنها، تسلط بر کل منطقه خلیج فارس به حساب می‌آمد. تنگه یا جزیره هرمز، مسقط در سواحل عمان امروزی و بحرین، هر سه تحت فرمان نادرشاه در تسلط ایران قرار داشت.

حضور بریتانیا در سواحل و جزایر خلیج فارس

ظهور و تفوق قدرت بریتانیا و روسیه در سده‌های ۱۸ و ۱۹ و موقعیت ایران نسبت به آن دو، در جنوب روسیه و غرب بریتانیا (امپراتوری هند بریتانیا)، تأثیر شگرفی بر جغرافیای سیاسی ایران داشت. مقارن با رشد و شکوفایی مناسبات اقتصادی و اجتماعی در غرب، اهداف و مقاصد جدیدی بر دول غرب به وجود آمد تا جایی که نیاز به بازارهای فروش کالا و تأمین مواد و منابع اولیه، آنها را روانه سرزمین‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین کرد.

در آغاز هند، ایران و منطقه خلیج فارس توجه همگان را به خود جلب کرد و تحت تأثیر اهداف و سیاست‌های استعمارگرانه قرار گرفت.

در این رهگذر، بریتانیا در سایه پیشرفت‌های شایان در زمینه دریایی و نظامی توانست، رقبای خود را از پای درآورد و یک‌هنگام منطقه شود و به این ترتیب، دخالت خود را در امور داخلی و سیاسی کشورهای دیگر آشکار کرد. برای چنین دخالت‌هایی در ابتدا بهانه‌هایی لازم بود. این بهانه‌ها از طریق حکومت‌های ضعیف نالایق، سرکشی سران قبایل و بالاخره وجود دزدان دریایی مسندم و کرانه‌های عمان و عدم تأمین امنیت برای فعالیت‌های سوداگری در منطقه خلیج فارس فراهم شد. رشد جنبش‌های تجزیه‌طلبانه و قدرت‌طلبانه سران قبایل عرب و غیرعرب و تحت‌الحمایه قرار دادن اغلب ایالات و قبایل خودمختار منطقه از حوادث این دوران است. در این دوره، کمپانی هند شرقی در بندر عباس مستقر بود و دولت بریتانیا از طریق این کمپانی به تدریج به خاک ایران نفوذ یافته، افکار توسعه‌طلبانه خود را گسترش داد.

پس از کریم‌خان زند، آقامحمدخان قاجار، نزدیک به ده سال با جانشینان کریم‌خان زند و سایر مدعیان سلطنت جنگ کرد و موفق شد، بر تمام ایران از جمله بنادر و جزایر دریای پارس مسلط شود، در روزگار سلطنت فتح‌علی‌شاه، جزایر دریای پارس، جزو ایالت فارس به شمار می‌رفت.

در سال ۱۸۱۹ میلادی، انگلستان، ناوگان متحدی مرکب از ناوهای شرکت هند شرقی و ناوگان پادشاهی بریتانیا را به بهانه حفظ امنیت و سرکوبی شورشیان به خلیج فارس فرستاد. در مسقط، ناوگان کمکی و قوای اعزامی سلطان دست‌نشانده مسقط، به ناوگان بریتانیا پیوستند.

نیروهای متفقین از راه دریا و خشکی به محاصره رأس‌الخیمه، پایتخت قواسم پرداخت و سرانجام پس از شش روز مقاومت، سقوط کرد. بیشتر مردم آن کشته شدند و بیش از دویست کشتی و لنج اعراب قواسم - که اغلب ماهی‌گیری و تجاری بودند - به آتش کشیده شدند. این امر، باعث شکست سخت شیخ‌های امارات کوچک قواسم، چون ابوظبی، دبی، شارجه، ام‌القوین و رأس‌الخیمه شد. سپس استعمارگران انگلیسی به کرانه‌های عرب‌نشین خلیج فارس گام نهادند.

پس از این واقعه در ۱۸۲۰ میلادی (۸ ژانویه)، قرارداد صلحی بین ژنرال «سر ویلیام گرانت کایر»، فرمانده نیروهای انگلیسی، از سوی بریتانیا و شیخ‌های پنج منطقه قبیله‌ای در مسندم، امضا شد. این قرارداد عمومی صلح که مناطق قبیله‌ای مسندم، پس از امضای آن به «امارت متصالحه» معروف شدند، همراه با قراردادهای دوجانبه‌ای که از آن تاریخ به بعد بین انگلستان و آن امارت امضا شد، امارت متصالحه را به زیر حمایت بریتانیا کشید.

در همان سال (۱۸۲۰ میلادی) شیخ بحرین نیز وادار شد به قرارداد اساسی ملحق شود. به این ترتیب، انگلستان سلطه غاصبانه خود را بر منطقه آغاز کرد.

حدود سال ۱۸۲۱ میلادی، «گرانت کایر»، فرمانده انگلیسی، برای تحقق افکار توسعه‌طلبانه خود، به بهانه نایب‌الحاکمی شیوخ قاسمی از طرف حکومت مرکزی ایران در بندر لنگه به فکر تسخیر لنگه افتاد، اما طی مراداتی که بین حکام وقت ایران و نماینده بریتانیا صورت گرفت، این نواحی به عنوان خاک ایران به شمار می‌رفت و دخالت در امور آن بی‌مورد تلقی شد. این برخورد قاطع در مورد بندر لنگه با نماینده انگلیسی، وجود هرگونه شک و ابهام در مورد حاکمیت ایران بر بندر لنگه و توابع آن را از بین برد.

سال ۱۸۳۵ میلادی، کاپیتان «هنل»، مأمور سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، برای جلوگیری از زдохورد میان قبایل عرب کرانه‌های جنوبی دریای پارس در فصل صید مروارید آن سال، یک قرارداد صلح دریایی را به آنها پیشنهاد کرد که این قرارداد، مورد موافقت شیخ‌نشین‌ها قرار گرفت و در همان سال به امضا رسید. بر اساس قرارداد مزبور، کاپیتان هنل، نقشه‌ای را تدارک دید که رسماً فعالیت‌های دریایی قبایل عرب در خلیج فارس را مشخص می‌کرد. این نقشه بندرهای لنگه، لافت، چارک، کنگ و جزیره‌های بوموسی و... را در محدوده حاکمیت ایران مشخص می‌کند. اندکی بعد، نقشه دیگری از سوی جانشین هنل میجر موریس، تهیه شد که خط‌تازه‌ای از محدوده قبایل عرب را نشان می‌دهد. این نقشه نیز در ایرانی بودن بندر لنگه و توابع کرانه‌ای و جزیره‌ای آن تردیدی باقی نمی‌گذارد. از سوی دیگر، قاسمی‌های بندر لنگه در سراسر دوره نایب‌الحاکمی در بندر لنگه، وفاداری خود را به دولت مرکزی ایران حفظ کرده و بارها به هنگام نیاز در سرکوبی قبایل سرکش عرب در منطقه خلیج فارس، نیروهای ایران را یاری دادند.

در سال ۱۸۴۳ میلادی، انگلیسی‌ها، حکام شیخ‌نشین‌ها و رهبران قبایل را که در سال ۱۸۲۹ میلادی، قرارداد اساسی را امضا کرده بودند، وادار کردند تا سند دیگری با عنوان موافقت‌نامه در جهت قطع عملیات نظامی در دریا را امضا کنند. با این موافقت‌نامه، نماینده انگلستان در خلیج فارس، باز هم از مزایای بیشتری درخصوص کنترل بر کشتیرانی در منطقه برخوردار می‌شد.

در سال ۱۸۵۳، انگلستان در راه تثبیت سلطه خود، حکام منطقه را در کنفرانسی دور هم جمع کرد و قرارداد دیگری را با نام «صلح جاویدان»، امضا کردند که به موجب آن، انگلیسی‌ها اجازه یافتند برخلاف گذشته، نه تنها به بهانه مبارزه با دزدان دریایی، بلکه به بهانه حفظ امنیت خلیج فارس نیز در هر حادثه‌ای که در کرانه‌های خلیج فارس اتفاق افتاد، مداخله کنند.

در سال ۱۱۸۴ میلادی، تقسیمات مجدد کشوری و تقسیم ایران به ۲۷ ایالت صورت گرفت و جزایر و بنادر خلیج فارس به عنوان ایالت ۲۶ کشور شناخته شد. در همین سال، نایب‌الحاکم بندر لنگه که «شیخ یوسف القاسمی» نامیده می‌شد، توسط یکی از نزدیکان خود «شیخ قطیب» کشته شد. این درگیری، حکومت مرکزی را متوجه بندر لنگه نمود و فکر پایان بخشیدن به قضیه این بندر را تقویت کرد. این تصمیم از طریق والی جدید ایالت ۲۶، «میرزا علی‌خان امین‌السلطان» دنبال شد و شیخ قطیب، دستگیر و نایب‌الحاکمی شیخ قاسمی در بندر لنگه برچیده شد. در این زمان، بندر لنگه و توابع آن، مستقیماً زیر نظر ایالات ۲۶ قرار گرفت.

این دوره، مصادف با زمانی است که دولت بریتانیا، هند را مستعمره خود ساخته و قرارداد تحت‌الحمایگی با پنج شیخ قبایل عربی می‌بندد. تا پیش از این قرارداد، شیوخ مزبور، هیچ‌گونه هویت حقوقی و سیاسی مستقل نداشته و صرفاً به عنوان رئیس قبیله شمرده می‌شدند. هنوز هیچ تصویری از مفهوم دولت در بین قبایل فوق وجود نداشت، در حالی که دولت ایران به عنوان یک هویت سیاسی مستقل از گذشته‌های بسیار دور به رسمیت شناخته شده بود.

قرارداد تحت‌الحمایگی قبایل عرب، همه قراردادهای توافق‌های این قبایل را تحت نظر قرار داده و هر رابطه‌ای را منوط به اجازه بریتانیا می‌کرد؛ هر قدرتی به جز بریتانیا واضح می‌نمود.

نگرانی بریتانیا از دست‌اندازی روس‌ها در خلیج فارس، در آستانه سده ۲۰، شدت یافت. برای رویارویی با چنین تحولی، بریتانیا تصمیم گرفت، پیش‌دستی کرده و جزایر ایرانی تنگه هرمز را به اشغال خود درآورد. آنان چند جزیره را در کنترل مستقیم گرفتند و تعدادی دیگر را در حاکمیت شیوخ قاسمی مستند قرار دادند؛ شیوخی که حکمرانی آنان در کرانه‌ها هنوز بعد سرزمینی نیافته بود.

در اجلاس محرمانه‌ای در وزارت خارجه بریتانیا تصمیم گرفته شد، برای پیش‌دستی بر تجاوز روس‌ها در خلیج فارس، جزایر استراتژیک واقع در تنگه هرمز، با نزدیکی آن به اشغال درآید. این تصمیم در ۱۴ جولای ۱۹۰۲ به صورت یادداشتی برای مدیران سیاسی بریتانیا در هند و خلیج فارس ارسال شد.

پس از آن دوره و در دوران حکومت پهلوی اول و دوم، همواره ایرانی بودن خلیج فارس، به ویژه جزیره بوموسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک، تأکید شد، چنان‌که در بازدیدهای مأموران ایرانی مورد مداخله قرار می‌گرفت تا آن‌که در سال ۱۹۷۱، مأموران ایرانی به طور دائمی در جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، مستقر شدند. پس از آن، قرارداد ۱۹۷۱ بین ایران و کشور امارات همواره مورد نظر و اجرا بوده است، اما زرمه‌های ناخشنودی آن کشور باقی بود تا موضوع را به صورت مسئله‌ای در منطقه قلمداد کند.

تأثیر تحولات انقلاب اسلامی در تاریخ سیاسی جزیره بوموسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خارج شدن کشور از زیر سلطه آمریکا، دشمنان ایران برای زیر فشار قرار دادن نظام جمهوری اسلامی، از تمام اهرم‌های خود استفاده کردند تا بحران‌های مختلفی را برای جلوگیری از حرکت رو به رشد انقلاب اسلامی به وجود آورند. به وجود آوردن درگیری سیاسی و جنگ‌های متمادی به خصوص حمله عراق به ایران و تحریک همسایگان ایران در مقصر جلوه دادن ایران، از جمله حوادث این سال‌ها بوده است.

مطرح شدن ادعاهای واہی از جانب کشور امارات متحده عربی بر سر حاکمیت جزایر سه‌گانه (بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) پس از سال‌ها تحریک قدرت‌های استکباری در دهه اخیر در ادامه فشارهای سیاسی به جمهوری اسلامی در دستور کار آنان قرار گرفت، اما همواره مسئولان ایران با به کار گرفتن سیاست‌های تأمینی و مدبرانه، موضوع را در حد یک سوءتفاهم دانسته و با رفت‌وآمدهای دوجانبه مسئولان دو کشور در جهت حل مشکل، عمل شده است و همواره قرارداد ۱۹۷۱ میلادی، توسط جمهوری اسلامی ایران، تأیید و بر آن تأکید شده است، اما هر از چند گاهی در ادعاهای مسئولان امارات یا اجلاس‌های کشورهای عربی یا خلیج فارس، ادعاهایی مطرح می‌شود.

در حال حاضر به علت لزوم ایجاد یک تصویر کلی در چگونگی تأثیرات عوامل انسانی و فرهنگی باید نگاهی به سابقه تاریخی جزیره بوموسی با توجه به بستر سیاسی - امنیتی آن داشت و پس از آن، تحولات قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی تا مقطع زمانی سال ۱۳۵۷ هجری شمسی و همزمان با انقلاب اسلامی بررسی شود.

جزیره بوموسی همراه با کل منطقه خلیج فارس طی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هجری شمسی، به هنگام وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دوران تقریباً پرخطری را از نظر اقتصادی و سیاسی پشت سر گذاشته است. در طی سال ۱۳۶۹ هجری شمسی که جنگ نفت یا جنگ آمریکا و متحدان آن علیه عراق صورت گرفت، خلیج فارس، همچنان دارای نقش استراتژیک مهمی بود.

در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی، بروز مسئله‌ای در رفت‌وآمد اتباع امارات به جزیره و نیز برخی صحنه‌سازی‌ها، باعث جوسازی‌های فراوانی علیه دولت جمهوری اسلامی و بروز مشکل سیاسی شد.

تثبیت موقعیت جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران و پس از محکومیت حمله عراق به کویت توسط ایران در جنگ نفت و بازسازی کشور جمهوری اسلامی، ایجاد بنادر و مناطق آزاد و ترانزیت کالا از ایران، دورنمای خوبی برای کشور متصور می‌شد و این می‌توانست، تعادل استراتژیک منطقه را پس از تضعیف عراق به نفع ایران به دنبال داشته باشد. پس از این، با مشکل آفرینی، تاریخ چندساله همکاری ایران و امارات متحده عربی و حاکمیت ایران بر جزیره را تحت‌الشعاع قرار دادند.

به رغم مذاکرات ایران و تمهیدات برای اسکان و آسایش ساکنان عرب‌زبان در بوموسی، طرف ثالث؛ یعنی آمریکا برای اجرای سیاست درگیری مستمر جهت اعمال فشار به جمهوری اسلامی بر مسئله دامن می‌زد.

در اردیبهشت سال ۱۳۷۱ امارات متحده عربی در نشست شورای داخلی، موضوع را به صورت تبلیغی مطرح می‌کند و در خارج، حمایت اجلاس شورای همکاری خلیج فارس، بیانیه دمشق و اتحادیه عرب را به دست می‌آورد. امارات در بعد بین‌المللی با مسئله‌سازی و در معرض خطر جلوه دادن صلح جهانی، خواستار اتخاذ موضع علیه ایران می‌شود و در اتحادیه اروپا، اجلاس بین‌المجالس و سازمان ملل با مطرح کردن و ارسال اعتراضیه‌ها علیه ایران برای ادعاهای خود، سندسازی می‌کند و در نهایت تأکید بر احاله قضیه به دادگاه لاهه می‌شود.

با این حال جمهوری اسلامی ایران تنها با حسن‌نیت و رفع سوءتفاهم در نامه‌ها، خواستار مذاکره و رفع مشکل شده است.

خداحافظ خلیج فارس ! :

پس از آنکه با آغاز قرن ۲۱، دولت امارات عربی متحده اعلام کرد که «تا ده سال آینده، ۳۲۵ جزیره مصنوعی در آب‌های خلیج فارس خواهد ساخت»، هیچ رسانه‌ای به انعکاس و تحلیل این اقدام و عواقب آن مبادرت نکرد.

این جزایر قرار است در حاشیه سواحل دویی که یکی از هفت امارت این کشور کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس است احداث شوند، اما طرفداران محیط زیست معتقدند که این توسعه جدید (جزایر مصنوعی) عوارض سنگینی را بر اکوسیستم منطقه خاص حوزه خلیج فارس وارد می‌کند.

مجری این فاجعه زیست محیطی، تشکیلات دولتی توسعه نخیل (Nakheel) در دویی می‌باشد که مجری ساخت سه جزیره به شکل نخل (Palm Lands) که طول هر کدام بیش از ۶ کیلومتر است و یک جزیره بیضوی به شکل نقشه ۵ قاره کره زمین (The World) در منطقه ای بطول ۹ کیلومتر و عرض ۶ کیلومتر است و بودجه ای ۲۰ بیلیون دلاری را برای آن در نظر گرفته است.

این پروژه با شعار: «مکانی بی نقص برای دور شدن از دنیا» قطعاً سود کلانی را نیز از این تخریب آشکار محیط زیست برای بانیان آن در بر خواهد داشت.

جالب آنکه سلطان بن سلیم (Sultan bin Sulayem)، مدیر پروژه جزایر مصنوعی می‌گوید که این پروژه خود، موجب پیدایش یک اکوسیستم خواهد شد!

وي معتقد است «ته دریای دوبي مانند یک بیابان است. من معمولاً در آنجا غواصي مي‌کردم و در واقع مقدار قابل توجهی از مرجان در آنجا ندیدم. فقط چند صخره محدود، باقی آن تماماً صاف و شنی بود و هیچ نشانی از زندگی یا محل مناسبی برای ماهی‌ها در آن دیده نمی‌شد.»!

بن سلیم، همچنین معتقد است که ساخت این جزایر که از نظر بسیاری از اهالی دوبي بیش از حد نمایشی هستند، بسیار لازم است زیرا تنها ذره‌ای از ساحل خلیج فارس به امارات تعلق دارد و «هنگامی که این پروژه تمام شود، ما به جای ۶۰ کیلومتر، ۱۲۰۰ کیلومتر ساحل خواهیم داشت.»!

اما آنچه نگارنده در این نوشتار در پی تبیین آن است، بررسی اجمالی آثار فاجعه بار زیست محیطی احداث این جزایر مصنوعی بر اکوسیستم حوزه خلیج فارس و نقض آشکار معاهدات بین المللی در این زمینه است و نتیجه گیری در این رابطه را بر عهده مخاطبان می‌گذارد.

آنچه مبرهن است خلیج فارس که همواره از آن به عنوان «گهواره تمدن» و «قلب تپنده خاورمیانه» یاد شده، به عنوان دریایی نیمه بسته دارای اکوسیستم منحصربه‌فردی در میان حوزه‌های آبی جهان است.

عمق این اقدام فاجعه بار امارات متحده عربی همزمان با پایان احداث اولین جزیره نخل نمایان شد. زمانی که به اذعان رسمی مجریان، برای این پروژه ۱,۶۵ میلیارد متر مکعب ماسه و ۸۷ میلیون تن صخره جا به جا شد و برای تکمیل آن ۱ میلیارد تن صخره به محل آورده شد.

اما عواقب اولیه این دستکاری آشکار در طبیعت به گزارش کارشناسان سازمانهای ناظر بین المللی چه بود؟

- ۱- تنها ساحل مرجانی شناخته شده در دوبي، در طی این عملیات از بین رفتند.
- ۲- آشیانه‌های ساحلی لاک‌پشت‌های دریایی (گونه خاص منطقه خلیج فارس) ویران شدند.
- ۳- جریانهای طبیعی آب تغییر مسیر داده‌اند.
- ۴- گل و لای حاصل از کار، آبهای شفاف و شیشه‌ای را به شکل لجن زار در محدوده این جزایر مصنوعی درآورده است که در حال پیش روی است.

فردریک لاونی (Frederic Launay) سرپرست دفتر پشتیبانی از حیات وحش جهان در دوبي در گزارشی در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد:

«این کار، به خصوص در محل ایجاد اولین جزیره، برای محیط زیست طبیعی دوبي بسیار زیان آور بود. اتفاقی که افتاده شرم آور است زیرا آنجا یک مکان طبیعی بسیار عالی بود و تا مدتی امکان حفاظت و بازگشت به حالت اولیه وجود داشت و هنوز چیزی از سرمایه طبیعی باقی مانده بود تا با آن بتوان به جایی رسید. اما آن فرصت از دست رفت و اکنون ما تنها می‌توانیم از ترمیم و تسکین صحبت کنیم.»

جالب آنکه دکتر عماد حفار (Imad Haffar) رئیس تحقیقات و توسعه پروژه نخل، در پاسخ به اظهارات لاونی گفت: "من در این تکنولوژی هیچ ایرادی نمی‌بینم. ما زمانی که این کار را در ابعاد بسیار وسیعتر انجام دادیم، باید منتظر نتیجه شویم. منظور من از ابعاد بزرگ، ابعادی غول آسا است.»!

در حالیکه که کشورهای ساحلی خلیج فارس، هنوز واکنش مؤثری در این رابطه نداشته‌اند، پروژه دوم نیز آغاز شده و علاوه بر تمام اینها، بقایای دو هواپیمای جنگی، چند جمبو جت و هفت کرجی به اعماق دریا برده شده‌اند تا برای غواصان یک پارک زیر دریایی موضوع دار به وجود بیاورند! این اقدام نیز که نقض آشکار قوانین بین المللی در بستر دریاها که از آن با عنوان «میراث مشترک بین الملل» یاد می‌شود، باعث ویرانی بستر دریایی در اطراف این جزایر مصنوعی شد و مسئولان نخل تنها پاسخ خود داشتند اسن بود که: «گل و لای ناشی از این عملیات بالاخره نشست خواهد کرد و آب صاف خواهد شد.»!

لاونی، در گزارش‌های بعدی خود اظهار داشت: متأسفانه مقامات امارات در امر بررسی عواقب این پروژه مخرب موفق نبوده‌اند.

در این راستا، مسئولین پروژه نخل در جواب اعتراض دفاتر حفظ محیط زیست گفته‌اند که آنها زیانی به اکوسیستم وارد نکرده‌اند و بیشتر مرجانهای ساحلی در این منطقه، قبلاً مرده بودند!

اما، فاجعه اصلی در این راستا مراحل آغازین را طی می‌کند که در صورت تکمیل آن در یک جمله باید گفت: «خداحافظ خلیج فارس!»! مقامات امارات عربی متحده، اقدامات اولیه برای پروژه نقشه دنیا، را که مساحتی حدود ۶۳ کیلومتر مربع از اکوسیستم خلیج فارس را کاملاً نابود می‌کند، آغاز کرده‌اند. این جزایر ناشناخته در حالی سر از آب در می‌آورند که نه تنها مخالفتی از سوی کشورهای منطقه مشاهده نمی‌شود، بلکه در کمال تأسف در برخی از جرایم و سایتهای اینترنتی داخل کشور نیز شاهد تبلیغ پیش فروش منازل واقع شده در این جزایر هستیم!

اگرچه اخیراً زرمه‌هایی از برخی نمایندگان استانه‌های جنوبی کشور در مجلس شورای اسلامی، در رابطه با جلوگیری از این تخریب زیست محیطی و نقض آشکار قوانین بین المللی و ارسال نامه‌های اعتراض آمیز به مجامع بین المللی شنیده شد، اما این اقدامات در برابر سرعت پیشرفت این پروژه‌ها و تخریب حیات طبیعی خلیج فارس مؤثر نخواهند بود.

در این راستا، در حالی که به لحاظ اهمیت جلوگیری از آلودگی و حفظ محیط زیست خلیج فارس در ارتباط با اکتشافات، حفاریها و آلودگیهای نفتی سازمانهای منطقه‌ای مهمی همچون «راپمی» توسط امضاء کنندگان کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت، (کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی امارات عربی متحده)، تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، اما تاکنون اقدامات جدی و بازدارنده‌ای در این رابطه از سوی هیچ یک از کشورها بطور گروهي و یکجانبه انجام نشده است.

این سهل‌انگاری غیر قابل قبول به غیر از آنکه مساوی با نابودی حیات نمونه حوزه آبی خلیج فارس خواهد شد، قطعاً دیگر کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس را نیز که با کمبود جدی حوزه سرزمینی و وسعت مواجه هستند به اقدامات مشابه رهنمون می‌کند، کما اینکه «کویت و بحرین» نیز اخیراً اعلام کرده‌اند طرح‌های مشابهی را در دست بررسی دارند!

و لذا تشکیل گروه‌های کاری متشکل از متخصصین حقوقی و زیست محیطی برای بررسی آثار مخرب احداث این جزایر مصنوعی و جلوگیری از تداوم انجام آن با حضور کشورهای حاشیه خلیج فارس امری ضروری و غیر قابل اجتناب است.

وجدانهای بیدار و اعتراف به حقیقت :

دهها متفکر غربی و همچنین عربی در ۳۰ سال گذشته در مورد حقانیت تاریخی نام خلیج فارس مطلب نوشته اند که گزیده مطالب آنها را بزودی منتشر خواهیم کرد.

. بسیاری از آگاهان مسائل منطقه معتقد هستند که نتایج زیانبار مادی، معنوی و روانی تغییر نام خلیج فارس از سوی اعراب، کمتر از آثار زیانبار سه جنگ خونبار در خلیج فارس نیست.

هنگامیکه بحث از افتخارات و میراث اسلامی و عربی است، دست نوشته‌ها و نقشه‌های و کتب مورخان، سیاحان، اطباء و دانشمندان ایرانی را به عنوان میراث عربی به جهانیان عرضه می‌کنند ولی وقتی بحث از حفظ و حرمت این میراث و حفظ نامهایی که آنها به اماکن و دریاها داده اند به میان می‌آید توجهی ندارند، نمونه اینها کتابی است تحت عنوان "نوادير المخطوطات" Rar manuscripts این کتاب که با سرمایه یونسکو و (UNDP) برنامه توسعه سازمان ملل متحد و به دستور رئیس جمهور مصر در سال ۱۹۹۵ در مطابع دارالامین قاهره چاپ شده است، حاوی ۵۹ اثر خطی بی نظیر و نادر است که در مقدمه کتاب آنها را به عنوان میراث بشریت و نمونه‌های نادر و منحصر به فرد معرفی نموده است. در این کتاب ۵۹ اثر دست نویس که همگی مربوط به قرآن شریف هستند چاپ شده در این میان دست نویس رنگی و تزئین شده شماره ۴۰ که همراه این قرآن‌های شریف چاپ شده نقشه بی نظیری است که اگر چه تاریخ ۱۸۱۰ را دارد ولی بنظر می‌رسد تاریخ آن قدیمی تر باشد، این نقشه منحصر به فرد به زبان عربی است و خلیج فارس را ثبت کرده است این اولین نقشه عربی است که قاره آفریقا را بطور دقیقی ترسیم کرده است. این نقشه همراه یک نقشه دیگر که آنهم خلیج فارس را ثبت کرده است. مربوط به کتابی است بنام رساله فی علم الحدیث، که در کتابخانه اسکندریه در بخش اسناد ملی نگهداری می‌شود.

حداقل ۲۵ نفر از دانشمندان شهیر ایرانی، مانند بن مقفع، ابوعلی سینا، زکریای رازی، استخری، و ... که به جهت علاقه مندی به زبان مقدس قرآن بعضی از کتابهای خود را به عربی نوشته‌اند، کشورهای عربی آنها را به عنوان علماء جغرافیا و یا اطباء عرب به جهان معرفی می‌کنند و ما در مورد این سرقت ادبی بی سکوت کرده ایم. وقتی در جهان عرب، کتب نویسندگان فارسی را به عربی ترجمه کردند و بدون رعایت جوانب حق مالکیت معنوی از آنها بهره بردند و حتی نویسندگان فارسی گوی مانند رازی، ابوعلی سینا، سیبویه، همدانی، اصفهانی، خیام و ... را به جهان غرب به عنوان افتخارات عربی فروختند و ایرانیان نسبت به اینگونه مسائل بی اهمیت بودند، افرادی در کشورهای عربی این حق را به خود می‌دهند که اسامی را نیز بدون توجه به حقوق مالکیت معنوی و بی توجه به عرف بین الملل و عواطف و احساسات مردم، تغییر دهند، در این راه شکی نیست که در چاپ کتابهای جدید سفرنامه‌ها و کتب مورخین قدیمی دستبرد نمایند و اسامی را به نفع خود تغییر دهند کما اینکه در نقشه‌های جدیدی که در بعضی کتب عربی حتی راجع به حوزه قلمرو فراعنه مصر و یا اسکندر و یا امپراتوران پارسی، ترسیم کرده‌اند در نقشه‌های آن دوره تاریخ نیز خلیج فارس را با نام خلیج عربی ترسیم کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به ترجمه عربی کتاب اطلس مقدس اشاره کرد. در اینگونه توطئه‌های استعماری همواره خسران متوجه طرف ساکت است و سکوت گناهی نابخشودنی در مقابل ظالمینی است که حق را گستاخانه ضایع می‌کنند

اما در رابطه با بخش دوم مقاله که جزایر سه گانه ایرانی را عربی و اشغال شده می‌نامد رد این اتهام مستند به اسناد تاریخی نیازمند یک کتابی قطوری است اما مختصراً در مورد مقاله ۲۶ یولیو ۲۰۰۲ الاهرام، لیلی تفتح

ملفات الجزر العربيه المحتله ” بايد گفت ادعای عربي بودن جزایر سه گانه، و اشغال آن توسط ایران، تاکنون در صدها مقاله و کتاب به کررات تکرار شده است. اما اینکه عربي بودن این جزایر چگونه و کي براساس چه سنگ نوشته کتاب و سند تاریخی اثبات شده، هیچکس حاضر نیست سندی ارائه کند، آنچه تاکنون ارائه شده مکاتبات ضد و نقیض کارگزاران انگلیسی است که اعراب همواره آنها را استعمارگر و عامل بدبختی جهان عرب می شمارد. امارات حتی يك سند محکمه پسند برای اثبات حاکمیت بر جزایر سه گانه ندارد آنچه امارات مدعی است، اسناد دال بر حاکمیت بر جزایر است” چیزی نیست جزء نامه های کارگزاران استعمار در طول سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۹۷۱ که جزایر ایرانی را در اشغال داشتند، این مکاتبات و اسناد خود پرداخته استعمار فاقد هر گونه ارزش حقوقی و قانونی است. واقعیت این است که امارات بی دلیل از سرمایه ملت خود هزینه می کند، این هزینه کردنها هیچ ثمره ای نخواهد داشت جز اینکه میان جهان اسلام به نفع اسرائیل نفاق و تفرقه ایجاد نماید.

بايد گفت جزایر سه گانه براساس مالکیت مستمر تاریخی ایران، براساس حقوق بین الملل و حقوق دریاها و براساس اجماع و اتفاق نظر منطقه ای و بین المللی و با رضایت حاکمان وقت شارجه و با حکمیت و رضایت اشغالگران بریتانیا یی آن، به حاکمیت اصلی (ایران) باز پس و عودت داده شده است اولاً که این تفویض، عودت حق به حق دار بوده است ثانیاً به فرض محال که بپذیریم اعراب بر آن تملک و یا حاکمیت داشته اند، در مرزبندی های دوره استعمار و حکمیت های بعدی تغییراتی صورت گرفته که طبق اصل تغییر ناپذیری مرز های جغرافیایی باید محفوظ بماند و به همین دلیل سازمانهای بین الدولی و از جمله منشور سازمان وحدت آفریقا و کشورهای آفریقایي و مستعمره های سابق همگی تقسیمات و حکمیت های استعماری را در مورد تعیین حدود بر رسمیت پذیرفته اند و از جمله مرز های ایران که همگی با حکمیت انگلیس و عموماً بر ضد منافع ایران صورت گرفته است و حتی تجزیه شهر های شمالی ایران را بر رسمیت شناخته است. و اگر ایران می تواند ادعائی نسبت به اعاده اراضی از دست رفته اش طی دو معاهده ننگین گلستان و ترکمنچای بکند، امارات نیز حق مشابهی خواهد داشت؟

استدلالهای اعراب در مورد عرب بودن جزایر سه گانه همانند ادعای عربي بودن نام خلیج فارس است همانطور که آن ادعا بی پایه و اساس است، این ادعا نیز بی اساس و غیر منطقی است. حتی اگر بپذیریم که جزایر عربي است باز حقوق بین الملل، آنرا دلیلی بر تعلق حاکمیت آن برای اعراب نخواهد دانست، چون در ایران حتی در مرکز و شرق ایران مثلاً در مرز ایران با افغانستان شهر عربخانه وجود دارد که ۸۰٪ آن عرب هستند، ولی این شهر در هیچ برهه ای تحت حاکمیت اعراب نبوده است اگر قرار باشد که به داور ی و تحکیم بین المللی در مورد جزایر سه گانه مراجعه شود ابتدا باید در مورد نام خلیج فارس به داور ی و تحکیم بین المللی مراجعه کنیم، آنگاه نوبت جزایر سه گانه خواهد بود که به داور ی گذاشته شود.

امارات بر اساس نامه های وزارت خارجه انگلیس مدعی است که از سال ۱۹۰۴ پرچم شارجه و رأس الخیمه بر جزایر نصب بوده و این نشانگر حاکمیت آنها بر جزیره بوده است، این در حالی است که دهها نوشته و نقشه های رسمی دولت انگلستان نشان می دهد که دولت ایران تنها دولت حاکم بر این جزایر بوده است و پرچم ایران در روز های اعیاد مذهبی و جشنهای ملی در ابوموسی توسط يك نماینده حاکم فارس در دوره نادرشاه تا اوایل قرن بیست در اهتزاز بوده است.

در کتاب حمدي نامه های متناقضی در خصوص جزایر وجود دارد چند مکاتبه نشان می دهد که انگلیس ها شیوخ را چند بار به زور وادار به نصب پرچم کرده اند و اهمیت جزایر را مطرح و خطر سلطه ایران ویا روسیه را بر این جزایر گوشزد نموده اند، اما شیوخ که اعتقادی به مالکیت و سودمندی سرمایه گذاری در جزیره نداشته اند، از نصب پرچم خودداری و یا پس از مدتی جزایر و پرچم را به حال خود رها کرده اند و هنگامیکه با اعتراضات شدید الحن انگلیس ها مواجه شدند، و انگلیس آنها را متهم به همدستی با فارسها نمود، حاکم راس الخیمه بهانه می آورده است که چون طناب نداشتیم به این دلیل نتوانستیم پرچم را نصب نماییم. این بی توجی به نصب پرچم حکایت از عدم اعتقاد به مالکیت جزایر است، اگر این جزایر ملک شیوخ بود، برای دفاع از يك و جب آن خود را قربانی می کردند چون اعراب حتی يك و جب از خاک خود را به کسی نمی دهند و مثال بارز آن فلسطین است. پس نداشتن پول برای خرید طناب نمی تواند دلیلی بر سستی و اهمال در اعمال حاکمیت باشد دوماً اینکه خود آقای حمدي در مقدمه کتاب خود آورده است که قبل از جنگ ایران و عراق، صدام به شیخ شارجه اعلام کرد که در صورتیکه آن حاکم بخواهد عراق آمادگی دارد که جزایر را از ایران باز پس بگیرد. در اینجا نیز حاکم شارجه هر گونه ادعا و اقدام برای بازپس گیری جزایر را رد می کند و این خود دلیل دیگری است که این جزایر به آنها تعلق نداشته است و در چند مورد حکام وقت شارجه و راس الخیمه به حاکمیت و مالکیت ایران بر جزایر صراحتاً اعتراف نموده اند.

و اینکه نسل فعلی امارات به یمن دلار های نفتی تاکنون چندین برابر ارزش مادی این جزایر هزینه تبلیغاتی برای اثبات توهمات خود کرده است و موجبات اختلاف میان وحدت اعراب و ایران شده است، یقیناً ریشه در

عوامل پنهانی استکبار جهانی دارد. کسانیکه نسبت به ایران نیات سوء و توسعه طلبانه ندارند، هیچگونه نگرانی از توسعه نظامی ایران ندارند و آنها که نگرانند، کسانی هستند که اهداف شیطان در خصوص ایران در سر می پروراند.

دو جزیره تنب کوچک و بزرگ در طول تاریخ فاقد سکونت بوده است و هیچ آثار تاریخی و مدونی و هیچ شاهدهی مبنی بر عربی بودن آن وجود ندارد، تمب یک کلمه پارسی است به معنی، بام، گنبد و گردآوری و خرمن کردن غلات را نیز تنب و تمبه کردن می گویند، و بنا بر تاریخ شفاهی و مکتوب در طول تاریخ، استراحتگاه موقت صیادان، مسافران و حجاج ایرانی بوده است. ابوموسی نیز همین وضعیت را داشته است. فقط با این تفاوت که بومف (بوموسی) طی یکصد سال گذشته به یک جزیره مسکونی تبدیل شده است. هنگامیکه برای اولین انگلیسی ها این جزیره را به اشغال درآوردند جمعیت آن را ۶۰ خانوار شامل ۳۰ خانوار فارس و ۳۰ خانوار بلوچ و یا اعرابی که از دبی و بندر لنگه مهاجرت کرده اند نام برده است. هنگامیکه انگلیس ها به اشغال ابوموسی و بهره برداری از معادن آن مشغول شدند، فارسها را از جزیره اخراج کردند و بجای آنها هندی آوردند توضیح اینکه دبی نیز کلمه ایرانی است به معنی دو جایگاه یا دو محل استراحت و باراندازی کالا اصل آن دبار بوده است و اولین ساکنان آن اعراب و طوایف بندری بودند که از ایران مهاجرت کردند، تمامی کسانیکه همین الان در ابوموسی به عنوان عرب پاسپورت امارات دارند اصل و نسب آنها ایرانی است و این را بسیاری از آنها در سرشماری ۲۰ سال قبل اعتراف کرده اند و حتی اقوام آنها در شهرهای چابهار، بندرلنگه و کنارک ساکن هستند، اما چون از دولت امارات حقوق قابل توجهی می گیرند خود را عرب معرفی می کنند.

این جزایر اشغال شده نیست، بلکه در سال ۱۹۷۱ بر اساس توافق انگلستان و توافق منطقه ای و بین المللی از اشغال انگلستان خارج و میهن اصلی منضم گردید و با استقبال پرشکوه مردم ابوموسی روبرو شد و در جهان عرب نیز اعتراضی به این اقدام نشد. ادعای عربی بودن این جزایر همانند ادعای واهی عربی بودن خلیج است. به هر حال اگر نویسنده الاهرام سندی تاریخی دال بر عربی بودن و یا تعلق جزایر به دولت امارات دارد این اسناد را در روزنامه چاپ کند تا مردم ایران نیز از آن مطلع شوند لازم به توضیح است که سند باید محکمه پسند باشند نه نامه های سفارت انگلیس که بر له خود برای ادامه غارتگری معادن ابوموسی نامه نگاری کرده اند.

بنظر ما ایران به سه دلیل حاضر به پذیرش پیشنهاد دادگاه بین المللی نیست :

۱- به گواه تاریخ و مورخین ایران ۲۵۰۰ سال بر این جزایر حاکمیت داشته است و تنها از سال ۱۸۲۰ تا ۱۹۷۱ انگلستان آن را از حاکمیت ایران خارج ساخته و در پایان دوره استعمارگری، آنرا مجدداً به ایران عودت داده است.

تحویل گرفتن جزایر بر اساس اسناد و نقشه های تاریخی و بر اساسی یک توافق بین المللی و منطقه ای و بر اساس حقوق بین الملل صورت گرفته و هیچ گونه مخالفتی از سوی کشورهای جهان با آن صورت نگرفته است.

۳- ایران جزایر را تحت حاکمیت خود دارد و دلیلی وجود ندارد که برای بخشی از اراضی اش به دادگاه و حکمیت برود.

علی رغم صحت مطالب فوق بنظر آگاهان سیاسی، ایران باید پیشنهاد اعراب را برای دادگاه بین المللی بپذیرد، زیرا امارات هیچگونه سند محکمه پسندی ندارد اوراق مکاتبه ای بی ارزش کارگزاران استعمارگر انگلیس بنفع خودش فاقد ارزش حقوقی است، اقرار و اعتراف انگلستان بنفع خودش غیر قابل پذیرش است.

ایران همچنین می تواند این شرط را برای اعراب پیشنهاد کند که حاضر به رفتن به دادگاه بین المللی است، بشرط اینکه اولاً اعراب به حقوق بین الملل احترام قائل شوند و با نام تاریخی خلیج فارس مغرضانه برخورد نکنند. اصالت نام خلیج فارس و بحث حاکمیت بر جزایر هر دو در دادگاه مطرح و هر رای که دادگاه پذیرفت طرفین بپذیرند.

اما آنچه واقعیت است این است که مرزبندی کشورها پایان پذیرفته و ادعاهای فعلی، توطئه، هزینة های کلان برای تغییر مرزها هیچ پذیرشی در جامعه جهانی ندارد. و امارات از این برخوردهای منفی و غیرمنطقی هیچ چیز بدست نخواهد آورد چرا که با ملت ایران فقط می توان با زبان منطق و عقل و انصاف سخن گفت، اقدامات زورمدارانه و توطئه و تخریب و توهین مردم ایران راهیچگاه مرعوب نمی سازد. سکوت در مقابل گستاخی های امارات و نرمش درمقابل حکام خیره سر کشورهای بی ریشه و فاقد هویت تاریخی از این قبیل ننگ ابدی بر سیاست خارجی ما خواهد بود، قرار دادن ایران و اسرائیل در یک کفه ترازو به عنوان اشغالگر یک کار ظریف استعماری است که در دراز مدت به کم رنگ شدن حقانیت مسئله فلسطین منجر خواهد شد. تغییر نام خلیج فارس، و ادعاهای ارضی نسبت به ایران دشمنی با کل ملت ایران و اقوام منطقه است و حال آنکه مردم ایران نزد اعراب از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار هستند و متقابلاً مردم ایران نیز حساب عده ای افراد سیاست زده و مغرض در سطوح مدیریتی کشورهای عربی را از جامعه عرب جدا می دانند.

یکی از عجایب تاریخ معاصر این است که کشوری که تا ۳۰ سال قبل در هیچ جای جهان نام و سابقه ای از آن وجود ندارد نسبت به کشوری که ۲۵۰۰ سال بطور مستقیم و غیر مستقیم بر این جزایر خلیج فارس حاکمیت داشته است، ادعای ارضی می کند و مدعی اسناد تاریخی نیز می شود. اما مکاتبات کارگزاران انگلیس که خود آنرا استعمار پیر و عامل بدبختی جهان اسلام می دانند را به عنوان سند ارائه می کنند!! هزینه کردن دلارهای ابوظبی و شارجه هیچ ثمره ای برای آن کشور در بر نداشته و نخواهد داشت بلکه احساسات جریحه دار شده میان ملت ایران و اعراب بیشتر دامن خواهد زد که آثار بسیار خطرناکی برای کل جهان اسلام در بر خواهد داشت.

برابر شواهد تاریخی و شواهد علمی ایرانیان و اعراب ریشه های نژادی و قومی مشترکی دارند و مزید بر آن دارای اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زبان زیادی هستند و هیچ ملیتی در جهان به اندازه ایرانیان به اعراب نزدیک نیست، در سراسر ایران مقبره دهها نفر از سلاله پیامبر اسلام و ائمه معصومین زیارتگاه ایرانیان است و الگوهای دینی و رفتاری ما ائمه هستند که همگی به شبه جزیره عربی تعلق دارند بخش وسیعی از اعراب جنوب ایران مهاجرینی هستند که از نجد و حجاز آمده اند. بنابراین بی دلیل نیست که مطبوعات ما در طول ۲۰ سال گذشته در مقابل بعضی از مطبوعات عربی که بر تنفر قومی فارسی عربی استوار بوده است، سکوت کرده اند و اتهامات ناروا علیه ایرانیان را بی پاسخ گذاشته اند. در طول ۱۰ سال گذشته با حمایت مالی دلارهای نفتی ابوظبی، ۱۲۰ مقاله در جراید امارات و کشورهایمانند کویت و عراق در ضدیت با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و در راستای خلیج فارس زدائی نوشته شده است. در همین مدت بیشتر از ۲۰ کتاب، با عنوان مجعول چاپ شده است. تلویزیونهای ماهواره ای از جمله تلویزیون MBC که روزانه ۱۰ بار اخبار وضع هوا را گزارش می کند همواره در هر گزارش بطور هدفدار چند بار نام مجعول خلیج عربی را تکرار می کند و آگاهان معتقدند که سرمایه این کار از سوی امارات متحده با سرمایه گذاری ابوظبی و شارجه تأمین می شود.

دولت ایران باید رسماً از جهان عرب بخواهد که برای جلوگیری از تفرقه میان ایران و اعراب از تجاهاول ارزشها و حقوق تاریخی ایران و از خدشه دار کردن احساسات ملی ایرانیان بپرهیزند و نام خلیج فارس را تجاهاول نکنند. مردم و امپراتوری پارس که حتی نزد یونانیان و رومیان که حدود هزار سال با پارسها درگیر جنگ بوده اند از احترام و عظمت برخوردار هستند و مورخان آنها از عملکرد پارسها به نیکی یاد می کنند، ولی در طول دو دهه گذشته در دهها کتاب عربی، نسبت به عظمت و نقش مثبت و مؤثر تمدن هزار ساله پارسی قبل از اسلام حقایق وارونه جلوه داده شده است. حتی نقش ایرانیان را در گسترش و توسعه تمدن اسلام نیز نادیده و تحریف کرده اند. و در ترجمه کتب غربی به عربی در بخش حاکمیت پارسها دست برده اند. در حالیکه به گواهی تاریخ پارسها به هیچ کشوری در منطقه خاورمیانه لشکر کشی نکردند مگر به درخواست مردم و یا فرمانروایان آن منطقه و این حقیقت در خصوص فتح مسالمت آمیز بابل و مساعدت ایران به فرمانروای یمن بنام سیف ابن ذی یزن و فرمانروایان مصر بخوبی مصداق دارد.

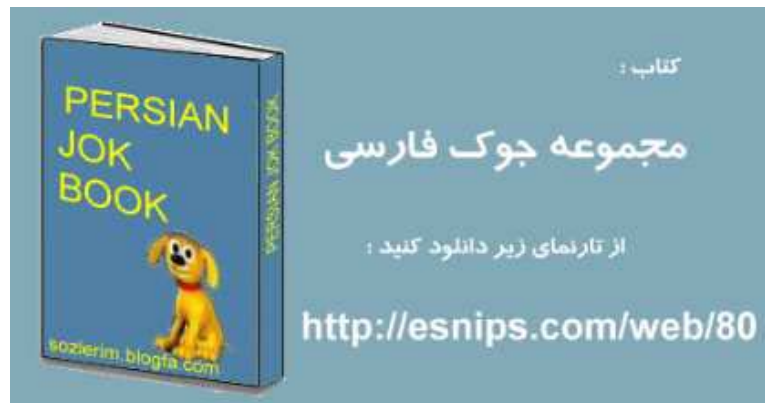
علل تغییر نام خلیج فارس :

برخی معتقد هستند که تغییر نام خلیج فارس ریشه روانی دارد، بنظر آنها اعراب حدود ۵۰۰ سال فاقد يك هویت مستقل و قومی بودند و تحت سلطه عثمانی. و یا سلطه و حقارت و توسری خوری استعمارگران انگلیسی و فرانسوی قرار داشتند، با پایان گرفتن جنگ جهانی و استقلال این کشورها، اعراب با يك حقارت دیگر رویرو گردیدند و آن شکل گیری دولت یهود در کنار آنها بود. موج گیری احساسات قومی و نژادی عربی باعث شد که آنها بر هر نامی کلمه عربی اضافه کنند مانند مصر عربی، سوریه عربی، امارات عربی-مهرجان عربی، لباس عربی، قهوه عربی و ...

در این راستا نام تاریخی خلیج فارس نیز مصون نماند و رهبران تحقیر شده و شکست خورده بعضی کشورهای عربی در بحران خاورمیانه برای سرپوش گذاشتن به شکست ها و حقارت های خود نام شاهراه بین المللی خلیج فارس را نیز بطور یکجانبه مورد تهاجم قرار دادند. این امر ابتدا بصورت حذف نام فارس از خلیج فارس آغاز شد و سپس در نتیجه سکوت و عدم اعتراض ایرانیان کم کم به خلیج عربی تغییر یافت. البته این اقدام اعراب را نباید عملی عدوانی و کینه توزانه بشمار آورد چون آنها عادت کرده اند بر همه چیز پسوند عربی اضافه کنند، روزانه در رسانه های گروهی عربی این کلمه صدها بار تکرار می شود باید دید که در ایران مردم چه اقداماتی برای حفظ نامهای تاریخی خود نموده اند و باید دید چرا بعضی انتشارات اروپائی تطمیع شده با دلارهای نفتی به تبعیت از متعصبین منطقه پرداخته اند؟ در خود ایران چند تا از بلوارها و خیابانهای اصلی، شهرکها و میادین ایران با نام خلیج فارس و یا نامهای تاریخی دیگر مزین شده است؟ چه تعداد

دانشگاه و مدارس عالی در این رابطه فعال هستند. چند رساله در باب نامهای تاریخی نوشته شده است. متأسفانه بعضی از ما ایرانیان ناآگاهانه نامهای تاریخی همچون خوزستان را در برهه ای از تاریخ مورد اهمال قرار دادیم بجای این نام تاریخی نامی استعماری بکار بردیم. ایران کشور کثیرالملت است که ایران را بلاد فارس و یا کرد و یا ترک نمی خوانند بلکه آنرا ایران به معنی همه اقوام ساکن در فلات ایران می خوانیم و به همین علت کشور دوستی و میهن دوستی غیر از قوم پرستی است.

به هر حال امید داریم که در شرایط حساس کنونی رهبران و روشنفکران ایرانی و عربی با درک شرایط فعلی زمینه های تفرقه را از میان بردارند و به مسایل و منافع مشترک بپردازند. در طول سالهای گذشته ایران بطور عملی ثابت کرده است که نسبت به همه همسایگان خود حسن نیت داشته و بویژه مردم ایران آرزومند هستند که روابط ایران با کشورهای عربی مخصوصاً عربستان و مصر به روابطی پایدار و استراتژیک تبدیل شود این علاقه مندی در میان توده های مردم کشورهای عربی مخصوصاً مصر نیز بطور مشهودی وجود دارد، حال نوبت دولتهای عربی است که گامهای مثبتی در این راستا بردارند و ریشه های سوء تفاهم را برای همیشه بخشکانند.



منابع:

- کتاب "خلیج فارس نامی کهن تر از تاریخ"
- مقاله هایی از سایت بازتاب
- دانشنامه ویکی پدیا
- سایت وزارت آموزش و پرورش
- اطلس گیتا شناسی
- سایت جام جمشید

yazilarim.blogfa.com